



برگزیده ای از

نوشته ها و سخنان شایسته آریامهر

برگزیده ای از

نوشته ها و سخنان شاه آریامهر

تشریف گنا پنا نه پهلوی

تاریخ انتشار چاپ اول ۲۵ شهریور ماه ۱۳۴۷

چاپخانه با ناک ملی ایران

فهرست

صفحه	
۵	ایران و ایرانیان
۳۱	شاهنشاهی ایران
۳۷	شاهنشاه و سلطنت
۵۳	فرهنگ و معنویت
۷۳	ایمان
۸۳	دموکراسی
۹۳	عدالت اجتماعی
۱۰۷	صلح
۱۱۹	مسائل بین‌المللی
۱۴۵	ارتش
۱۵۳	دادگستری
۱۵۹	انقلاب سفید
۱۷۹	آموزش و پرورش
۱۹۱	پیکار با بیسوادی
۲۰۱	کشاورزی
۲۰۵	کارگران
۲۱۱	زنان
۲۱۵	جوانان
۲۱۹	ورزش
۲۲۳	پیش‌آهنگی
۲۲۹	اصول تعاونی
۲۳۵	ایران امروز

ایران و ایرانیان

طولی نخواهد کشید که مملکت ما از هر حیث
با بالاترین و مترقی‌ترین و خوشبخت‌ترین ملل عالم برابری
کند ، عدالت قضائی و اجتماعی و انصاف و مساوات
در این مملکت کاملاً حکمفرما شود ، و ایرانی بعد از مدتها
زحمت و محنت به آتیه سعادت‌مندی برسد .

از سخنان شاهنشاه در شرقیابی
هیئت رئیسه دانشگاه تهران -

۱۵ بهمن ۱۳۲۲

در اینکه مراعات مصالح سیاسی لازم است
تردیدی نیست ؛ گذشته هم بما ثابت کرد که اگر اصول
سیاسی مراعات نشود چه مضراتی عاید میشود و بالعکس
اتخاذ یک سیاست صحیح چه منافی دارد . ولی تمام
این مراعاتها باید بدور محور مصالح مملکت بچرخد .

ما دوستی را با سیاست خارجی موقعی طالبیم که بنفع ایران باشد ، و در غیر اینصورت نام آن را دوستی نمیتوان گذاشت .

از سخنان شاهنشاه در شرفیابی
نمایندگان مجلس شورایی -
مرداد ۱۳۳۶

هیچ کشوری در دنیا نمیتواند بیشتر از ایران امروز
بوضع آینده خویش خوش بین باشد . البته سالها تجاوز
خارجی و وضع ناگوار داخلی و خیانتهای گوناگون ایجاد
روحیه یأس کرده است ، ولی یقین داریم که با فداکاری
ما و با کارهای مثبت روز بروز مردم به آینده خود
امیدوارتر خواهند شد و بهمین نسبت نیز روز بروز ایران
رو بترقی خواهد رفت .

از سخنان شاهنشاه در شرفیابی
نمایندگان مجلسین سنا و شورای
ملی - ۱۰ اردیبهشت ۱۳۳۷

ما نباید برای رسیدن بمنافع ملی بکسی باج بدهیم
و یا منت کسی را بکشیم ، زیرا قدرت آنها داریم که
هرچه در نفع ملت است بآن عمل کنیم .

از سخنان شاهنشاه در شرفیابی
نمایندگان مجلسین سنا و شورای
ملی - ۱۰ اردیبهشت ۱۳۳۷

بمعقیده من آنها که خود را ناسیونالیست منفی
میخوانند دروغ میگویند. ناسیونالیسم عبارت از حفظ
منافع ملی است، و منافع ملی وقتی حفظ میشود که کشور
آباد و معمور باشد. اگر کشور ویران و مردم گرسنه باشند
چه منفعتی میماند که آنها آنرا حفظ کنند؟

از سخنان شاهنشاه در شرقیابی
نمایندگان مجلسین سنا و شورای
ملی - ۱۰ اردیبهشت ۱۳۳۷

ملت ایران حتی پس از چندین بار دوره انحطاط
و زوال خوشبختانه استعداد ذاتی و هوش فطری خود را
ایراز داشته و طوری بوده است که دوباره عظمت و ترقی
خودش را باز یافته و مجد دیرینه را بدست آورده است.
بنا براین در این ملت آن استعداد ذاتی و شرافت جایی
همیشه موجود بوده که بتواند اگر از سایرین جلو نیفتد
مسلماً پایپای دیگران پیش برود، و حالا موقع آن است
که ما ایرانیها، هم بفکر گذشته خود باشیم و هم آینده
روشن خویش را در نظر بگیریم و پیش برویم. خوشبختانه
تمام وسایل و موجبات آماده است که بتوانیم در این راه
پر افتخار قدم برداریم.

از سخنان شاهنشاه در شرقیابی
نمایندگان مجلسین سنا و شورای
ملی - اول مرداد ۱۳۳۷

ما بزرگی و ترقی خود را در اتخاذ یک سیاست منفی و مخرب نمیدانیم. ما هم از نعمتهای الهی برخورداریم، هم ثروت داریم، هم از نژادی هستیم که با وجود اینکه هزاران سال عمر دارد هنوز زنده است.

ایرانی قرن‌ها با مشکلات بزرگ دست و پنجه نرم کرده و خود را حفظ نموده است. پس استعداد در ما هست و ما باتکاء ناسیونالیسم مثبت خود میتوانیم حقوق و حیثیت و احترام ایران را بسرحد کمال محفوظ داریم و با سایر ملل زنده دنیا همکاری کنیم.

ما برای اینکه ثابت کنیم ناسیونالیست هستیم احتیاج نداریم عمارات را منفجر کنیم، قتل و غارت کنیم و باین و آن فحش بدهیم. این کار دلیل رشد اجتماعی و نیرومندی نیست، بلکه نشانه ضعف است. ما میتوانیم با حفظ شعائر و متن باستانی حداکثر منافع را برای ملت خود بدست آوریم و با همین رویه بیش از آنهایی که هیاهو و جنجال میکنند منافع خود را حفظ کرده ایم. بکرات گفته ایم که ما آنچه را که متضمن منافع ایران است انجام میدهیم و هیچ ملاحظه‌ای جز حفظ منافع خودمان نداریم.

ناسیونالیسم ما مثبت است از آن جهت که خلاقه است و با حسن سلوک و ادب همراه است. ما خوشبختی خود را در بدبخت کردن سایرین نمیدانیم.

از مصاحبه مطبوعاتی شاهنشاه
با روزنامه نگاران ایران - ۲۵

مهر ۱۳۳۷

من بهمین اندازه قناعت نمیکنم که ایران کشوری
 مترقی باشد . من میخواهم کشورم کشوری نمونه باشد ،
 زیرا خداوند بما همه چیز داده است : نه فقط ثروتهای
 زیرزمینی و روی زمینی فراوان نصیب ما کرده ، بلکه اصولاً
 ملت ایران را خوب خلق فرموده است . ایرانی باطناً
 وطن پرست ، با هوش و شریف است و نفع و صلاح واقعی
 خود را خوب تشخیص میدهد . آنچه برای ما مهم است
 تأمین عظمت ایران و مقامی است که شایسته گذشته
 و تمدن تاریخ این کشور است . ما در میان همه طوفانهای
 که دنیا را فرا گرفته میتوانیم محکم و مطمئن و با امید
 بآینده اصلاحاتی را که لازم است انجام دهیم ، بی آنکه
 احتیاجی به هیاهو یا هرج و مرج و یاسلب آزادی افراد داشته
 باشیم .

از مصاحبه مطبوعاتی شاهنشاه
 با روزنامه نگاران ایران - ۳
 آبان ۱۳۲۷

در حفظ منافع ایران ما نه میتوانیم کوچکترین
 تردیدی داشته باشیم و نه میتوانیم اجازه دهیم که سایرین
 منافع ما را در نظر گیرند یا احیاناً پایمال کنند .
 اگر ممالک بزرگ که دارای نیروی بیشتری
 هستند بخواهند باتکاء این نیرو زور بگویند مسلماً عاقبت
 خوبی نخواهد داشت . ما نمیتوانیم تا موقعیکه خودمانرا

مستقل میدانیم و بعنوان کشور مستقلی در میان ملل دنیا
شرکت میکنیم هیچ حق بیشتری را برای کسی قائل باشیم
و حق کمتری را برای خودمان .

از مصاحبه مطبوعاتی شاهنشاه

با روزنامه نگاران ایران - ۶

دی ۱۳۳۸

تا چند سال پیش عده ای عادت کرده بودند
هر موضوعی را سیاست خارجی ارتباط دهند ، و هر اتفاقی که
میافتاد میگفتند فلان پایتخت یا فلان مملکت چنین خواسته
و یا بدستور و نفوذ آن مملکت بوده است . البته این طرز فکر
مربوط بگذشته بود . اما ما توانسته ایم ثابت کنیم که
اگر خودمان نخواهیم خارجی کوچکترین نفوذی نمیتواند
داشته باشد ، و اگر همه مردم تصمیم گرفته اند سیاست
ملی خود را پیش برند قطعاً همین طور خواهد شد .

از مصاحبه مطبوعاتی شاهنشاه

با روزنامه نگاران ایران - ۵

بهمن ۱۳۳۷

سیاست ما یک سیاست ملی است که تابع جریانات
روز نیست ، و ما هر چه را که وجدان و منافع ملی ماحکم
میکند انجام خواهیم داد . در اتخاذ این سیاست ما نه

تحت تأثیر هیچگونه عاملی قرار گرفته‌ایم و نه بعنوان یک
ملت و مملکت مستقل میتوانیم تحت تأثیر چنین عواملی
قرار بگیریم .

از مصاحبه مطبوعاتی شاهنشاه
با روزنامه نگاران ایران - ۳
اسفند ۱۳۳۷

کارهای ما پاسخ مثبتی به خواسته‌های روزانه
ملت ایران است که از قلب و فکر هر فردی سر چشمه
میگیرد و با ابراز وفاداری و پشتیبانی ما را در پیشرفت کار
تشجیع مینماید .

امید و اعتماد ما به آینده بر عشق و ایمان جاودانی
مردم کشورمان به آزادی و حریت و ذوق سلیم آنان استوار
است .

ایران امروز در آستانه عصر جدید تکمیل و اجرای
نقشه‌های آبادانی خود قرار دارد . ما قبلاً بدنیاء نشان
داده‌ایم که کارهای بزرگی از ما ساخته است ، و امروزه
نیز نقشه‌های ما بطور رضایت بخشی در حال پیشرفت و تکمیل
است و آینده امید بخشی را نوید میدهد .

از نطق شاهنشاه در انجمن
روزنامه نگاران خارجی در لندن -
۱۸ اردیبهشت ۱۳۳۸

تصمیم ما این است که در میان افراد ایرانی
افراد منحرف را نپذیریم . ما حق نداریم نسبت به کسانی که
بوطن مهر نمی‌ورزند اغماض کنیم . من نسبت به هر فردی
که بخودم صدمه بزند میتوانم اغماض کنم ، و اینکار
را کرده‌ام ، ولی در مورد اجتماع نه من میتوانم صرفنظر
کنم و نه شما . گذشت خصلت خوبی است ، ولی اگر
بر اثر چنین گذشتی فرصت بدست دشمنان ما برسد مهلت
نخواهند داد . ما نمیتوانیم نسبت به مسئولیت خود در
برابر ایران و تاریخ مملکت خویش اجازه چنین گزندی را
بدیگران بدهیم .

از سخنان شاهنشاه در شرفیابی
دانشجویان ایرانی مقیم پاریس -
۴ خرداد ۱۳۳۸

ما برای هیچکس حقوق بالاتری از حقوق خود قائل
نیستیم . حفظ حقوق و احترام دیگران را در مراعات حقوق
و احترام خویش میدانیم و استقلال و حاکمیت ملی ایران
را بالاتر از هر چیز میشماریم ، و اصرار خواهیم داشت این
حقوق مسلم ملی ما را دیگران با دیده احترام بشناسند .

از پیام شاهنشاه به ملت ایران
در بازگشت از سفر اروپا - ۹
۱۳۳۸ خرداد

ما نمیخواهیم و نمیتوانیم از ترس تهدیدهای

بی اساس و از روی بزدلی حقوق ملت مستقلی را از دست بدهیم . این کار را تا بحال که کرده است که ما بکنیم ؟ امروز ملل اسیر و مستعمره از تساوی حقوق صحبت میکنند . ما که هرگز مستعمره نبوده و پیوسته آقائی داشته ایم ، چطور میتوانیم این حق تساوی را از دست بدهیم ، و برای چه اینکار را بکنیم ؟

از مصاحبه مطبوعاتی شاهنشاه
 باروزنامه نگاران ایران - ۳ تیر
 ۱۳۳۸

ملتی که ۲۵۰۰ سال سابقه سلطنت دارد ، و محیقترین سنن ملیت بطوری با روح و خون او عجین شده نه بصورت جزء لاینفک آن در آمده است ، دارای چنان فضائی است که شاید به آسانی بعظمت آن نتوان پی برد . راست است که در طول تاریخ کهنسال این کشور دوره های انحطاطی نظیر آنچه برای هر ملت دیگری روی داده برای ما پیش آمده و ما را مدتی در حال عقب ماندگی نگاهداشته است ، ولی همان غریزه ذاتی و لیاقت نهانی و فطری ملت ما بکرات بصورتی معجزه آسا بروز کرده است و ما هر بار نشان داده ایم و در آتیه نیز نشان خواهیم داد که چطور میتوانیم با نیروی روحی شگفت آور خاص این ملت کهنسال که در طول قرون در کوره حوادث بصورت

یولادی آبدیده در آمده است خود را بنیایه متری ترین ملل
و سعادت مندترین جامعه ها برسانیم .

ما بخواست خداوند و با اراده ای راسخ ایرانی
متری و آماده برای پیشرفتهائی بیشتر و درخشانتر
را بدست نسل جوانی که امروز در مدارس و کارگاهها
و شهرها و روستاها با اعتماد و ایمان به موفقیت و با حس
غرور ملی و سربلندی تربیت میشود خواهیم سپرد ، تا این
نسل نو بتواند با روح ابتکار و با استعداد و هوشمندی خاص
نژاد ایرانی آن دینی را که بگذشته بر افتخار این سرزمین
مقدس دارد ادا نماید ، و ایران عزیزی را که ما زندگی
و روح و جسم خویش را وقف آن کرده ایم روز بروز آبادتر
و سعادت مندتر و متری تر سازد .

از پیام شاهنشاه بمناسبت سالروز
بیست و هشتم مرداد - ۲۸ مرداد

۱۳۳۸

ما کسی را تهدید نمی کنیم و خودمان نیز از
تهدید دیگران نمیترسیم . ما چه بخواهیم و چه نخواهیم
ناگزیریم مثل هر مملکت مستقل و ملت آزادی از حقوقی
که برای هر ملت و مملکت آزاد معین و مقرر شده است
پیروی کنیم .

از مصاحبه مطبوعاتی شاهنشاه
با روزنامه نگاران ایران -

۴ مهر ۱۳۳۸

وقتیکه همه افراد یک ملت در راهی قدم بردارند،
خواه این راه حفظ استقلال مملکت یا کوشش در صنعتی
کردن آن یا تجدید وضع کشاورزی و غیره باشد، طبعاً
نیل به هدف آسان میشود. این همکاری و اشتراک مساعی
عمومی بزرگترین نیروئی است که هر مملکت میتواند
در اختیار داشته باشد.

از مصاحبه مطبوعاتی شاهنشاه
باروزنامه نگاران ایران - ۴ مهر

۱۳۳۸

من بخوبی یک دورنمای روشنی از مملکت می بینم
که در آن تملتی آزاده، مرفه، خوشبخت و ثروتمند زندگی
میکند. من مردمی را می بینم که پیشرفت سریع آنها سایر
ملل را به تعجب انداخته است.

اگر همه با هم همت بخرج دهند و اگر همه با هم
کوشش کنند، برای رسیدن باین کاخ سعادت حداکثر
بیست سال بیشتر نمانده است، زیرا ما قسمت عمده راهها
و نشیب و فرازها را پیموده ایم.

از سخنان شاهنشاه در جلسه
هیئت دولت - ۳ آبان ۱۳۳۸

برای من جای خوشوقتی فراوان است که می بینم
در مملکتی زندگی میکنم و با مردمی سر و کار دارم که

در مواقع بحرانی رشد اجتماعی و حس عمیق وطنخواهی خود را از هر حیث نشان داده‌اند . زندگی با این مردم و خدمت کردن بچنین ملت و چنین مملکت مایه مسرت است . اطمینان دارم که تا توجهات الهی شامل حال ملت ایران است هیچ مانع و رادعی نمیتواند جلوی ترقی ما را بگیرد و هیچ سیاست و پیش آمدی ما را از هدفی که در پیش داریم مانع نخواهد شد . در این راه همه شرکت خواهند داشت و از این لحاظ مقام و موقعیت هر کسی که بالاتر باشد بهمان نسبت مسئولیت او بیشتر و سنگینتر خواهد بود و باید فعالیت زیادتری بخرج دهد .

از سخنان شاهنشاه در سلام چهارم
آبان - ۴ آبان ۱۳۳۸

ما بعظمت باستانی و میراث گرانیهای نیاکان خود می‌بالیم ، زیرا این میراث پرافتخار که کمتر ملتی در جهان از نظیر آن برخوردار است برای ما منبع نیرو و الهامی برای ساختن ایران آینده است . ولی نباید تنها بدین افتخارات قناعت کنیم ، بلکه باید در دنیای جدید افتخارات تازه‌ای بمفاخر کهن بیفزاییم و وضع خود را با ترقیات جهان امروز هماهنگ‌سازیم و از هر حیث با کاروان تمدن همگام شویم .

از پیام شاهنشاه بمناسبت آغاز
برنامه انتشاراتی کشور - ۲۹
آذر ۱۳۳۸

ما بار دیگر نشان دادیم که با آنکه ملت قدیمی و کهنی هستیم در میدان پیشرفت و مبارزه از هر نیروی جوانی جواتریم ، و همین ما را امیدوار میکند که این ملت که نسل جوانی خود را از سر بگیرد ، یعنی درعین حال که از تمام نعمتهای جدید و امروزی برخوردار است و دوش بدوش ملل مرفعی پیش میرود تمام خصائل پسنندیده و ستن ملی قدیمی خود را حفظ کرده است .

از سخنان شاهنشاه در سلام
نوروزی - اول فروردین ۱۳۳۹

ما تصمیم گرفته ایم تا قوه در بدن داریم و تا آنجائی که میتوانیم و تا زنده هستیم فاصله عظیم عقب افتادگی خود را از دنیای جدید از میان برداریم و طوری در اجرای برنامه ها بکوشیم که از لحاظ اجرای پروژه های اساسی زحمت زیادی برای نسلهای بعد باقی نگذاریم . البته اینکار دشوار است ، ولی با همه دشواری و سختی کاری است که به انجام آن تصمیم گرفته ایم و بخواست خداوند توفیق خواهیم یافت .

از سخنان شاهنشاه در جلسه هیئت
دولت - ۲۹ فروردین ۱۳۳۹

ما از لحاظ تاریخ کشور خود و سهمی که در تمدن جهانی داشته ایم بر خویش میالیم ، ولی نمیخواهیم تنها

با افتخارات گذشته خود زندگی کنیم . زمان اقتضا میکند که ما پیوسته در راه پیشرفت اجتماعی و پیشرفت اقتصادی باشیم . بنظر من هیچ کشور و ملی نمیتواند وقت و فرصت را از دست بدهد .

ما و شما نباید فراموش کنیم که قبل از هر چیز ایرانی هستیم و نسبت بحفظ این آب و خاک مقدسی که نسلهای بی شمار نیاکان ما آنرا بقیمت فداکاریها و تلاشها و جانفشانیهای دائم با سربلندی و افتخار بدست ما سپرده و خودشان نیز برای همیشه در دل همین خاک مقدس بخواب رفته اند مسئولیت سنگینی داریم که نباید حتی یک لحظه آنرا از یاد ببریم .

دیر یا زود همه ما به ایشان خواهیم پیوست ، ولی این مملکتی که ایران نام دارد و مقدر بوده است که در تاریخ جهان مشعلداریکی از پرافتخارترین و درخشانترین تمدنهای روی زمین باشد باید جاوید بماند .

از نطق شاهنشاه بمناسبت سالروز
بیست و هشتم مرداد - ۲۸ مرداد
۱۳۴۰

ممکن است مملکت ما مثل تمام ممالک دیگر دنیا دارای معایب و مفاسد و نواقصی باشد ، ولی ما قادریم که خودمان بهتر از هر کس دیگر و با دلسوزی بیشتری رفع تمام این مشکلات را بکنیم ، و اگر بخواهیم که ما نیز معایب سایرین را بشماریم آن وقت خواهیم دید که

این کار، هم خیلی آسان است و هم معلوم نیست در چنین مقایسه‌ای کفه ترازوی کدامیک سنگین‌تر بشود .

از نطق شاهنشاه بمناسبت سالروز
بیست و هشتم مرداد - ۲۸ مرداد
۱۳۴۰

امروزه دیگر امپریالیسم و استثمار بمعنائی که سابقاً وجود داشت از بین رفته و مرده و جزء خاطرات گذشته شده است و اکنون دنیا آخرین بقایای این استثمار را تشییع جنازه میکند . منتها باید با هشیاری تمام مراقب نوع جدید استثمار باشیم و مملکتمان را از آن حفظ کنیم .
از نطق شاهنشاه بمناسبت سالروز
بیست و هشتم مرداد - ۲۸ مرداد
۱۳۴۰

سیاست ما کاملاً روشن است : ما طرفدار حقوق بشر و آزادیهای اساسی هستیم و با استثمار مبارزه میکنیم ، ولی نوع جدید استثمار را هم نمی‌پذیریم . ما معتقدیم که همه ملت‌ها دارای حقوق یکسان هستند و این حقوق باید مورد احترام باشد .

از سخنان شاهنشاه در باشگاه
روزنامه نگاران فرانسه - ۲۶ مهر
۱۳۳۴۰

من هیچکس را فهمیده‌تر از ایرانی در هیچ جا ندیده‌ام . تنها مسئله‌ای که هست تشکل این افراد است

که چطور اجتماع آنها همان درایت و فهم انفرادی را پیدا بکند . چیزی که باید آرزومند آن باشیم اینست که همان فهمی که فرد فرد مردم ایران دارند همان را اجتماع آنها هم با هم پیدا بکند . البته این مستلزم این است که غرضها کمتر بشود ، و اگر چنین شد و هر فردی فهمید که بقای او بسته به بقای اجتماع است این مشکل حل میشود .

مطمئن هستم که در آینده نزدیکی ، حتی خیلی قبل از اینکه حیات ما خاتمه پیدا بکند ، چنان مملکت آباد و سر بلندی خواهیم دید که غرور و خشنودی در سیمای همه ما پیدا باشد و مطمئن باشیم که اولاد ما بارفاheit و افتخار و سر بلندی زندگی خواهند کرد . همان آرزویی را که من دارم که بعد پسر من در آن محیط زندگی بکند مطمئناً شما نیز برای اولاد خود دارید ، و انشاء الله این بچه های فعلی و مردان آینده و زنان آینده همه سر بلند و مقتدر به اسم ایرانیت زندگی خواهند کرد .

از سخنان شاهنشاه در شرقیایی
نمایندگان مردم استانها و عشایر
۹ آبان ۱۳۴۰

برای تأمین آینده ای مرفه و سعادتمند ما از همه سواهب الهی که بصورت سرزمینی پهناور و غنی و ذخایر سرشار زیرزمینی و هوش و استعداد فراوان نژادی به ما اعطاء

شده است بهره مند هستیم ، و اگر قصوری در استفاده از این نعمتها و موهبتها بشود گناه آن تنها متوجه کم همتی خود ما خواهد بود . بدیهی است برای هر مملکتی که بخواهد در عرض چند سال راهی را که دیگران در طول چندین قرن پیموده اند طی کند و ناگزیر باشد که در همه شئون مادی و معنوی و اجتماعی و اقتصادی به موازات یکدیگر دست به تحول دامنه دار و سریعی بزند تحمل سختی ها و برارتهای وحشی بحرانیهای اجتماعی و اقتصادی اجباری است . ولی باید همه ما متوجه باشیم که این ناراحتیها و برارتهای که دیگران نیز نظایر آنها را بصورت شدیدتری گذرانیده اند زود گذراست و این رنجی است که راحت و سعادت در دنبال خواهد داشت .

از پیام نوروزی شاهنشاه - اول

فروردین ۱۳۴۱

تاریخ چند هزار ساله کشور من که روزی بزرگترین امپراتوری جهان را تشکیل میداد بخلاف بسیاری از موارد مشابه تاریخ یک سلسله کشورگشائیها و قتل و غارتها و زورگوئیها نیست ، بلکه تاریخی است که بیش از هر چیز بر پایه عدالت و آزادی استوار است .

در طول قرون متمادی بارها کشور من دستخوش حملات و مهاجماتی شده که هر یک از آنها برای نا بود کردن مملکتی کافی بوده است ، ولی هر باره مهاجمین

درومذیت و فرهنگ درخشان ایران حل و مستهلک شده‌اند ،
 و بدین ترتیب چراغی که هزاران سال پیش در این سرزمین
 افروخته شد از خلال ظلمتها و طوفانها همچنان فروزان و تابناک
 بدست ما که وارث این میراث عظیم مذیت هستیم رسیده است .
 ما ملت مستقلی هستیم که هیچگونه احساس
 حقارتی در مواجهه با خارجی نداریم ، و چون خودمان را با
 هر کشور و ملت دیگری از حیث حقوق مساوی میدانیم
 برای ما همکاری با ملل دیگر سهل و آسان است .
 ما احتیاج نداریم که از صبح تا شب بملت خودمان
 حس کینه توزی و دشمنی با خارجی را تلقین کنیم ، بلکه
 بالعکس احساس دوستی و همکاری را با دیگران ، البته
 با حفظ تمام منافع ملی خودمان ، تقویت میکنیم .

از نطق شاهنشاه در کنگره
 آمریکا - ۲۲ فروردین ۱۳۴۱

ما امروز وقتی صحبت از وطن و مملکت میکنیم
 منظورمان فقط یک اصطلاح کتابی و یک چیز خشکی که
 تنها مربوط به گذشته و یا صرفاً عامل تحریک احساسات
 وطن پرستی و عرق ملیت ما باشد نیست . وقتی صحبت
 از وطن و آینده میکنیم نظرمان مملکتی است که در دنیای
 امروز بتواند همگام پیشرفته‌ترین ممالک دنیا به زندگی
 پر افتخار خود ادامه دهد .

از سخنان شاهنشاه در شرفیایی
 دانشجویان ایرانی مقیم آنکارا -
 ۷ آبان ۱۳۴۱

سوابق ملی ما و عظمت گذشته ما و رشد باطنی و عمیق ما و شایستگی مردم این سرزمین و همچنین ثروتهای طبیعی و خداداد ما در واقع ما را ملزم و محکوم میکند که در زمره ملل زنده و بزرگ دنیا قرار بگیریم . برای تأمین این منظور می بایستی ما از هر جهت دو شادوش پیشرفته ترین ممالک دنیا قدم برداریم .

از سخنان شاهنشاه در سلام عید
غدیر - ۲۳ اردیبهشت ۱۳۴۲

در کشور ما اکنون ملتی کهن برای آنکه در عین حفظ سنن پرافتخار مدنی و فرهنگی چند هزار ساله خود کشور خویش را بهای مرفعی ترین و پیشرفته ترین ممالک دنیای کنونی برساند و از ترکیب دو عامل نو و کهن جامعه ای سعادت مند بر اساس توازنی شایسته میان نیروهای معنوی و مادی پی ریزی کند دست بتلاشی وسیع و بیسابقه زده است .

از نطق شاهنشاه خطاب به
اعلیحضرت اولای پادشاه نروژ-
۱۹ دی ۱۳۴۲

ما دوستانی داریم ، ولی نمیتوانیم سرنوشت خودمان را صرفاً در اختیار تصمیم دیگران بگذاریم که اگر روزی خواستند بما کمک بکنند و اگر روزی نخواستند نکنند . این نه فقط از لحاظ ملی نوعی ننگ است ، بلکه

از لحاظ بین‌المللی نیز قابل اعتماد نیست . باین جهت
ناچاریم که نسبت به تقویت قوای دفاعی خودمان البته
در حدود معقول بیندیشیم . در عین حال که برنامه های
صنعتی و عمرانی ما باید با قدرت هرچه تمامتر پیش
رود ، ما نمیتوانیم از تقویت نیروهای دفاعی کشور غافل
بمانیم .

از سخنان شاهنشاه در شرفیابی
نمایندگان مجلس شورای ملی-
۱۰ اسفند ۱۳۴۴

اگر در خلیج فارس حتی یک دانه ماهی هم پیدا
نمیشد و یا یک چاه نفت نیز وجود نداشت و یا یک کشتی
تجارتی رفت و آمد نمیکرد ، و اگر هم جنوب ایران
و خوزستان و منابع نفت ایران فقط تیغزاری بود ، باز هم
وظیفه ملی ما ایجاب میکرد که از هر وجب خاک خود
دفاع کنیم .

از سخنان شاهنشاه در شرفیابی
نمایندگان مجلس شورای ملی-
۱۰ اسفند ۱۳۴۴

در دنیائی که در بسیاری از نقاط آن بدیهی‌ترین
اصول دموکراسی پایمال شده است ، برای ملت کهنسال
ما که همواره مشعلدار اصول عالی معنویت بوده است مایه
سربلندی واقعی است که نه تنها توانسته است اساس

دموکراسی سیاسی خود را استوار نگاه دارد ، بلکه آن را با کاملترین اصول دموکراسی اقتصادی و دموکراسی اجتماعی در آمیخته و از این راه بصورت سرمشقی برای بسیاری از اجتماعات و ملل دیگر درآمده است .

از پیام شاهنشاه بمناسبت جشن
مشروطیت ایران - ۱۴ مرداد

۱۳۴۵

ما در تمام شئون ملی تاکنون کارهایی انجام داده . قدمهایی برداشته‌ایم که هر یک از آنها به نسبت خود و به نوبت خود میتواند نمونه و سرمشقی باشد .

با همه اینها شاید احتیاجی بتذکر این حقیقت نباشد که همه پیشرفتهایی که تاکنون حاصل شده تازه نتایج اولیه این تحول عظیم است و ما بایستی منتظر بهره‌گیری بسیار وسیعتری از این بابت در آینده باشیم . باید صراحتاً بگویم که هیچ چیز مرا راضی نخواهد کرد مگر آنکه ایران را در صف اول ملل متمدن جهان ببینم .

از پیام شاهنشاه بملت ایران
بناسبت سالروز بیست و هشتم

مرداد - ۲۸ مرداد ۱۳۴۵

منظور ما از هراتحادی تأمین منافع آشکار ما است . ما دوستی هر کشوری را میپذیریم و حاضریم از تجارب علمی و فنی آن کشور استفاده کنیم ، بشرط آنکه چنین دوستی

بمنافع یا استقلال مالطمه وارد نسازد. این رویه بما-آزادی عملی می‌دهد که از آنچه در کشورهای که اسیر فرضیه‌های مختلف هستند مشاهده می‌شود به مراتب بیشتر است. از کتاب مأموریت برای وطنم

ناسیونالیسم مثبت بنظر من عبارت از رویه‌ای است که حداکثر استقلال سیاسی و اقتصادی کشور را بطوریکه با منافع آن کشور موافق باشد تأمین نماید. برای ما ایرانیان ناسیونالیسم مثبت مفهوم گوشه‌گیری و جدائی ندارد، بلکه معنای آن این است که بدون توجه به امیال و سیاستهای کشورهای دیگر هر قراردادی را که بنفع کشور مان باشد منعقد سازیم و از تهدیدات کسانی که میخواهند برای ما رفیق انتخاب کنند نهراسیم. از کتاب مأموریت برای وطنم

برای تمیز بین ناسیونالیسم حقیقی و ناسیونالیسم دروغین، باید از رهبران آنها با کمال سماجت و صراحت خواست که برنامه‌ای را که برای پیشرفت و ترقی کشور دارند ارائه دهند، و هرگاه برنامه‌مبثی نداشتند و یا برنامه آنها از جمله‌های فریبنده و مبهم و بدون عمق و معنی مشحون بود و یا برنامه معقولی داشتند ولی طرق عملی برای اجرای آن نداشتند، باید از فکر ناسیونالیستی آنها مشکوک و مظنون

بود . بر عکس اگر برنامه صحیح و مثبتی ارائه دادند و طرق معقولی برای اجرای آن داشتند و نشان دادند که باعزمی راسخ برای یک چنین خدستگراری آماده‌اند، آنوقت دلائلی برای اینکه بتوان نسبت به ناسیونالیسم آنها اعتماد و اطمینان حاصل نمود بدست خواهد آمد .

هر کس فکر ناسیونالیسم منفی را تبلیغ میکند باید او را مظنون و مشکوک شمرد ، زیرا خراب کردن از عهده همه بر می‌آید ، ولی آباد کردن کار هر کس نیست . متأسفانه طینت و طبیعت بشر در همه جای گیتی آتست که مردم غالباً به هیاهو و جنجالی که نسبت به شیطان موهوم برپا میشود بیشتر دل میسپارند تا به تبلیغی که برای پیشرفت واحیاء کشور میشود . علت اینست که برافکندن بنیانه‌ها تماشائی و هیجان انگیز است ، ولی ساختن بنا کاری آهسته و تدریجی است که احتیاج به صرف وقت دارد .

از کتاب مأسوریت برای وطنم

قرن‌هاست ایران از اختلاف طبقاتی و نژادی چنانکه در بعضی از کشورها رایج است آزاد بوده است . راست است که افرادی در کشور ما از امتیازات زیادی برخوردار و عده دیگری فاقد آن امتیازات بوده‌اند و فاصله بین آنها بسیار زیاد بوده است ، ولی همیشه امکان آن بوده است که افراد شایسته از طبقات پائین اجتماع به مقامات عالی‌ه برسند . صفحات تاریخ ایران مشحون از موارد بیشماری

است که نشان میدهد بسیاری از سلاطین و سرداران و وزیران و علما و شعرا و نویسندگان بزرگ از طبقات پائین اجتماع به مدارج عالیه شهرت رسیده‌اند.

از کتاب ماسوریت برای وطنم

برای مبارزه علیه سیستم امپریالیستی جدید و یاقدیم ترس و واهمه و خضوع و خشوع اثری نمی‌بخشد. امروزه ملل کوچک باید جرأت و جسارت آنها داشته باشند که در برابر نیرومندان استقامت و پایداری نمایند و کوچکترین پروائی از عظمت و قدرت آنان نداشته باشند.

از کتاب ماسوریت برای وطنم

مانه نقشه‌های پنهانی برای توسعه و تجاوز داریم، نه افکار جاه طلبانه‌ای بزیان دیگران درس می‌پروانیم و نه شیوه اختناق افکار و سلب آزادیهای فردی و اجتماعی را برای پیشرفت ظاهری خود برگزیده‌ایم. بعکس، آنچه ما بعنوان اصول کار خویش برای آینده در نظر گرفته‌ایم اصلاحات وسیع اجتماعی، سازندگی اقتصادی توأم با اقتصاد دموکراتیک، پیشرفتهای فرهنگی، همکاری بین‌المللی، احترام بمعتقدات معنوی و به آزادیهای فردی و اجتماعی ماست. تصور میکنم کشور من اصولاً نمیتواند راهی بجز این برای ساختن آینده خویش در پیش گیرد، زیرا این تنها راهی است که با سنن دیرینه تاریخی و با ماسوریت معنوی و جهانی این ملت مطابقت دارد.

از کتاب انقلاب سفید

شاهنشاهی ایران

عظمت و شکوه مقام سلطنت مرتبط و وابسته بقدرت
و عظمت ملت است. هر قدر ملت توانا و مقتدر باشد بهمان
اندازه نیز مقام سلطنت که نماینده قدرت ملت است قوی
و معظم خواهد بود.

از پیام نوروزی شاهنشاه -

اول فروردین ۱۳۲۳

سر واقعی موفقیت ما اینست که رژیم ما رژیمی
طبیعی است که ملت آنرا با راحتی میپذیرد ، زیرا بدان
تحمیل نشده است. چنین رژیمی میتواند خیلی عمیقتر و بهتر
و سریعتر اصلاحاتی را که مطابق با پیشرفت زمان و سیر
تمدن جهانی است انجام دهد.

ما نه مجبوریم با عجله و شتابزدگی و بدون مطالعه

و حساب دست بکرهای حادی برزیم ، و نه دست و بال ما
در مسائل داخلی یا خارجی بسته است که نتوانیم آنچه
را بصلاح خود می بینیم عملی کنیم .

از مصاحبه مطبوعاتی شاهنشاه
باروزنامه نگاران ایران - ۲ آبان

۱۳۳۷

رژیم ایران رژیمی است خیلی قدیمی ، و مسلماً
روش حکومتی که چندین هزار سال بر قرار بوده و ادامه
داشته نمیتواند بر خلاف میل ملی مردم باشد . بهمین جهت
می بینید که ما در میان همه طوqانها استوار و محکم و مطمئن
بکارها ادامه میدهم و میکوشیم تا حداکثر آزادی هارا
منهای آزادی در خیانت بمردم بدهیم .

از سخنان شاهنشاه در شریایی
نمایندگان مجلسین سنا و
شورایملی - ۴ آذر ۱۳۳۷

علت آرامش و ثبات اوضاع کشور ما اینستکه
ایران با یک رژیم طبیعی اداره میشود و وضع کشور ما
تحمیلی نیست . این وضع نه از داخله بوسیله عوامل غیر
عادی تحمیل شده و نه خوشبختانه از خارج بوجود آمده
است . و قتیکه رژیمی جنبه طبیعی داشته باشد مسلماً آرامش

وسکون هم دارد ، بخصوص که در هر قسمت حساس کار
مملکت اقدامات مؤثری انجام میگیرد .

از مصاحبه مطبوعاتی شاهنشاه
باروزنامه نگاران ایران - ۵ بهمن

۱۳۳۷

رشته قدیم و قویمی که ملت را به سلطنت یعنی
قائم حفظ مملکت پیوند میدهد امروز از گذشته نیز قویتر
و محکمتر است . این بهم پیوستگی ساخته و پرداخته دیروز
و امروز نیست ، رشته ایست که سر دراز دارد و باید ریشه
آن را در تاروپود سلسله چندین هزار ساله تاریخ قوم بزرگ
ما یافت .

از پیام شاهنشاه با دالی فارس -

۹ اردیبهشت ۱۳۳۸

رژیمی در خطر است که طبیعی نباشد ، در صورتیکه
رژیم ایران یک رژیم طبیعی است که از دو هزار و پانصد
سال پیش تا کنون برای ما باقی مانده است . این رژیمی
نیست که از خارج برای این کشور تحمیل شده باشد . حکومت
سلطنتی را دولتهای استعماری در ایران بوجود نیاورده اند .

از سخنان شاهنشاه در

باشگاه روزنامه نگاران

فرانسه - ۲۶ مهر ۱۳۴۰

در عصر کنونی یک پادشاه خوب میتواند بطریقی
مؤثر تر از دوره‌های گذشته ب مردم کشور خود خدمت کند ،
ولی پادشاه بد و پادشاهی که لیاقت وی متوسط باشد دیگر
وسیله زیان و اضرار مردم کشور خویش را نخواهد داشت ،
زیرا مردم متورالفکر کشور زیر بار او نخواهند رفت و ناگزیرش
خواهند ساخت که یا خود را اصلاح کند و یا تخت و تاج را
بدیگری واگذارد .

از کتاب مأسوریت برای وطنم

شاه در ایران ، اگر پادشاهی مورد اعتماد ملت
خویش باشد ، میتواند با اتکاء به حیثیت و نفوذ عظیم
معنوی خود دست بکارهایی چنان وسیع و اساسی بزند که
مشابه آن را در هیچ کشور دیگری جز با توسل به شیوه‌های
انقلابی و سلب آزادیهای مدنی و فردی و یا بطور خیلی
تدریجی و طولانی نمیتوان انجام داد .

از کتاب انقلاب سفید

شاهنشاه و سلطنت

امروز که ریاست کشور و ملت ایران را عهده‌دار شده‌ام، معتقدم که آبرومندی دولت و سلطنت در این است که ملت آسوده باشد و بخوشی زندگانی کند، و در سهم خود آن اندازه که بمن مربوط است در ادای وظایفی که برای این مقصود باید بجا آورد بقدر مقدور میکوشم؛ اما باید یقین دانست که حصول این مقصود بسته باین است که همه افراد ملت بوظایف خود عمل کنند، و رأس آن وظایف این است که نسبت بیکدیگر عدالت و انصاف را منظور دارند و مصلحت عامه را بر منافع خصوصی مقدم شمارند.

اگر نظر حقیقت بین باشد روشن است که بندگان خدا همه در خوشی و ناخوشی یکدیگر شریکند و ممکن نیست یک نفر شاد باشد در حالیکه دیگران همه غمناکند،

و اگر عموم سعادتمند باشند البته افراد هم خوش خواهند بود .
از پیام نوروزی شاهنشاه - اول
فروردین ۱۳۲۱

من هر قدر خود خواه باشم خوب تشخیص میدهم
که قدرت سلطنت متکی بر قدرت ملی است و پایه های
تخت و اورنگ پادشاهی بر قلوب مردم استوار است .
من خواهان آنم که ملت من از سعادت و نیک
بختی و رفاه و آسایش و امنیت و عدالت و تندرستی بهره مند
باشد ، و برای اجرای تمام این مقاصد حد اکثر مساعی
خود را بکار خواهم برد .
حکومت و سلطنت بر یک مشت مردم فقیر و ضعیف
و رنجور و محروم از عدالت مورد رضایت خاطر من نبوده است
و نخواهد بود .

از بیانات شاهنشاه در پاسخ
رئیس مجلس شورایی و سایر
مستقبلین (در ۲۴ کیلومتری
قزوین) - ۱۹ خرداد ۱۳۲۶

من فطرتاً دارای روحیه دموکراتیک هستم ،
ولی هنگامیکه پای مصالح کشورم در میان باشد میتوانم
مانند هر فرد وطن پرست دیگر بسیار سخت گیر باشم .
من هرگز بکسانیکه بمملکت خیانت کرده اند رحم نمیکشم .
از مصاحبه شاهنشاه با نماینده
مخصوص روزنامه نیویورک
تایمز - ۵ مهر ۱۳۲۹

در آنچه مربوط بخود من است ، هیچگونه نظر
کینه توزی ندارم و قلب صاف من کانون بغض نبوده
و نخواهد بود .

اما در مورد تجاوز بمقدسات ملی و قانون اساسی
نمیتوانم هرگز گذشت داشته باشم .

از پیام شاهنشاه بملت ایران
هنگام بازگشت بکشور پس از
قیام ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ - اول
شهریور ۱۳۳۲

ضامن همه موفقیت‌های من اراده خداوندی
است ، و من حس میکنم که فقط بنده کوچک‌او هستم که
مجری نیات و مشیت کامله الهی نسبت بدین ملت و مملکت
میباشم .

از سخنان شاهنشاه در سلام چهارم
آبان - ۴ آبان ۱۳۴۳

همانگونه که مردم نسبت بیادشاه خود تا این حد
احساسات و عواطف پاك دارند و برای فداکاری حاضرند ،
من نیز نسبت به ملت در همین حال هستم و این امریست
که در مدت سلطنت خود بارها بثبوت رسانیده‌ام .

در شهریور ۱۳۲۰ که قبول مسئولیت کردم
و سوگند یاد نمودم آینده‌ای بسیار تاریک در برابرم بود ،

معهدا با توکل بخدا و توجه بهمین احساسات مردم با همه سختیها و دشواریها مبارزه کردم . در تمام مدت سلطنت چه با مقاومت مثبت و چه با مقاومت منفی در راه حفظ ملک کوشیدم ، و با آنکه خطراتی برای من بطور سری یا علنی وجود داشت بهیچوجه بیم و هراسی در دل راه ندادم و همیشه بسوگندی که یاد کرده بودم وفادار ماندم ، و تا زنده هستم باین سوگند وفادار خواهم بود .

از بیانات شاهنشاه در شرفیابی
نمایندگان طبقات مختلف
پایتخت - ۹ اسفند ۱۳۳۸

امید وارم با عزمی راسخ وظایفی را که برای بنیان‌گزاری ایران‌نویں بعهده گرفته‌ام ولو بقیمت جانم تمام شود بیایان برسانم . ما از هیچ فرصتی برای رسیدن بهدف خود غفلت نخواهیم ورزید و با استفاده از آخرین تجارب دیگران که سالهای دراز وقت خود را صرف رفع اشتباه‌ها و اصلاح کارها کرده‌اند در مدتی کوتاه و کمتر خود را بمقصد میرسانیم .

از سخنان شاهنشاه در جلسه
هیئت دولت - ۲ آبان ۱۳۳۸

برای من عید واقعی هنگامی است که وقتی که بعنوان پادشاه این ملت و مسئول سر نوشت آن بکشور خود

می نگرم ، درس تا سر آن سدها ، کارخانه ها ، راهها ،
 راه آهن ها ، بنادر ، آموزشگاهها ، بیمارستانها و درمانگاهها
 و پرورشگاهها ، سازمان های بیمه های خیریه و اجتماعی ،
 مراکز ورزشی ، کشتزارها و مزارع آباد ، و بسیار چیزهای
 دیگر از این قبیل را که همه از زندگی و پیشرفت و تکامل
 حکایت میکنند در حال فعالیت ببینم ، و مردم این کشور را
 همه جا سرگرم کار مثبت و خلاقه ای ببینم که هدف آن
 ساختمان بنای عظیم ایرانی آباد و سعادتمند و مترقی است
 که با تأییدات الهی میباید از هر حیث بصورت کشوری
 نمونه در آید .

از پیام نوروزی شاهنشاه - اول
 فروردین ۱۳۴۰

از نظر شخص خودم باید بی پرده بگویم که انجام
 وظایف سنگین سلطنت برای من بجز رنج و کوشش دائم
 چیزی در بر نداشته و مستلزم هیچ گونه آسایش و تفریحی
 نیست ، و اگر هدفهای عالی و مقدس میهنی و ایمان به لزوم
 این رنج و تلاش در راه حفظ مصالح این مملکت و ملت
 نبود ، و اگر درجه علاقه و محبت شمارا نسبت به پادشاه
 خودتان که تا سرحد جان بازی میرسد نمیدانستم ،
 هیچ مشوق دیگری در این راه برای من وجود نداشت .
 تنها انگیزه من در تحمل این مسئولیت خطیر
 عشق به این مملکت و انجام وظیفه وجدانی خودم در برابر

شما مردم فداکار شرافتمند و میهن پرست است ، و با همین احساس من در این راه وظیفه وجدانی خویش را با اتکاء به بیست و دو سال تجربه و آشنائی با رموز کارها و آنچه در این مدت بحرانها و حوادث گوناگون به من آموخته است انجام می دهم و هر ناراحتی را در این مورد با طیب خاطر تحمل می کنم ، زیرا برای من یک هدف بیشتر وجود ندارد ، و آن رسانیدن ملت ایران به پایه یک اجتماع دموکراتیک متری و پیشرفته و سعادت مند در جامعه ملل جهان امروز است .

من همیشه ایمان داشته ام که در راه تلاش خویش برای نیل بدین هدف مقدس از عنایات کامله الهی برخوردار هستم ، و یقین دارم که در آینده نیز مانند گذشته تأییدات پروردگار که در گذشته من و ملت را بکرات باصورتی معجز آسا از خطرات و مهالک حتمی نجات بخشیده است همچنان شامل حال ملت عزیز من و من خواهد بود .

از نطق شاهنشاه بمناسبت سالروز
بیست و هشتم مرداد - ۲۸ مرداد ۱۳۴۱

از آن نظر که من پادشاه همه مردم ایران هستم طبعاً تمام افراد این کشور در نظرم یکسانند و علاقه و محبت من هر کسی را که نام ایرانی داشته باشد شامل می شود ، ولی به همین دلیل که من پادشاه همه هستم طبیعی است که باید حفظ منافع اکثریت را بر همه چیز

مقدم بشمارم ، و چون این اکثریت را طبقات کشاورز و کارگر و پیشه‌ور و نظایر آنها تشکیل می‌دهند طبعاً قلب و روح من بیشتر متوجه همین مردمی است که از لحاظ شرایط اجتماع و سطح زندگی پائین تری قرار دارند .

از نطق شاهنشاه بمناسبت سالروز
بیست‌وهشتم‌مرداد-۲۸مرداد ۱۳۴۱

در زندگی هدف من از اول روشن بوده است :
زندگانی من تا آخرین روزی که حیات دارم صرف و وقف این مملکت و مردم خواهد شد . کسی که از جان و مال خود صرف‌نظر کند طبعاً انتظار دارد از اقدامات خویش نتیجه بگیرد . هدف و آمال من نتیجه‌ای که می‌خواهم بگیرم رسانیدن این مردم و مملکت به بالاترین پایه‌ای است که برای ملت ما امکان دارد .

من همیشه معتقد بوده‌ام که انسان تا جائیکه بتواند باید منشاء اثر واقع شود . بعضی‌ها در قبال جامعه مسئولیت بیشتری دارند ، و آن اشخاص به همان نسبت باید بیشتر تلاش و کوشش کنند و حتی در موقع خود فداکاری نمایند .

از سخنان شاهنشاه در سلام
چهارم آبان - ۴ آبان ۱۳۴۰

... شاید باین توضیح برای شما روشن شده باشد

که من که این میراث عظیم تاریخی را در دست خود دارم چه مسئولیت خطیری در برابر تاریخ گذشته و آینده کشورم احساس میکنم. من نه فقط میخواهم این ودیعه گرانبها و مقدسی را که به من سپرده شده است برای آینده حفظ کنم ، بلکه سعی میکنم که اضافه بر ادامه دادن این سنت تاریخی منشاء تحولات لازمه عصر و زمان خودمان نیز در کشور خویش باشم ، و ایران پر افتخار دیروز را بصورت ایران متمدن و سعادتمند فردا درآورم .

از سخنان شاهنشاه در باشگاه
ملی مطبوعات اسرکا - ۲۵
فروردین ۱۳۴۱

از تخت سلطنت بالاتر چیزی نیست ، ولی نه تخت
تفرعن و تبختر ، بلکه تختی که جایگاه آن قلوب ملت باشد .

از سخنان شاهنشاه در اجتماع
مردم تبریز - ۱۹ بهر ۱۳۴۱

من عادت به این ندارم که از زیر بار مسئولیت
شانه خالی کنم ، و پیوسته باید بخواسته های مردم خود
پاسخ بدهم . مادامی که آنها نیاز به رهبری دارند ،
همانطور که اکنون مشاهده میشود من این وظیفه رهبری
را بعهده خواهم گرفت ؛ در غیر اینصورت چه انگیزه ای

ممکن است مرا وادار به تحمل اینهمه درد سر و نا راحتی ها
بکنند ؟ مسلماً انگیزه شخصی در این میان وجود ندارد .

از مصاحبه شاهنشاه با نماینده
خبرگزاری امریکا
آسوشیتدپرس - ۱۵ بهمن ۱۳۴۱

گاهی وقتی انسان حس کند که تنها شخصی است
که می تواند کاری را انجام دهد ، هرگاه از انجام آن قصور
ورزد بمنزله خیانت است . بدبختانه یا خوشبختانه من تنها
کسی هستم که می توانستم این کارها را انجام دهم و انجام
دادم .

من نمی توانم از زیر بار این مسئولیت شانه خالی
کنم ؛ هرگاه شخص طفره نرود و تزلزل بخرج ندهد انجام
کار مشکل نیست ، بخصوص در این مملکت که مردمانش
اشتیاق و احتیاجی اینقدر شدید دارند که بصورت ملتی
عظیم درآیند . ما در گذشته طی قرون متمادی از کشورهای
برجسته جهان بوده ایم ، ولی اکنون دیگر در فقر و تنوحت
و تسخیر زمینهای دیگر نیستیم . ما نقشه های امپریالیستی
نداریم و آن دوران دیگر گذشته و تمام شده است . اکنون
تنها هدف من این است که کشور خود را بصورت یکی از
پیشرفته ترین و خوشبخت ترین اجتماعات جهان در آورم .

از مصاحبه شاهنشاه با نماینده
خبرگزاری انگلیسی رویتر -
۱۲ آبان ۱۳۴۲

اگر در مدت سلطنتم چندین مرتبه مواجه با خطراتی شدم که هر یک از آنها مسلماً میتوانست باستقلال این کشور خاتمه دهد و با تفضل خداوند معجزه آسا از راه تدابیری که بکار بسته شد بر هر یک از آن خطرها فائق آمدم ، هیچیک از این مجاهدتها که شده بمنظور حفظ منافع شخصی و ادامه سلطنت شخص خودم نبوده است . بخصوص در ششم بهمن اگر ما انقلاب سفید ایران را پی ریزی و شروع کردیم این اقدام بزرگ برای ادامه سلطنت نبود ، زیرا سلطنت بخواست خداوند خود بخود ادامه پیدا میکرد .

از سخنان شاهنشاه در شرقیابی
اصناف تهران - ۲۵ آبان ۱۳۴۳

من تشنه قدرت نیستم که تنها بخاطر آن زندگی کنم . من روزی شانزده ساعت کار میکنم و هدفم اندوختن ثروت نیست ، زیرا لااقل نود درصد از ثروت خود را تا کنون برای اصلاحات مملکتی واگذار کرده ام . علت پیشرفتهای اخیر ما نیز این است که من تنها به شخص خودم فکر نمیکنم . هرگاه شما باین مرحله از تفکر برسید و تنها منافع و مصالح کشورتان را در نظر بگیرید و بمنافع شخص خودتان فکر نکنید ، آنوقت است که پیروز میشوید .

از مصاحبه شاهنشاه با نماینده
مخصوص روزنامه « سندی
اکسپرس » لندن - ۱۶ اسفند
۱۳۴۳

خداوند سرنوشت هر کس را معلوم کرده است ،
و من فکر میکنم مشیت الهی برای من تکالیف و مأموریتی
را معین کرده است که باید بدست من در راه تأمین سعادت
ملت من اجراء گردد ، و هیچ عاملی نمیتواند این مشیت را
متوقف سازد .

انسان از چه چیز باید بترسد ؟ اگر زندگی فقط
عبارت از خوردن و خوابیدن و وقت گذراندن و تکرار دائم
روزها و شبها بر همین اساس باشد ، چنین زندگی اصولاً
چه فایده‌ای دارد که از دست رفتن آن مایه نگرانی باشد ؟
به‌خصوص که بهر حال پایان آن مرگ است . زندگی فقط
وقتی ارزش واقعی دارد که توأم با هدفی بزرگ و انسانی
و کوشش برای نیل بدین هدف باشد ، و وقتی که چنین
هدفی در کار بود استقبال هر خطری آسان است .

لذت زندگی برای من خوردن و خوابیدن و تفریح
نیست ، زیرا اگر چنین بود مسلماً این منظور در محیط
بی مسئولیتی بهتر فراهم بود و مضافاً خطرات احتمالی نیز
در کار نبود . ولی من در زندگی خودم دنبال هدفی هستم
و آن انجام کارهاییست که بدان قلباً ایمان و اعتقاد دارم .
این کاری است که بخاطر تأمین سعادت ملت ایران صورت
میگیرد .

از سخنان شاهنشاه در سلام عید
عید غدیر - ۲ اردیبهشت ۱۳۴۴

تنها هدف زندگی من ارتقاء روز افزون کشور

و ملت ایران است ، و آرزوئی بجز این ندارم که استقلال و حاکمیت این مملکت را حفظ کنم و ملت ایران را پیاپی مترقی ترین و سعادتمندترین جوامع جهان برسانم و عظمت دیرینه این سرزمین و افتخارات تاریخی آن را تجدید کنم ، و در این راه در آینده نیز مانند گذشته حتی از بذل جان دریغ نخواهم داشت .

برای من این احساس مایه خوشوقتی و مباهات است که امروزه من و ملت من با پیوند قلبی ناگسستنی بیکدیگر پیوسته ایم ، و دست در دست هم در راهی که متضمن عظمت و ترقی و سعادت ایران است پیش میرویم .

از نطق شاهنشاه هنگام
تاجگذاری - ۴ آبان ۱۳۴۶

من این درس را بخوبی فرا گرفته‌ام که باید بمقام خود و وظیفه سلطنت با بیطرفی محض بنگرم ، و اگر تاکنون احساس کرده بودم که سلطنت ایران از نظر طول دوران از انتفاع افتاده است با خرسندی از آن مقام استعفا میدادم و حتی خودم نیز برای برانداختن آن مساعدت میکردم . ولی وقتی منطق مانند روشنائی بامدادی حاکم میشود میبینیم این دستگاه شاهنشاهی بکشور ایران خوب خدمت کرده است ، و همانطور که در دوران عظمت نخستین برای مردم این کشور سودمند بوده است امروز یعنی در عصر اتم نیز این فایده و ثمر بخشی باقی و پای برجاست .

از کتاب ماسوریت برای وطنم

از اوان کودکی دانسته‌ام که دست تقدیر مرا
بسر پرستی یک کشور باستانی و دارای تمدنی بزرگ که
مورد ستایش من است خواهد گماشت و باید در بهبود وضع
مردم کشور مخصوصاً طبقه معمولی آن کوشش کنم .
احساس میکنم که ایمان واقعی من بخداوند مرا در انجام
این منظور مقدس کمک خواهد نمود ، و آنقدر خود بین
نیستم که تصور کنم هر پیشرفتی که در این راه نصیب
من گردد جز بیاری خداوند یگانه میسر تواند بود .

از کتاب مأموریت برای وطن

آن عامل نیرومندی که مرا در مقام سلطنت از
تنهایی نجات میبخشد اتکاء بمدد پروردگار است که
معتقدم مرا در هر کاری یاری و دستگیری میفرماید . این
ایمان و اعتقاد هرگز مرا مغرور و خود بین نساخته و
برعکس در من این اطمینان خاطر را بوجود آورده است که
در این جهان کوشش و تلاش مصدر خدمت و وظیفه‌ای
هستم . از همین جهت گذشته از انجام فرائض روزانه
مذهبی گاه گاه از درگاه ایزد چاره ساز درخواست کمک
و یاری میکنم . من دعوی ندارم که با عالم علوی ارتباط
غیرعادی دارم ، ولی بطور ساده و بی هیچ گونه گزافه‌ای میگویم
که دعا‌های بیرای من هیچوقت بدون اجابت نبوده است .

از کتاب مأموریت برای وطن

بر من مسلم است که سرنوشت من در دست
قدرت بالغه‌ای است و من باجرای آنچه تقدیر ازلی برای

من مقرر ساخته است مأمورم. ولی این حقیقت نیز مسلم است که برای اجرای این مأموریت باید از خیال و تصور در گذشت و بعمل و اقدام پرداخت.

از کتاب مأموریت برای وطنم

هیچکس در چنین مقامی که من هستم نمیتواند از وسوسه هائی که قدرت بوجود میآورد برکنار باشد، ولی خوشبختانه سائق من در حیات چیز دیگریست و برای من فلسفه وجود معنی و مفهومی دیگر دارد.

از کتاب مأموریت برای وطنم

داشتن قدرت برای آدمی محک آزمایش است. بعضی از آنها که قدرت بدست میآورند بمسئولیت اخلاقی که برای صاحب قدرت ایجاد میشود پی میبرند و بزرگتر و عالیقدرتر میشوند. برخی دیگر بعکس در نتیجه همین کسب قدرت حقیر تر و کوچکتر میگردند.

از کتاب مأموریت برای وطنم

وظیفه من این است که این میراث گرانبها و کهنسالی را، که استقلال و حاکمیت و شرافت ملی ایرانی نام دارد، و تاریخ آنرا بصورت ودیعه مقدسی بدست من سپرده است، کاملتر و غنی تر از آنچه تحویل گرفته ام بدست نسلهای آینده بسپارم.

از کتاب انقلاب سفید

فرہنگ و معنویت

فرهنگ ما یکی از فرهنگهای باستانی جهان است .
ما معتقدیم اصل و منشاء عالی و اصل و گوهری که تمدن
را بوجود آورده مفهوم حیاتی و بسیار مهمی دارد ، زیرا
دردنیای پرآشوب کنونی که براساس احترام ارزش و منزلت
مقام بشری و اصول و معتقدات عالی اخلاقی استوار است
سنن باستانی ، ما را حیات ونیرومیبخشد و سرچشمه الهامات
میشود . اصول و مبانی عالی در آنموقع که مسیر ما از هر
طرف با هرج و مرج و آشوب و بی نظمی احاطه شده تکیه گاه
استواری برای ما خواهد بود .

از سخنان شاهنشاه بمناسبت
دریافت دکترای افتخاری از
دانشگاه میشیگان - ۵ آذر ۱۳۲۸

جامعه‌ای که باید آرزوی وجود آنرا داشته باشیم

یک جامعه اخلاقی است که مجهز بقانون جدید و تمدنی که برای امروز لازم است باشد. وقتی جامعه‌ای دارای صفات اخلاقی راستگویی و پرهیزکاری و عدالت و مساوات بود و از طرف دیگر بعلم و دانش هم مجهز شد چنین جامعه‌ای خوشبخت و سعادتمند خواهد بود.

از سخنان شاهنشاه در سلام عید
غدیر - ۴ مرداد ۱۳۳۵

امروزه مردم با وجود وسائل مادی بزرگی که در اختیار دارند از آرامش روحی چنانکه لازمه تمدن عالی است برخوردار نیستند، و این یکی از نارسائیهای تمدن ما است که پتنهائی قادر نیست از لحاظ روحی و اخلاقی ما را بدانگونه مجهز سازد که از علم و دانش در راه سعادت خود استفاده کنیم. در چنین موقعی که این تمدن چند هزار ساله مورد تهدید جهل و نادانی است، انسان بیشتر از هر چیز بر اهنمایانی احتیاج دارد که بتوانند بشر را از زوال و بدبختی نجات دهند و بفضائل اخلاقی بیاورند.

از پیام شاهنشاه به کنفرانس
هزار و چهارصد و پنجاه سال میلاد
حضرت علی علیه السلام در
کراچی - ۱۸ بهمن ۱۳۳۵

آرزومند فرا رسیدن آنروزی هستم که فروغ معنویت
بر سراسر جهان پرتو افکن شود و تاریکی اختلافات

و خودخواهیها و اغراض ناچیز را از میان بردارد و نیروهای را
که متأسفانه امروزه در راه تخریب و جدائی بکار میروند
برای نزدیکی و پیوستگی مردم جهان و ایجاد دنیائی بکار
اندازد که فرزندانمان بتوانند در آن فارغ از ترس و کینه
و فقر و جیل از زندگانی سعادت آمیزی که غایت آرزو
و هدف کمال و دانش و فرهنگ است برخوردار گردند.

از نطق شاهنشاه بمناسبت دریافت
گواهینامه دکترای افتخاری از
دانشگاه بیروت - ۲۸ آذر ۱۳۳۶

اصل عالمی برادری جهانی که کتاب مقدس آسمانی
ما بزرگترین مبشر آن است از قرنهای پیش اساس حکمت
و فلسفه و عرفان ایران بوده و گنجینه گرانبهای ادب فارسی
نیز آکنده از شواهد بیشمار در ترویج و تبلیغ این نظریه
بزرگ و عرفانی و معنوی است. در روزگاری که قسمت اعظم
جهان غرق در تیرگیها و اختلافات و کینه نظریهها و قتل
و غارتها و وحشیانه بود، عرفا و حکمای بزرگ ایران
شعلدار اصل پیوستگی و وحدت نوع بشر بودند و با حق
پرستی و فداکاریهای خود کشور ما را همواره یک نابون
پرقروغ معنویت نگاه داشتند، و ملبعاً ما که وارث این سنت
پرافتخار بشر دوستی و نوع پرستی هستیم بیشتر از هر کس
با اصل برادری و برابری بشر آشنائی داریم.

از پیام شاهنشاه بمناسبت آغاز
هفته سازمان برادری جهانی
در ایران - ۲۷ بهمن ۱۳۳۶

کشور ما با سابقه درخشان مدنی و فرهنگی خود
و با مقام شامخی که پیوسته در عالم فکر و اخلاق داشته
و از این حیث همیشه یک کانون فروزان معنویت بوده است
امروز در نشر و توسعه اصول عالیه اخلاق مسئولیت سنگینتر
و خطیر تری را نسبت بدیگران بعهدہ دارد .

از پیام شاهنشاه بشورای ایرانی
انجمن برادری جهانی - ۱۳ آبان

۱۳۳۷

در دوران کنونی که قدرت دانشی وسائل تخریبی
سوحشی را در اختیار انسان نهاده است ، تنها راهی که
برای نجات بشریت از نابودی وجود دارد همکاری صمیمانه
سردم جهان و رعایت حقوق انسانی و پای بندی دول
بزرگ باصل تساوی ملل بزرگ و کوچک و عدم تجاوز
به آزادی و معتقدات دیگران است . فقط در پرتو این اصول
عالی اخلاقی و معنوی است که نوع بشر خواهد توانست
راه خویش را بسوی آینده ای امید بخش و درخشان دنبال
کند .

از پیام شاهنشاه بمناسبت سالروز
حقوق بشر - ۱۹ آذر ۱۳۳۷

کافی نیست که بگوئیم سرزهای امپراتوری ما از
کجا تا کجا بوده است و ما چه قدرتی داشته ایم ، بلکه
باید ببینیم ریشه این قدرت و عظمت در کجا بوده و چطور

نیروی فعالیت و ایمان و بی‌غرضی و شهامت بنائی چنین استوار
پدید آورده که بیش از بیست و پنج قرن دوام کرده است .
یقین دارم این فضائل و محاسن هنوز هم در نهاد
ملت ما نهفته است و فقط میباید چنانکه لازم است بمعرض
بروز در آید .

از سخنان شاهنشاه در شرفیابی
اعضای شورای مرکزی جشن
دوهزار و پانصدین سال بنیاد
شاهنشاهی ایران - ۹ بهمن
۱۳۳۸

ما از زمانی که در جاده تمدن گام نهاده‌ایم راه
همکاری فکری و معنوی با ملت‌های دیگر را دنبال کرده
و بر این عقیده بوده‌ایم که فرهنگ و تمدن ما و ملت‌های
دیگر میراثی است که به همه ملت‌ها تعلق دارد ، و امروز
هم با همان ایدان و اعتقاد به این سنت چند هزار ساله
در جستجوی همکاری صمیمانه با همه ملت‌ها برای رسیدن
به آرمانهای مشترک انسانی هستیم .

از سخنان شاهنشاه در شهرداری
پاریس - ۲۱ مهر ۱۳۴۰

باید بمردم بفهمانیم که چرا در گذشته و در
دوران شاهنشاهی بزرگ ایران ما توانستیم چنان قدرت
و مقامی برای کشور خویش تحصیل کنیم . البته منظور من

در این جا توجه به جنبه کشورگشائی و لشگرکشی نیست ، زیرا که هر چند ممکن است عظمت ظاهری باین قبیل زور آزمائیها و پیروزیها مربوط باشد ، ولی چنین مظاهر قدرت هم زود از میان میروند و هم دامنه آن ها محدود است و ما نیز امروزه نظری بخاک دیگران نداریم . آنچه واقعاً درین میان اهمیت دارد آن عوامل روحی و معنوی است که عظمت و جلال حقیقی شاهنشاهی ایران را پدید آورد ، یعنی روح فضیلت و ایمان مردم باصول و مبانی استوار پرهیزکاری و راستگوئی و سایر اصول اخلاقی که این شاهنشاهی حاصل آن بود .

از بیانات شاهنشاه در سلام
نوروزی - اول فروردین ۱۳۴۱

تاریخ چند هزارساله کشور من که روزی بزرگترین امپراتوری جهان را تشکیل میداد بخلاف بسیاری از موارد مشابه تاریخ یک سلسله کشورگشائیها و قتل و غارتها و زورگوئیها نیست ، بلکه تاریخی است که بیش از هر چیز بر پایه عدالت و آزادگی استوار است .

در طول قرون متمادی بارها این کشور دستخوش حملات و مهاجمانی شده که هر یک از آنها برای نابود کردن مملکتی کافی بوده است ، ولی هر بار مهاجمین در مدنیت و فرهنگ درخشان ایران حل و مستهلک شده‌اند ، و بدین ترتیب چراغی که هزاران سال پیش در این سرزمین

افروخته شده از خلال ظلمتها و طوفانها همچنان فروزان
و تابناك بدست ماكه وارث اين ميراث عظيم مدنيت
هستيم رسیده است .

ازنطق شاهنشاه در كنگره امريكا-
۲۲ فروردین ۱۳۴۱

وجه استیاز همیشگی هنر و فرهنگ ایرانی این بوده
است که دلها را از راه دور بایکدیگر نزدیک کند ، زیرا این
فرهنگ و هنر همواره جنبه ای جهانی داشته و در خدمت همه
جامعه بشری بکار رفته است . این فرهنگی است که از آغاز
وظیفه اصلی خود را در آمیختن اندیشه ها و فلسفه ها و هنرهای
متفاوت جهان با یکدیگر و ایجاد یک اندیشه و فلسفه و هنر
مشترک از آنها قرار داده است . بهمین جهت است که هنر
و عام و ادب و سایر مظاهر فکر و معنی هیچوقت در ایران
محدود به چهار دیوار این مملکت نشده بلکه پیوسته
در خدمت تمام بشریت بکار رفته است .

از سخنان شاهنشاه هنگام گشایش
نمایشگاه « هفت هزار سال هنر
ایران » در واشنگتن - ۱۶ خرداد
۱۳۴۳

شاید هنوز ما نتوانیم از لحاظ علمی و صنعتی
و نظایر آن ارمغانی بدنیابدهیم ، ولی مسلماً میتوانیم از لحاظ
امور روحی و معنوی و موازین انسانی و اخلاقی که میراث

عظیم تمدن و فرهنگ گذشته ما بما امکان آنرا میدهد نقش
مؤثری در جامعه بشری داشته باشیم.

از سخنان شاهنشاه در سلام چهارم
آبان - ۴ آبان ۱۳۴۳

در ایران امروز که دوران سازندگی مادی و معنوی
وسعی بر اساس میراث عظیم تمدن و فرهنگ کهن ایرانی
آغاز شده است ، توجه بمفاخر گذشته مخصوصاً ارزش های
واقعی فکر و ادب و دانش و هنر این سر زمین روز بروز
اهمیت بیشتری پیدا میکند ، زیرا ملت ایران بخوبی وظیفه
و مسئولیت خود را در حفظ و ادامه این میراث عالی و انسانی
و فرهنگی و مدنی احساس کرده است .

از پیام شاهنشاه بمناسبت برگزاری
چشم هزار و صد و پنجاهمین سال تولد محمد
زکریای رازی - ۶ دی ۱۳۴۳

فرهنگ کهن ایرانی که بصورت گرانبها ترین
میراث تاریخی و ملی بدست ما رسیده است سایه سربلندی
و افتخار ما است ؛ ولی ما این میراث معنوی خود را یک
میراث انحصاری ملی نمیدانیم ، بلکه آنرا قسمتی از میراث
عظیم تمدن و فرهنگ بشری می شناسیم که هر یک از ملل
قدیم و جدید جهان در تکمیل آن سهم خاص خود را
داشته اند و دارند .

ما افتخار داریم که فرهنگ ما از روز اول فرهنگی بشری و جهانی بوده و همواره کوشیده است تا در خدمت جامعه بشریت بکار رود. در این راه ما همانقدر که بتمدن یونان و روم و سایر تمدنهای بزرگ شرق و غرب هدیه داده‌ایم بهمان اندازه نیز بدانها مدیونیم. این مبادله‌ای است که ما بدان افتخار داریم، زیرا از همین مبادلات ارزش‌های فرهنگی و مدنی است که تمدن عظیم اسروزی جهان زائیده شده است.

از پیام شاهنشاه به کنگره
بین‌المللی «مطالعه درباره تأثیر
تمدن ایران در تمدن یونان
و روم»، دوشهرم-۲۲ فروردین
۱۳۴۴

در بسیاری موارد کوشش شده و میشود که از عامل مهم و مؤثر فرهنگ بعنوان یک وسیله اعمال نظرهای سیاسی و مرامی استفاده شود، ولی چنین فرهنگی اصالت ندارد و بهمین جهت دوام آن نیز طولانی نمیتواند بود. آنچه مایه خوشوقتی است این است که با رشد روز افزون فکر و دانش بشر امکان این نوع سوء استفاده از قدرت و نفوذ عمیق عظیم فرهنگ روز بروز کمتر میشود، و در عوض روز بروز بیشتر پایه یک تمدن جهانی و یک فرهنگ جهانی متکی بر یک حقیقت جهانی که همه افراد بشر با حقوق و شخصیت عالی انسانی خود نماینده آنند ریخته میشود.

فرهنگ‌های ما و شما و هیچ فرهنگ دیگری
 در جهان از یکدیگر جدا نیستند. اگر در میان اختلافها
 و جدائیهای کنونی جهان که بسیاری از آنها میراث گذاشته‌اند
 و بهر حال وجود همه آنها مایه تأسف ماست عاملی وجود
 داشته باشد که بجای تشتت و پراکندگی مظهر اتحاد
 و پیوستگی باشد، آن عامل مسلماً تفاهم فرهنگی میان
 کلیه ملل و اقوام جهان و شناخت متقابل ارزشهای معنوی
 یکدیگر است، زیرا فرهنگ به مفهوم واقعی آن چیزی است
 که باید یا بصورت جهانی وجود داشته باشد و یا اصلاً
 وجود نداشته باشد.

از نطق شاهنشاه بمناسبت دریافت
 دکترای افتخاری دانشگاه برزیل،
 در ریودو ژانیرو - ۱۷ اردیبهشت
 ۱۳۴۴

ما در سر زمین خود بدست نسل‌های بیشمار فرهنگی
 کهن خلق کرده ایم و شما در کشور و قاره خود فرهنگی
 نو بوجود آورده‌اید.
 آنچه امروز اهمیت دارد این است که ملل ما و شما
 و اصولاً همه ملل شرق و غرب و شمال و جنوب طرز فکر
 و فلسفه زندگی و ارزشهای معنوی و مادی خود را
 با یکدیگر درآمیزند و از بهترین اجزای آنها دنیای آینده را
 پی ریزی کنند.

از نطق شاهنشاه در کنگره ملی
 آرژانتین - ۲۱ اردیبهشت ۱۳۴۴

خداوند بزرگ همه ما را هدایت فرماید که از آن نیروی بی پایانی که امروزه با دست دانش و با اعجاز اندیشه بشری در اختیار ما نهاده شده است، نه مانند کودکانی که با آتش بازی میکنند، بلکه مانند انسانهای رشد کرده و عاقلی که به مسئولیت خویش در مقابل خداوند و در برابر نسلهای آینده بشری وقوف کامل دارند استفاده کنیم، و این شمشیر دو دم را بجای آنکه وسیله نابودی خود و هموعان خویش قرار دهیم بعنوان سلاح برندهای فقط در راه مبارزه با دشمنان واقعی بشریت یعنی جهل و قزوی بیماری و بیعدالتی های قضائی و اجتماعی بکار ببریم.

از پیام شاهنشاه به کنفرانس
صلح جهانی از راه قانون، در آتن
۶ - مهر ۱۳۴۴

فرهنگ ایرانی در تمام جلوه های علم و ادب و فلسفه و حکمت و هنر خود پیوسته بر اساس محبت و تفاهم و دوستی مبتکی بوده و همواره دیدی جهانی و بشری داشته است. این فرهنگ انسانی چنان ریشه دار و عمیق بوده که هیچیک از حوادث سهمگین تاریخ حتی آنها که موقتاً اساس حاکمیت و استقلال سیاسی ما را متزلزل کردند نتوانستند این ملت را از انجام مأموریت معنوی بزرگی که در تمام تاریخ بر عهده داشته است باز دارند.

از پیام شاهنشاه بمناسبت سالروز
صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر -
۱۹ دی ۱۳۴۴

آنچه مایه اصلی ادبیات و حکمت ایران است
محبت و پیوستگی است ، و آنچه اساس تاریخ کهنسال
ماست نیز همین توجه عمیق باصول معنویت و اخلاق
است .

ما نه از آن جهت طرفدار تاریخ فرهنگ و تمدن
خود هستیم که سابقه پیروزیها و استیلاهای نظامی نداشته
باشیم ، زیرا تاریخ ما آکنده از این نوع پیروزیهاست .
ولی ما افتخار اصلی خویش را آن پیروزیهایی میدانیم که
در طول تاریخ در راه توسعه و تکامل تمدن و فرهنگ
بشری و در راه ترویج علم و هنر و ادب و معنی بدست
آورده ایم . پراچترین سپاهیان ما طی هزاران سال آن
سردان و زنانی بوده اند که در تمام تاریخ کهنسال ایران
مشعل دانش و فرهنگ را در برابر تند بادهای حوادث
فروزان نگاه داشتند و آن را درخشانتر و فروزنده ترینسلهای
دیگر سپردند .

برای ما پیروزی واقعی در احساس همین حقیقت
تجفته است ، زیرا هر استیلای جغرافیائی و نظامی خواه
نا خواه با دوران بازگشت و انحطاطی همراه است ، ولی
این ارزشهای معنوی هیچوقت و با هیچ نیروئی از میان
نمیرود .

ما خوب میدانیم که بیش از آنچه بدیگران
داده ایم از دیگران گرفته ایم . ولی شاید در بازار جهان

این تنها کالائی باشد که دهنده آن نه تنها چیزی از دست
نمیدهد ، بلکه چیز زیادتری نیز بدست میآورد .

از نطق شاهنشاه هنگام گشایش
کنگره جهانی ایران شناسان -

۹ شهریور ۱۳۴۵

یک دانشگاه در نظر من مکان مقدسی است که
آینده جامعه بشریت در آن پی ریزی میشود . ذیر زمانی
سر نوشت بشر را عوامل متعدد دیگری بجز علم و دانش
تعیین میکرد . بسیار جنگها و ویرانیها ، بسیار کشتارها
و تخریبها اتفاق میافتاد که اساس آنها تعصب و خود
خواهی و بی خبری یعنی تمام آن چیزهایی بود که از
جهل و نادانی سرچشمه میگرفت . در طول تاریخ ، بشریت
صدها میلیون نفر از بهترین فرزندان خود را در آستانه معبد
جهل و نادانی قربانی کرد . چرا ؟ زیرا فروغ دانش در توالی
قرون جز بتدریج و با دشواری نمیتوانست در تاریکی جهالت
و گمراهی رخنه کند .

از نطق شاهنشاه بمناسبت دریافت
دکترای افتخاری دانشگاه صوفیه -

۱۱ شهریور ۱۳۴۵

باید از ترکیب تمدن مادی و پیشرفته عصر جدید
با اصول و مبانی جاودانی معنویت آن مدنیت و فرهنگی

بوجود آید که جامعه آینده بشری را بسوی کمال رهبری کند.

ما میدانیم که دنیای امروز و بیش از آن جامعه فردای بشر میباید در پرتو پیشرفت خارق العاده علم و صنعت و تکنیک هر روز رفاه و آسایش مادی بیشتری را برای افراد بشری فراهم سازد و هر روز سطح زندگی بالاتری را برای جامعه انسانی تأمین کند. ولی در عین حال بدین حقیقت نیز ایمان داریم که پیشرفت مادی بتنهایی برای تأمین سعادت واقعی جامعه بشری کافی نیست، زیرا روح انسان که عالیت‌ترین مظهر تجلی الهی است نیز باید باندازه جسم او سیراب شود، و این امر جز با توجه به معنویات امکان پذیر نیست.

از نطق شاهنشاه بمناسبت دریافت
دکترای افتخاری دانشگاه
پیشاور - ۱۶ اسفند ۱۳۴۵

از دوران امپراتوری روم تا همین عصر ما لژیونهای بسیاری بخاطر پیروزیهای نظامی پدید آمده اند. بیائید این بار لژیونی بین المللی بوجود آوریم که هدفش پیروزی در پیکار با دشمنان واقعی بشر یعنی با فقر، با جهل، با گرسنگی و با بیعدالتی‌های اجتماعی باشد. بگذارید تاریخ آینده گواهی دهد که نیروی معنوی خدستگزاران بشر از قدرت هر سپاه و نیروی تخریبی هر اسلحه‌ای قویتر

و پایدار تر است. بگذارید در دنیای مادی ما آنهاییکه
میخواهند خود را وقف خدمت به بشریت کنند بدور هم گرد
آیند و صدای معنویت را بگوش صد هاسیلیون نفر از برادران
و خواهران بی پناه و نومید خود در سر تا سر جهان برسانند.

از نطق شاهنشاه بنسابت
در یافت دکترای افتخاری
دانشگاه هاروارد - ۲۳ خرداد

۱۳۴۷

هر چند ایران در تمدنی قرون به سلحشوری
معروف بوده است ، ولی امتیازات ما در بسط و نفوذ تمدن
و فرهنگ از شهرت ما در سلحشوری بیشتر است ، زیرا از
لحاظ فرهنگ و تمدن ما ملل غالب را همواره مغلوب
ساخته ایم ، یعنی یا آنها را متمدن کرده و یا تحت تأثیر
تمدن خویش قرار داده ایم. بعبارت دیگر اگر هم گاهی
از لحاظ نظامی شکست خورده ایم ، از لحاظ تمدن و فرهنگ
همواره غلبه و پیروزی با ما بوده است.

از کتاب مأموریت برای وطنم

امروز سرعت تحولات در جهان بدرجه ای شدید
است که هر اجتماعی ممکن است در کمال سهولت محو
و مستحیل گردد. پیشرفت های شگفت آوری که در این
چند سال اخیر در ایران متجلی است بخاطر این است که ما

در عین آن که از تحولات و ترقیات استقبال میکنیم در حفظ
معنویاتی که ویژه تمدن کهنسال ماست ثابت و استواریم .
از کتاب مأسوریت برای وطنم

در کشوری مانند ایران که دارای آنهمه سوابق
تاریخی و سنن باستانی است ، سرعت در انجام تحولات
و تغییرات اساسی و اجتماعی طبعاً با بعضی دشواریها
و مضیقه ها همراه است ، و البته این زحمات و دشواریها
را باید تحمل کرد . اما من هرگز در نظر ندارم که در این
راه میراث گرانبها و پر ارزش باستانی خود را از کف بدهیم .
برعکس اعتماد و اطمینان دارم که بر ذخیره معرفت و تمدن
کهن سال خویش خواهیم افزود ، و حتم دارم که در اثر
پیشرفت های اقتصادی ما ، مذهب و فلسفه و هنر و ادبیات
و علوم و صنایع ظریفه ما نیز تجلیات بزرگتری خواهد یافت
و رفاه و نعمتی که مردم عادی و معمولی از آن بر خوردار
خواهند شد آنها را برای نمایش ذوق و هنر خویش مجهزتر
خواهد ساخت .

از کتاب مأسوریت برای وطنم

ملت ما هرگز به تبعیضات نژادی و یا مذهبی
با تفاوت بین رنگ پوست افراد اعتقاد نداشته و برعکس
همواره بمدار او و مآشات نسبت به نژادها و مذاهب مختلف

مشهور بوده و کشور خود را مایهٔ ستمدیدگانی که ملیت دیگر داشته‌اند قرار داده است.

از کتاب مأسوریت برای وطنم

نباید فراموش کرد که اوضاع و احوال کشور ما با کشورهای غربی بسیار متفاوت است. ما باید آنچه را از علوم و فنون اروپائی که نیازمندیهای ویژه سرزمین ما را مرتفع سازد اقتباس کنیم ولی در این کار بقریحه ابداعی خود نیز توسل جوئیم. بعبارت دیگر باید فنون و علوم باختری را با تمدن خود و تمدن خویش را با علوم و فنون فرهنگی هم‌آهنگ و سازگار کنیم و بدین کیفیت کاری بدیع و تازه انجام دهیم. روزی را می بینم که ملت ایران با سوابق مستند علمی خود در امتزاج و تلفیق تمدن شرق و غرب و مآثر کهن و نوین بتواند مقام رهبری را در جهان احراز کند.

از کتاب مأسوریت برای وطنم

اصول عالیه مذهبی و اخلاقی و فکری در طول هزاران سال وجه مشخص فرهنگ اصیل ایران بوده است. ما همواره ببعدالتی و دروغ و کینه و خودخواهی را آثار اهریمنی و نشان تاریکی و پلیدی دانسته و پیوسته روی بحانب عدالت و راستی و محبت و بشردوستی داشته‌ایم، و معتقدیم که جامعهٔ انسانی نیز جز در پرتو این اصول نمیتواند به رستگاری و پیشرفت واقعی برسد.

از کتاب انقلاب سفید

خطوط اصلی سیاست بین المللی ما بر پایه اصول
مشخص صلحجویی صمیمانه ، همزیستی و تفاهم با کلیه
کشورها و جوامع ، طرفداری از هرگونه کوششی برای
استقرار و تقویت عدالت اجتماعی چه در سطح ملی و چه در سطح
بین المللی ، پشتیبانی از هر تلاش جهانی برای تعدیل فاصله
بین جوامع غنی و فقیر ، همکاری بین المللی در مبارزه
با ییسوادی و گرسنگی و بیماری و سایر بلایای اجتماعی
عصر حاضر طراحی شده است ، و براساس همین خطوط اصلی
است که ما در هر مورد با قاطعیت و بدون تردید و تزلزل
میدانیم در مسائل مختلف بین المللی چه راهی را باید
در پیش گیریم و از چه اصول و موازینی باید دفاع کنیم .
از کتاب انقلاب سفید

ایمان

هر قدر در کشوری قوانین کامل و قضات وظیفه شناس باشند ، باز مادام که ملت پای بند اصول اخلاقی نباشد چنانکه باید بساط عدل و انصاف گسترده نخواهد شد .

من شخصاً یقین دارم که اگر هر فردی بتکالیف اسلامی عمل نماید و قواعد و احکام آنرا محترم شمارد ، هم خود از فوائد آن بهره مند میگردد و هم دیگران را متمتع میسازد ، حق کسی را پایمال نمیکند و دستگیری از ضعیف را شعار خود میداند .

از پیام شاهنشاه بمناسبت جشن
مشروطیت - ۱۴ مرداد ۱۳۲۱

باید روح ایمان و فداکاری را که اولین درس
مکتب اسلام است بفرد فرد مردم این مملکت که تشنه

بنیاد صلح و حسن تفاهم بین المللی و پیشرفت جامعه بشری
بسوی اصول عالی معنوی باشد .

از سخنان شاهنشاه در سلام عید
مبعث - ۱۲ دی ۱۳۴۰

ایمان و اعتقاد راسخ من باصول حقه اسلامی
همواره بزرگترین راهنمای من در خدمت بملت و ممالکت
بوده است .

همیشه گفته‌ام و باز هم تکرار میکنم که پیشرفت
واقعی هر کشور مستلزم توجه باصول معنوی است ، و هر قدر هم
که دنیا در زمینه مادیات ترقی کند بدون معنویت این
ترقی ارزشی ندارد .

از سخنان شاهنشاه در سلام عید
غدیر - ۲ خرداد ۱۳۴۱

اسلام مذهبی است ابدی ، و چیزی که ابدی
باشد مسلماً باید با طبیعت و با ترقی دنیا هماهنگ باشد
و این را ما در تمام احکام اسلام می‌بینیم . هر کسی که
غیر از این تعبیری بکند نفع شخصی خودش را می‌بیند .
این مذهب ابدی ما و این احکام مقدس همواره راهنمای
ما خواهد بود: راهنمای عدالت ، راهنمای مساوات ،
راهنمای پیشرفت و ترقی و کار .

از سخنان شاهنشاه هنگام اعطای
اسناد مالکیت کشاورزان قم
۴ بهمن ۱۳۴۱

یقین داریم هر قدر انقلاب بزرگ ما در راه هدف خود که رستگاری ملت است بیشتر رود در واقع ما بیشتر به دین مبین خود خدمت کرده ایم ، زیرا غیر ممکن است تصور شود که جامعه مرفهی جز برای این اصول بوجود آید . هر قدر افراد با سواد تر و فهمیده تر شوند اصول واقعی دین اسلام را بهتر و عمیقتر درك خواهند کرد ، و بالعکس یقین است که پیروی افراد بیسواد و جاهل از تعالیم دینی پیروی کورکورانه و سطحی بیش نیست .

از سخنان شاهنشاه در سلام عید
میث - ۱۱ آذر ۱۳۴۳

اصول انقلاب ششم بهمن ما بیش از هر چیز بر اساس احکام قرآن کریم بنا شده است . ما چه از لحاظ اعتقاد مذهبی ، چه از نظر احتیاج جامعه و چه بمنظور پیشرفت مملکت و اجتماع سعی میکنیم در ترویج و تقویت اصول واقعی دین اسلام بکوشیم . البته سعی ما این است و سعی همه نیز باید همین باشد که دین ما مطابق آنچه خداوند توسط حضرت رسول اکرم بما ابلاغ فرموده است دست نخورده باقی بماند و خدای نخواستہ وسیله تجارت و معامله بعضی افراد قرار نگیرد .

از سخنان شاهنشاه در سلام عید
غدیر - ۲ اردیبهشت ۱۳۴۴

ما سعی میکنیم در تمام افکار و اقداماتمان از تعالیم عالیه اسلامی الهام بگیریم ، و خوشبختانه برنامه های ما که براساس عدالت اجتماعی و ازبین بردن ظلم و امتیازات غیر عادلانه طبقاتی و تمام مظاهر عقب ماندگی روحی و جسمی و فکری و استقرار اصول مساوات و برادری و برابری متکی است در واقع همانا اجرای اصول و موازین عالیه دین مبین اسلام است . بدیهی است وقتیکه در جامعه ای برنامه های اجتماعی و روح فلسفه اداره کننده آن اجتماع و ملت با معتقدات مذهبی و دینی توأم باشد و با آنها تطبیق کند استحکام یک چنین جامعه ای خیلی بیشتر میشود . هر قدر دنیا به سمت ترقیات مادی بیشتر برود احتیاج جامعه به معنویات زیاد تر میشود و این درست همان وضعی است که در اجتماع ما ملاحظه میشود ، یعنی به همان نسبت که ما در زمینه مادیات و ترقیات صنعتی قرن بیستم جلو میرویم این پیشرفتها را با معنویات که همانا معتقدات واقعی مذهبی و دینی و اجرای روح و مفهوم تعالیم عالیه اسلامی است تطبیق میدهیم .

از سخنان شاهنشاه در سلام عید

مبحث - ۳۰ آبان ۱۳۴۴

در سایه اصول و مفاهیم اسلام روزگاری فروغ تمدن و فرهنگ اسلامی بر قسمت پهناوری از جهان پرتو افکن گشت ، و اگر امروز نیز روح واقعی این اصول و مفاهیم

راهنمای ما باشد یقیناً پیروی از آنها بار دیگر ملل مسلمان
جهان را بترقی کامل رهنمون خواهد شد.

از سخنان شاهنشاه در پذیرائی
رسمی از اعلیحضرت پادشاه
عربستان سعودی - ۱۷ آذر ۱۳۴۴

ما احکام اسلام را راهنمای عقیده و فکر و عمل
خود قرار داده ایم و خوشبختانه نتیجه و ثمره این رویه را
بخوبی مشاهده میکنیم. شک نیست که در آینده نیز همواره
راهنمای ما همین تعالیم خواهد بود، زیرا تردید نداریم
که بهترین جویگویی روحی و حتی مادی دنیای امروزه
همانا تعالیم عالیه اسلامی است.

از سخنان شاهنشاه در سلام عید
میث - ۲۰ آبان ۱۳۴۵

بعقیده من آدمی جز با ایمان و سعی و عمل نه حق
دارد منتظر رحمت و عون الهی باشد و نه لطف خداوندی
شامل کسانی میشود که دست روی دست نهاده منتظر فرج
آسمانی بنشینند. برای آدمی تنها کافی نیست که به مشیت
الهی و تقدیر یزدانی ایمان داشته باشد، بلکه باید در
دوران حیات خود در اجرای آنچه مقدر ازلی خواسته است
سهمی داشته و خدمتی انجام داده باشد.

از کتاب مأسوریت برای وطنم

هر قدر هم پیشرفت مادی درخشان باشد ،
اجتماعی که در آن ایمان مذهبی و اصول معنوی و آزادیهای
فردی و اجتماعی وجود نداشته باشد قابل دوام نیست ،
و تازه در آن لطف و جاذبه‌ای نمیتوان یافت . فکر میکنم
اصولا برخورددار نبودن از لذات معنوی و روحی خود ابتلاء
بزرگی است که برای کمتر جامعه‌ای قابل تحمل است .
از کتاب انقلاب سفید

د مټو کراسی

یک ملت آزاد در قبال سرافرازی و تنعم از نعمت آزادی تکالیف و وظایفی هم دارد که اگر ادا نکند اساس آزادیش مختل میشود ، و به تجربه رسیده که هر ملت آزادی که به مقتضیات آزادی عمل نکرده و به مصالح و منافع عمومی متوجه نشده و از آزادی سوء استفاده کرده و نفع عموم را فدای اغراض شخصی نموده است زود یادیر از آزادی حقیقی بی بهره شده و راه مذلت و بندگی سپرده است .

از پیام شاهنشاه بملت ایران -
۴ آبان ۱۳۲۰

آشنائی ما با اصول آزادی و دموکراسی که لازمه پیشرفت اجتماعی واقعی است ، تازه نیست . ما از بیست و پنج قرن پیش با این اصول آشنائی داشته ایم ، زیرا

شاهنشاهی ما که در عصر خود بزرگترین امپراتوری جهان بود، بر همین اساس آزاد منشی و احترام بمعقادات و حقوق افراد و ملل بنیاد نهاده شد. برای ما بشر دوستی و همکاری با دیگران در راه ترقی اجتماعی یک سنت ملی چند هزار ساله است، و اکنون نیز مایه افتخار ماست که به پیروی از سنن دیرینه ملی و بر اساس علاقه بحقوق خود و احترام به حقوق دیگران، در راهی مثبت یعنی راه ترقی مادی و معنوی با حفظ آزادیهای دموکراتیک پیش میرویم.

از نطق شاهنشاه در ضیافت
نخست وزیر سوئد، در استکهلم -
۲۰ اردیبهشت ۱۳۳۹

مشروطیت با بیکارگی و اتهام و افترا فرق دارد. مشروطیت مثل هر رژیم دیگری باید متتهای قانون و دیسپلین را داشته باشد و انضباطی که در رژیم مشروطیت هست از هر رژیم دیگری بیشتر است، برای اینکه این انضباط انضباط قانون است.

از بیانات شاهنشاه در شرفیایی
هیئت رئیسه مجلسین سنا و
شورای ملی - ۱۴ مرداد ۱۳۳۹

مفهوم حکومت مردم بر مردم عملاً همین است که مردم آنچه را بمصلحت خود تشخیص دهند با دست خود یا تحت نظارت خویش انجام بدهند. دولت فقط باید

سیاست عالیه مملکتی یعنی سیاست دفاع و حراست حدود و ثغور و تأمین تمامیت ارضی و سیاسی مملکت و حفظ امنیت داخلی و سیاست‌های عالیه فرهنگی و اقتصادی و بازرگانی و صنعتی و کشاورزی و راهمائی عالیه مردم را برای بهره برداری بیشتر از مملکت اداره کند.

از سخنان شاهنشاه در سلام نوروزی -
اول فروردین ۱۳۴۰

برای تأمین واقعی آن دموکراسی که ما در نظر داریم و عبارتست از حکومت مردم بر مردم ، بعقیده من پایه اصلی باید در دور افتاده ترین دهات مملکت کار گذاشته شود ، یعنی ترتیبی داده شود که در هر دهی مردم بتوانند کدخدای خود را انتخاب کنند و کدخدا با نظارت عمومی احتیاجات مردم را انجام دهد و مردم اگر از کدخدای خود ناراضی باشند بتوانند او را برکنار کنند و همینطور سلسله مراتب بدهات بزرگ و بشهر برسد و نمایندگان شهر هارا حقیقتاً مردم انتخاب کنند تا تمام کارها با نظر خودشان انجام بگیرد و هر نوع احتیاجی را که دارند با آنها در میان بگذارند و رفع آنها را از ایشان بخواهند.

از سخنان شاهنشاه در سلام
نوروزی - اول فروردین ۱۳۴۰

مشروطیت واقعی با مشروطیت ظاهری ، و آزادی

واقعی با تظاهر بآزادی طلبی فرق دارد. در تظاهر بآزادی خواهی میتوان مواعید و اصول فریبنده درخشانی را مطرح کرد و سراپها را بجای آب در نظرها جلوه گر ساخت، ولی دموکراسی حقیقی آنطور که در کشورهای واقعاً دموکرات جهان میتوان دید بیش از هر چیز متکی به انضباط و قیودی است که از هر انضباط دیگر سخت تر است، زیرا حفظ هر قانون و هر آزادی جز با رعایت و اجرای کامل اصول آن میسر نیست و دفاع از حقوق مشروع فردی و اجتماعی مستلزم آن است که بهمین حقوق در نزد دیگران نیز احترام گذاشته شود. معنی شروطیت دروغ و عوام فریبی و تزویر یا آن آزادی که بزبان آزادی دیگران تمام شود نیست. هر ملتی که بخواهد واقعاً از نعمت دموکراسی بر خوردار گردد میباید عملاً خود را شایسته حفظ اصول این دموکراسی نشان دهد، و گرنه تظاهر بمشروطه طلبی و آزادیخواهی بدون مسئولیت و بدون واقع بینی کار آسانی است، متتها جز زیان چیزی از آن عاید نمیکردد. باید همه افراد ملت ایران بدانند که آزادی عبارت از لگام گسیختگی و هرج و مرج نیست. آزادی فقط توأم با مسئولیت و احترام بآزادی همه امکان دارد.

از پیام شاهنشاه بمناسبت جشن
مشروطیت ایران - ۱۴ مرداد
۱۳۴۰

یک مملکت آزاد چه معنی دارد ؟ معنی مملکت

آزاد فقط این نیست که از مداخلات دیگران مصون باشد و به آنها اجازه مداخله ندهد. چه اهمیتی و چه ارزشی دارد اگر انسان از مداخلات خارجی آزاد باشد، ولی خودش برای خودش و در داخله مملکت خودش آزاد نباشد؟

از سخنان شاهنشاه در ساری،
هنگام اعطای اسناد مالکیت
روستائیان مازندران - ۱۵ دی
۱۳۴۱

در هر جامعه رشد کرده‌ای قوام و بقای اصول دموکراسی قبل از هر چیز مستلزم آن است که خود مردم نگاهبان و مدافع صمیمی این اصول باشند و در هر حال و هر موقعیتی منافع ملی و عمومی را ما فوق مصالح و تمایلات شخص خویش قرار دهند، زیرا منافع واقعی یک ملت فقط وقتی تأمین میشود که به اغراض خصوصی امکان اخلاف در تأمین منافع اجتماع داده نشود.

اصولی که در شصت سال پیش از این مشروطیت ایران بر اساس آنها بوجود آمد هر چند برای تأمین دموکراسی در کشور ما لازم بود، ولی کافی نبود، زیرا برای اینکه این دموکراسی بصورت کامل آن تأمین شود میبایست آزادیهای قانون اساسی با اجرای اصول عدالت اجتماعی تکمیل گردد و تبعیضها و بی عدالتیهای که در این مورد وجود داشت از میان برود.

مشروطیت واقعی وقتی تأمین میشود که عموم مردم کشور بتوانند از مواهب آن استفاده کنند ، نه اینکه فقط اقلیت محدودی امکان استفاده از آنرا داشته باشند .

از پیام شاهنشاه بمناسبت جشن
مشروطیت ایران - ۱۴ مرداد

۱۳۴۴

ما ایرانیان باید خواهان پیشرفت سریع در وصول به هدف دموکراسی باشیم ، ولی در عین حال نباید از نظر دور بداریم که وصول به دموکراسی سیاسی و اقتصادی و اجتماعی نیازمند گذشت زمان و تربیت و تعلیم عقلی و منطقی مردم و تطبیق خواسته های افراد است و این کار احتیاج به توجه به ارزش اخلاقی و حسن وفاداری افراد و اجتماعات دارد . از اینها مهمتر آنست که افراد کشور به همکاری و معاضدت با یکدیگر بیش از پیش معتقد و آشنا باشند .

از کتاب ماسوریت برای وطنم

امانت و درستی از شرایط مهم خدمتگزاران دموکراسی است ، و همه کس از آنها که وارد سیاست هستند تا کارمندان دولت باید بر نفس خویش غالب آمده بقریب دادن مردم یا گمراه ساختن آنها نپردازند . در یک چنین حکومتی باید از مراقبت و مواظبت دائم دریغ نورزید

و هر گونه غفلت سیاسی یا اداری یا دو روئی و مسامحه را بدون ترس مجازات کرد.

از کتاب مأموریت برای وطنم

دموکراسی را نمیتوان بهمان کیفیت که به خپال برقی را بکار میاندازند و هر وقت بخواهند آنرا روشن یا خاموش میکنند در جامعه مورد عمل قرار داد. برای آنکه این نحو حکومت بشکل مؤثری صورت اجرا پیدا کند بصیرت و هوشیاری بسیار لازم است.

از کتاب مأموریت برای وطنم

وقتی تمدن و هنر جدید را از روی کمال هوشیاری اقتباس و آنچه را برای ما ضرور است انتخاب کنیم به هدف نهائی خود که دموکراسی حقیقی و سعادت عمومی است نزدیکتر خواهیم شد. برای وصول باین هدف هر مرارتی را میتوان با مسرت خاطر تحمل نمود.

از کتاب مأموریت برای وطنم

مردم این کشور و هر کشور دیگر باید از هر گونه آزادی جز آزادی در خیانت بکشور برخوردار باشند.

بعقیده من همانقدر که باید در برابر سازمان های مخرب شدت عمل به خرج داد در مورد کسانی که نظر شخصی خویش را باستظهار آزادی ابراز میدارند سلایمت و نرمی ضرور است، و اطمینان دارم که در میان ملت هائی که از

نعمت آزادی برخوردارند اتخاذ چنین رویه در طول زمان به مصلحت عموم خواهد بود ، زیرا بدینوسیله نه تنها کشور از مفاسد منزه و مصفا خواهد شد بلکه موجب آن میشود که معایب و نواقصی نیز که نیازمند اصلاح است آشکار گردد .

از کتاب مأسوریت برای وطنم

یک دموکراسی سیاسی نمیتواند مفهومی داشته باشد مگر آنکه با دموکراسی اقتصادی تکمیل شود .

در این اقتصاد دموکراتیک هیچگونه عامل استثمار نباید دخالت داشته باشد ، خواه این استثمار بوسیله شخص یا بوسیله دولت و خواه توسط دسته‌ای که مدافع یک اقلیت یا یکی از طبقات اجتماع باشند انجام پذیرد .

از کتاب انقلاب سفید

در دنیای ما دیگر حقوق سیاسی بدون حقوق اجتماعی، عدالت قضائی بدون عدالت اجتماعی، دموکراسی سیاسی بدون دموکراسی اقتصادی ، مفهوم واقعی ندارد .

اجرای اصول عدالت واقعی ، یعنی عدالت قضائی توأم با عدالت اجتماعی و حقوق سیاسی همراه با حقوق اجتماعی و دموکراسی سیاسی توأم با دموکراسی اقتصادی، امروزه نه تنها وظیفه ملی دولتها و حکومتها است ، بلکه هدیه‌ای است که هر حکومتی میباید به جامعه بشری و به صلح جهانی بدهد .

از کتاب انقلاب سفید

عدالت اجتماعی

نفعی که از زیان بدیگری حاصل میشود حرام است . پرشدن شکمی که حاصل آن گرسنه ماندن سایرین باشد در حکم قتل نفس است . انباشتن کیسه معدودی که نتیجه اش تهی ساختن کیسه هزاران فرد دیگر باشد مخالف عقل و انصاف و صرف وحشیگری است . محکوم کردن بیگناه مظلوم بزرگترین عامل خرابی کشور است .

از پیام شاهنشاه به ملت ایران

بمناسبت جشن مشروطیت -

۱۴ مرداد ۱۳۲۱

ما در عصر و زمانی زندگی میکنیم که سیرتمدن دنیا در حیات اجتماعی نزدیکی بیشتری را بین افراد ایجاد مینماید ، یعنی باید راحت و سعادت در برابر زحمت و رنج عاید عده بیشتری شود و اصولی برقرار گردد که ثروتی

که از دسترنج مردم حاصل میشود بفراخور استحقاق همه
از آن بهره‌مند بشوند .

از پیام نوروزی شاهنشاه - اول
فروردین ۱۳۲۲

منابع ثروت باید بکار افتد و ثروت کشور بطریق
عادلانه تقسیم گردد و همه مردم از آن بهره‌مند گردند ،
نه اینکه ثروت در بین طبقاتی از مردم تمرکز داده شود .
اولین قدم برای اصلاح حال جامعه عدالت معنوی است ،
و در سایه این عدالت میتوان عدالت اجتماعی بوجود آورد
و قوانین مفید وضع کرد تا بوسیله اجرای آنها مردم بتوانند
در رفاه و آسایش بسر برند و راه تکامل را پیمایند .

از سخنان شاهنشاه در ضیافت
افطار وزارت دربار شاهنشاهی -
۲۵ شهریور ۱۳۲۳

از اموری که باید حتماً بآن متوجه باشیم اینست که
برای فرد فرد افراد این ملت حداقل پوشاک و خوراک و منزل
را تأمین نموده و بهداشت و فرهنگ را برای همه تعمیم
داده و در دسترس کلیه افراد بطور تساوی بگذاریم . این

پنج چیز از اصول حتمیه واولیه زندگانی یک ملت بوده
و خواهد بود.

از سخنان شاهنشاه در شرفیایی
نمایندگان مجلس شورای ملی
بمناسبت جشن مشروطیت - ۱۴
مرداد ۱۳۲۴

چگونه میتوان تحمل کرد که اکثریت زیادی
از ساکنین این کشور لباس و غذای کافی نداشته باشند
و عمری را با رنج و سختی بگذرانند ؟ اگر در مملکت
قوانینی برای رنجبران و ناتوانان وجود دارد باید کاملاً
بمورد اجرا درآید ، و اگر نیست یا ناقص است باید مقرراتی
راجع باصلاح امور اقتصادی و ایجاد کار و امنیت وضع
و بمورد اجرا گذاشته شود. رعایت احوال ضعیفا و مستمندان
و تهیه قانونی برای آنها و ایجاد حس یگانگی در میان
مردم که در پیشرفت این مقررات فداکاری نمایند از واجبات
است .

از پیام نوروزی شاهنشاه - اول
فروردین ۱۳۲۷

باید اصلاحات لازم بوسیله وضع قوانین اجتماعی
و شناختن حقوق همه افراد مملکت و دقت و نظارت کامل
در اجرای قوانین مفید که در بهبود حال مردم مؤثر باشد
شروع گردد ، و الا اگر بنا شود ما دست باستخراج منابع

ثروت خود بزنیم و کارهای مولد ثروت انجام بشود اما قوانین اجتماعی ما مقید بحال مردم نباشد باز نتیجه همان است که ثروت دردست یک عده تمرکز پیدا میکند، و این نتیجه اصلاحی نیست.

از سخنان شاهنشاه در شرفیابی
نمایندگان مجلس شورای ملی -

۱۰ شهریور ۱۳۲۷

من همیشه بشما توصیه کرده‌ام که بیشتر توجه خود را بخارج از مرکز و شهرستانهای بزرگ معطوف بدارید. اکنون هم همین توصیه را تکرار میکنم. سازمان باید بفکر مردمان دور افتاده قصبات و دهات باشد، زیرا برای شهرها بالاخره روزی اقداماتی انجام خواهد گرفت، ولی هیچکس بفکر مردم دور افتاده نیست. فریاد مردم واکسی نمیشنود و من میخواهم که سازمان بداد این قبیل اشخاص برسد.

از سخنان شاهنشاه در شرفیابی
هیئت مدیره سازمان شاهنشاهی
خدمات اجتماعی - ۲۸ مهر

۱۳۲۷

من با اینکه پادشاه هستم و باید نظر تساوی نسبت به عموم طبقات ملت داشته باشم، و البته این رعایت را خواهم داشت، مع هذا میخواهم نظر خود را بخصوص بطبقه سوم معطوف دارم و نسبت بطبقه اول

با حفظ رعایت کامل تساوی ولی بدون توجه بامتيازاتی ،
پدرانه خشونت داشته باشم تا با توفیق خداوند وضع توده
مردم این سامان بهبود یابد .

از سخنان شاهنشاه در سلام چهارم

آبان - ۴ آبان ۱۳۲۸

ما گذشته ای پرافتخار داریم که بآن مباحثات میکنیم ،
ولی این کافی نیست . بایستی کاری کنیم که جامعه
خود مخصوصاً طبقات محروم آنرا از زندگانی شایسته ای
برخوردار نمائیم . در ایران اقلیت کوچکی زندگانی باجملی
دارند ، درحالیکه اکثریت مردم از وسایل زندگانی محروم
هستند و مثل آنست که این عده محدود نمیخواهند بسایرین
مجال فعالیت بدهند . مبارزه حقیقی من علیه کسانی است
که مانع اصلاحات هستند ، تا در ایران وضعی بوجود آید
که تار بکاردان سپرده شود و افراد لایق بتوانند زمینه ای
برای فعالیت بدست آورند . من با سرمایه داری و ثروت
مخالف نیستم ، ولی با این که سرمایه در دست عده محدودی
بدون استفاده دیگران متمرکز گردد مخالفم ، و نمیخواهم
اقلیت معدودی بقیمت فقر و بدبختی اکثریت افراد ایران
متمکن و سرمایه دار شوند و در حقیقت سعادت آنها از راه
نابودی دیگران تأمین گردد .

از بیانات شاهنشاه در شرقیایی

ایرانیان مقیم امریکا - ۲۹ آبان

۱۳۲۸

شرط اصلی سعادت افراد جامعه دارا بودن عدالت اجتماعی است ، و بدون آن شخص هر قدر بی نیاز باشد باز سعادت مند نخواهد بود . عدالت اجتماعی وقتی تأمین میشود که افراد جامعه مثل افراد یک خانواده از خود خواهی و خود پرستی برکنار باشند و رفاه و آسایش دیگری را جزء لاینفک سعادت خود فرض نمایند و با فداکاری منافع جمعی را به منافع فردی ترجیح دهند .

از پیام توروژی شاهنشاه - اول
فروردین ۱۳۳۱

این حقیقت را بدون پرده پوشی میگویم که این مملکت بر خلاف گذشته تعلق بیک دسته مخصوص ندارد و ما میدان را برای همه طبقات باز گذاشته ایم .

ما همه چیز را برای همه میخواهیم و در اجرای عدالت اجتماعی همواره کوشش داریم .

از بیانات شاهنشاه در جلسه هیئت
دولت - ۲۲ شهریور ۱۳۳۸

ایران از لحاظ طبیعی و صنعتی و کشاورزی یکی از غنی ترین ممالک دنیا است . اما برای نسل فعلی تنها داشتن ثروت کافی نیست . ما جامعه ای میخواهیم که بر پایه شراقت و وجدان و عدالت اجتماعی و لیافت بنا شده

باشد . ما نمیخواهیم در مملکت ایران فقط عده‌ای ثروتمند
باشوند ، زیرا این ثروت خدادادی ایران برای همه است .

از بیانات شاهنشاه در شرفیابی
دانشجویان ایرانی در اتریش -
اول خرداد ۱۳۳۹

اساسی سیاست ما بر پایه گسترش ثروت طبیعی
در اسرع اوقات و در عین حال تقسیم عادلانه این ثروتها
بین عده زیادی از مردم کشور و در میان آنهاست که میخواهند
شرافتمندانه کار کنند استوار است . منابع ثروت طبیعی
ما عظیم است و برای تقسیم این ثروت باید به اقدامات
اجتماعی دست زد ، و من اطمینان میدهم که کلیه اقدامات
لازم را در این زمینه بعمل خواهیم آورد .

از سخنان شاهنشاه در باشگاه
روژنامه نگاران فرانسه - ۲۶
مهر ۱۳۴۰

اعتقاد راسخ من که آنها از بدو سلطنت خودم
همواره و در هر فرصت مساعد گوشزد کرده‌ام اینست که
بدون قدرت کامل دستگاه قضائی یک کشور هیچ پیشرفت
واقعی استوار در آن کشور امکان پذیر نیست . ولی من
علاوه بر این بدین حقیقت نیز همواره اعتقاد داشته‌ام و دارم
که عدالت قضائی میباید با عدالت اجتماعی تکمیل گردد ،

زیرا مخصوصاً در عصر ما که حقوق بشری بصورت اصل
لایتنجری جامعہ نوین در آمدہ است تفکیک این دو از
یکدیگر عملی نیست .

از نطق شاہنشاه دردیوان عالی
برزیل - ۱۵ اردیہشت ۱۳۴۴

عدالت اجتماعی در ہر نقطہ از جہان کہ بر قرار
شود بہ صلح گیتی کمک میکند . من قبول دارم کہ باید
بہ پیشرفتہای مادی دست یافت ، اما این پیشرفت اگر
بر اساس عدالت اجتماعی استوار نباشد بصورت یک خطر
بزرگ در خواہد آمد .

از نطق شاہنشاه بمناسبت
دریافت دکترای افتخاری
دانشگاہ برزیل ، در ویودوژانیرو -
۱۷ اردیہشت ۱۳۴۴

در تاریخ بشری کشورہائی موفق بودہ اند کہ
بمصلح اجتماعی توجہ بیشتری داشتہ اند ، البتہ بموازات
عدل و مساوات و برابری ہمہ افراد در برابر قوانین و مقررات
باید عدالت اجتماعی نیز اجرا شود .

امروز فقر و بیماری اگر ہم توسط داد گاہہای
بشری محکوم نشود مسلماً در داد گاہ عدل الہی و تہمان

محکوم است. عدالت اجتماعی باید بموازات عدالت محاکم
و دادگاهها اجرا شود.

از نطق شاهنشاه در دیوان عالی
آرژانتین - ۲۱ اردیبهشت ۱۳۴۴

جهل و بیماری و گرسنگی از هم جدا نیستند ،
وجود هریک از آنها دوعامل دیگر را نیز به همراه می آورد .
تازمانیکه این نیروهای مخرب وجود داشته باشند به پیشرفت
واقعی جامعه بشری و بصلح پایدار امیدوار نمیتوان بود .

از پیام شاهنشاه بمناسبت بیستمین
سالگرد تأسیس سازمان جهانی
خواربار و کشاورزی در شهر رم -
۵ آذر ۱۳۴۴

امروزه پیروزی واقعی ملت‌ها در درجه موفقیت آنها
در غلبه بر فقر و جهل و بیماری ، غلبه بر بیعدالتیهای
قضائی و اجتماعی ، در تأمین دانش و سطح زندگی
اقتصادی بهتر و رفاه و عدالت اجتماعی زیاده تری برای
افراد نهفته است . جنگ واقعی امروزه عالم بشریت ، جهاد
انسانها برای از میان بردن تبعیضها و بیعدالتیهای اجتماعی
و جدائیها و خود خواهیهای است که جوامع مختلف
خانواده بشری را دور از یکدیگر نگاه میدارد ، یا بخاطر
اصولی نامعقول آنها را بجان همدیگر میاندازد .

از نطق شاهنشاه هنگام گشایش
کنگره جهانی ایران شناسان -

۹ شهریور ۱۳۴۵

در جامعه امروزی جهان دیگر استقرار اصول و موازین حقوقی هر چند که کاملاً لازم است ولی کافی نیست. ممکن است مطالعات حقوقی هر روز بیشتر جزئیات و ریزه کاریهای قانونی را دربرگیرد و روشن کند، و ممکن است حاصل این مطالعات حقوقی با بهترین و کاملترین دستگاههای قضائی جهان بمعرض تحقق درآید. با این همه این حاکمیت موازین حقوقی بتنهایی نمیتواند نه کایه مشکلات موجود جامعه بشری را حل کند و نه خوشبختی و رفاه واقعی توده های عظیم انسانی را تأمین نماید. حتی نمیتواند عدالت را نیز بمفهوم واقعی و کامل آن درجهان برقرار سازد، زیرا عدالت قضائی تا وقتی که با عدالت اجتماعی تکمیل نشده باشد کامل نیست.

عدالت قضائی میباید از هر جهت منطبق با عدالت اجتماعی باشد تا بتواند مفهوم واقعی عدالت را تحقق بخشد. تا وقتی که جامعه بشری بر اصل عدم برخورداری مساوی از حقوق و مواهب طبیعی و انسانی، بر اصل استعمار یا استثمار، بر اصل فقر و گرسنگی و جهل و بیسوادی متکی باشد، تمام مطالعات حقوقی و تمام کوششهایی که برای حاکمیت نتیجه این مطالعات بعمل آید ناقص و عبث خواهد بود.

از نطق شاهنشاه بمناسبت
دریافت دکترای افتخاری
دانشگاه صوفیه - ۱۱ شهریور

۱۳۴۵

در دنیای امروزی ما جوامع پیشرفته‌ای هستند که در عین برخورداری از کلیه مواهب مادی از عدالت اجتماعی بمعنای واقعی برخوردار نیستند . این واقعیت برای ما قابل قبول نیست ، همچنانکه قابل قبول نیست که جامعه‌ای بخواهد فقط بر اساس معنویات و بدون توجه به الزامات مادی زندگی کند .

از نطق شاهنشاه بمناسبت
دریافت دکترای افتخاری
دانشگاه پیشاور - ۱۶ اسفند
۱۳۴۵

من نمیتوانم اجتماعی را تحمل کنم که افراد آن در جهل و بیسوادی امرار حیات کنند و قدرت تولیدشان کم باشد ، و در این جهان که همه کس برای ترقی و پیشرفت در تلاش است از خود جنبش و کوشش نشان ندهند .

در نظر من از این وضع غیر قابل تحمل تر وضع آن اجتماعی است که قدرت تولید دارد ولی در زیر فشار و تعدی بکار مشغول است .

از کتاب مأموریت برای وطنم

تأزمایی که ثروت بطور عادلانه‌ای بین افراد جامعه توزیع نگردد ، فراوانی آن اهمیت ندارد . اگر میبایست

تمام فعالیتها و بهره برداریها از منابع طبیعی و انسانی مملکت، فقط افزایش منافع عده معدودی را در برداشته باشد، این کار هیچ نفعی برای ملت واقعی ایران نداشت و در واقع کوشش بیفایده‌ای بود. آن نظم اجتماعی که در طول قرون متمادی برقرار شده بود و در آن وجود امتیازات و تبعیضهای طبقاتی اسری کمابیش طبیعی شمرده میشد با پیشرفت آموزش و رشد فکری و اجتماعی افراد امروز دیگر بهیچوجه قابل قبول نیست. انقلابات مانیز بر این اصل کلی تکیه داشت که هر نوع آثار استثمار و هر وضعی که فقط بنفع یک اقلیت محدود و بزیان اکثریت باشد از میان برود.

از کتاب انقلاب سفید

ضرورت استقرار عدالت اجتماعی نه نهاد در کشورهای در حال توسعه احساس میشود، بلکه تا حد زیادی در کشورهای پیشرفته نیز صادق است، زیرا در بسیاری از این کشورها با آنکه پیشرفتهای اقتصادی وضع رضایت بخشی دارد، عدالت اجتماعی چنانکه باید حکمفرما نیست. از کتاب انقلاب سفید

صالح

یکی از بزرگترین خصوصیات ایران همانا توجه
این کشور به صلح است. علاقه و تأکید به صلح از سطور
منظومه‌های حماسی ما می‌چکد و ادبیات ما از آن لبریز است.
این فکر که دنیا یکی است و حیات هر فرد جزء ارجمندی
در هستی مطلق کیهان بزرگ است از فکرهای ویژه سرزمین
ما است.

از سخنان شاهنشاه در پاسخ
بیانات وزیر امور خارجه آمریکا،
درواشنگتن - ۲۶ آبان ۱۳۲۸

در تاریخ بشر مواقعی بوده است ، و هنوز هم
اثری از آن هست ، که ملل جز خود پرستی و پیروزی
از امیال خویش فکر دیگری نداشته‌اند . آنچه را که
از خودشان نبوده خارجی و دشمن میدانسته‌اند و روابط

خویش را با کشورهای خارجی هم بر روی همین اصول قرار میداده‌اند.

ولی ما اکنون در دوره دیگری زندگی میکنیم .
امروزه بهترین متفکرین بشر بر این عقیده‌اند که ملل باید روابط خود را بر اصول حسن تفاهم و علائق فرهنگی و اقتصادی و خیرخواهی پایه‌گذاری کنند . من از طرف کشور و ملت ایران میتوانم بگویم که ما حاضرم فقط در تحصیل صلح جهانی با دیگران رقابت کنیم ، البته صلحی که در اثر همکاری و هم چشمی عادلانه و حسن تفاهم بین ملتها تأمین گردد .

از نطق شاهنشاه در انجمن روابط
خارجی اسریکا - اول آذر ۱۳۲۸

تمام عقاید و نظریات فلسفی که جزو میراث حی و حاضر ایران است ، و سطور ادبیات بزرگ کشور ما ، از سخن صلح و صفا لبریز است و این نکته یکی از اصول هستی و حیات ملی ما است .

اگر صلح نباشد مساعی ملل کوچک در بالابردن سطح زندگی و عدالت اجتماعی پیشرفت نخواهد کرد ، وضع بازرگانی نا معلوم و دانش و هنر بی اعتبار و حتی دقیق ترین مناسبات انسانی یعنی روابط میان زن و شوهر و پدر و فرزند آمیخته با ترس و هراس خواهد بود .

اگر صلح باشد هر چیزی ممکن است ، و اگر نباشد هیچ چیز را دوام و ثباتی نیست .

بگذارید ملل گیتی از خرد و بزرگ فقط در پهنه اعمالی که از صلح و صفا سر چشمه میگیرد با یکدیگر رقابت کنند . تا آن روز نیاید انسانیت از ترس آسودگی نخواهد داشت و از زندگی در جهان تابناک و آکنده از شادمانی بهره نخواهد برد .

از نطق شاهنشاه در جمع عمومی
سازمان ملل متحد - اول آذر

۱۳۲۸

صلح را تنها با خیال بافی و مجامله و جمله پردازی نمیتوان حفظ کرد . حفظ صلح فقط بوسیله تقبل مسئولیت های معنوی و مادی ناشیه از آن امکان دارد ، زیرا وقتی کسی از این مسئولیت فرار میکند طبعاً مسئول متزلزل شدن پایه و مبنای صلح خواهد بود .

انجام این وظیفه و مسئولیت معنوی و مادی با تصمیم باطنی ناشی از قدرت معنوی و بهبود اقتصادی مربوط است . این حقیقت در باره افراد و ملل یکسان صدق میکند . جامعه ای که فاقد قدرت معنوی و اخلاقی باشد بسختی میتواند احترام خود را حفظ کند و در صیانت صلح و آرامش جهان مؤثر باشد . تثبیت وضع اقتصادی ملل راه اتحاد و شخصیت آنانرا محکم نموده و بتمدن و فرهنگ

جهان کمک میکند ، زیرا ایمان راسخ حتی کوهها را هم
میتواند از جای حرکت دهد ، مشروط بر اینکه با یک
مقصود اجتماعی مربوط باشد . تثبیت اقتصادی ، نیروی
اخلاقی و سیاست لازم و ملزوم یکدیگرند ، و در حقیقت
سنگ بنای صلح پایدار و دوام تمدن میباشد . ایناهدفعهای
توانائی هستند که باید مشترکاً دنبال شوند .

فقط مللی که آماده جانفشانی و فداکاری شده
باشند قادر خواهند بود که بدین پایه برسند . هنگامیکه
نیروهای اخلاقی و اقتصادی ملل صلحدوست تثبیت شود
هیچ قدرتی نمیتواند ارکان ایدآلهای مشترک و وحدت آنها
را متزلزل سازد .

از نطق شاهنشاه بمناسبت
دریافت دکترای افتخاری
دانشگاه کلمبیا - ۱۵ بهمن

۱۳۳۳

ما برای میهن خود و برای اهل عالم آرزوی صلح
و آسایش داریم ، و از خداوند قادر مسئلت میکنیم در این
موقع که تمدن و بقای بشری بخطر افتاده روح شفقت و انسان
دوستی را در خاطر زمامداران دول برانگیزد و مدار فکرشان
را بر خویشتن داری و خرد استوار نماید .

از نطق شاهنشاه هنگام گشایش
نهمین دوره مجلس سنا - ۱۴ مهر

۱۳۳۷

اساس پیشرفت ایران مانند همه ممالک دیگر باید صلح باشد . سراسر ادبیات بزرگ و وسیع ما مملو از اشاره به اهمیت صلح است . فوائد صلح همه جا در آثار هنری و در اصول فلسفی که قسمتی از اصول اخلاقی ما را تشکیل میدهد نشان داده شده است . عشق به صلح از احساسات زنده در قلوب همه ایرانیان است .

از نطق شاهنشاه در باشگاه
مطبوعات امریکا - اول آذر

۱۳۳۸

صلح موضوع غیر قابل تجزیه‌ای است ، وبهمین دلیل بهبود روابط بین المللی نیز غیر قابل تجزیه میباشد . اگر فشار مخالف از یک نقطه بنقطه دیگر منتقل شود وجود آرامش در یک نقطه جهان را نمیتوان بوجود صلح تعبیر کرد . برای این که صلح در تمام جهان وجود داشته باشد ، میباشد همه جا از نعمت آرايش برخوردار باشد .

از مصاحبه شاهنشاه با نماینده
تلویزیون انگلستان - اول تیر

۱۳۳۹

برای رسیدن به صلح پایدار باید به فداکاریهای تن داد ، ولی بعقیده ما برای نیل باین ایده‌آل فداکاری ماهر اندازه هم مهم باشد ارزش دارد ، زیرا تنها در سایه

صلح میتوانیم از مزایای تمدن جدید بهره مند شویم. تنها چیزی که ممکن است در سایه آن صلح بدست آید وجود حسن نیت کامل بین دولتها است.

از سخنان شاهنشاه در باشگاه
روزنامه نگاران فرانسه - ۲۶ مهر

۱۳۴۰

... تشکیل یک نیروی دائمی برای سازمان ملل نه تنها بعنوان وسیله‌ای برای حفظ صلح بلکه بعنوان وسیله‌ای جهت توسعه و اشاعه فرهنگ نیز ضروری است. ما در کشور خود این هدف را در سطح محدودتری با ایجاد سپاه دانش ایران تأمین کرده‌ایم.

استفاده بیسابقه از ارتش بعنوان وسیله آموزش در حقیقت وسیله‌ای برای استقرار صلح و خدمت حقیقی به صلح و تعمیم آن است. نسل جوان کشور من که عهده‌دار این وظیفه شده با آغوش باز از آن استقبال کرده است. از این تجربه میتوان بعنوان یک سرمشق برای تعیین وظایف نیروی بین‌المللی استفاده کرد. بدین ترتیب است که میتوان افراد کشورهای مختلف جهان را با انضباط صلح بجای انضباط جنگی آشنا ساخت و احساس همدردی و همبستگی نسبت به یکدیگر و نسبت به مردم سراسر جهان را در آنان بوجود آورد. من پیشنهاد میکنم که سازمان ملل متحد برای آموزش عمومی و مداوم نیروی صلح طرحی

را تنظیم و اجرا کند . ما از چنین طرحی با کمال میل پشتیبانی خواهیم کرد و تا آنجا که بتوانیم از دادن کمک ملی و کادر آموزشی دریغ نخواهیم ورزید .

از نطق شاهنشاه بمناسبت
دریافت دکترای افتخاری
دانشگاه نیویورک - ۲۰ خرداد

۱۳۴۳

روزگاری بود که جنگ برای زورسندان جنبه یک تفریح گران قیمت ولی هیجان انگیز ، و برای ملل و کشورهای ضعیف صورت بلائی را در ردیف سایر بلاها داشت که میبایست خواه نا خواه و هر چند یکبار تن بقبول آن در دهند . ولی امروز دیگر جنگ تنها یک تفتن نامطلوب و بیمارانه نیست . روزگاری ممکن بود همانطور که همه ما در تاریخ خوانده ایم دنیا شاهد جنگهای هفت ساله و سی ساله و صد ساله باشد ، ولی امروز شاید حتی تصور جنگ چند روزه را هم نتوان کرد ، و اصولا از کجا معلوم است که بعد از چنین جنگی مورخی باقی بماند تا طول مدت آن را در تاریخی ثبت کند ؟

از پیام شاهنشاه به کنفرانس
صلح جهانی از راه قانون ،
در واشنگتن - ۶ مهر ۱۳۴۴

منظور از صلحی که همه طالب آنند چه نوع صلحی

است ؟ این پرسش جنبه مباحثه لفظی ندارد ، زیرا آنکه شیفته آزادی است حاضر نیست صلح را بهر قیمت که باشد بدست آورد . مثلاً حبس و زندان خود یکک نحو صلح و آرامش است و حتی بعضی از زندانیان بوده‌اند که هیچگونه علاقه‌ای به بیرون آمدن از زندان نداشته‌اند . همچنین با تصفیه و شستشوی مغز چنانکه در روان شناسی معمول است ممکن است در بیمار روانی آرامش و سکونی بوجود آید ، ولی بنظر من آنچه مطلوب واقعی مردم روشنفکر است عبارت از صلح با ثمر و اخلاق است که در پرتو آن مردم گیتی و ملل متنوع بتوانند استعداد های خود را بعد کمال بمنصبه بروز و ظهور برسانند .

از کتاب مأموریت برای وطنم

آرزوی فرارسیدن آن روزی را دارم که هیچ کشوری دیگر احتیاج پیدا نکند که برای مقابله با تجاوز از خود نیروی دفاعی داشته باشد ، بلکه سازمان ملل متحد یا یک مقام صاحب اقتدار بین المللی دیگر مسئولیت حفظ صلح و امنیت و نظم بین المللی را بعهده بگیرد ، و همانطور که امروز هر فرد از افراد یک کشور برای حفظ امنیت داخلی به دولت خود متکی است در آینده هر کشوری برای نگاهداری صلح بین المللی بیک حکومت جهانی تکیه داشته باشد . در آن روز بدون اینکه هر کشوری

از خود دارای نیروی زمینی و دریائی و هوائی باشد مردم جهان از خطر تجاوز آسوده خواهند بود و احساس ایمنی خواهند کرد . اما برای پدیدار شدن طایعه یکک چنین روز با سعادتی گذشت مدتها زمان ضرور است .

از کتاب مأسوریت برای وطنم

در تاریخ گذشته جهان بادوره‌هائی مواجه میشویم که قدرت و نفوذ نظامی و سیاسی یکک کشور بزرگ در ادواری نسبتاً کوتاه یا طولانی ضامن استقرار صلح در قسمتهای پهناوری از جهان بوده است . ولی امروزه دیگر فقط یکک صلح میتواند وجود داشته باشد ، و آن صلح جهانی است . چنین صلحی قبل از هر چیز نه به قدرت نظامی دولتها ، بلکه به تأمین حقوق افراد و جوامع جهانی وابسته است .

از کتاب انقلاب سفید

امروز دنیای ما احتیاج مبرم به انواع تعدیلهای و اصلاحات اساسی در همه شعبون خویش دارد ، و تا وقتی که جامعه بشری بصورت یکک جامعه هم‌آهنگ و یکپارچه در نیامده باشد و تبعیضات و اختلافات فاحش کنونی در این جامعه از میان نرفته باشد ، این الزام بحال خود باقی خواهد بود ، و خواه ناخواه آثار آن بصورت تشنج‌های بین‌المللی ، انقلابها ، کودتاها ، ترورها ، جنگهای سرد و

گرم ، و مسابقه‌های کمرشکن تسلیحاتی در گوشه و کنار
جهان بروز خواهد کرد .

از کتاب انقلاب سفید

در دنیای کنونی دیگر زور و قدرت مادی پاسخگوی
نهایی مشکلات نیست . البته در گذشته نیز توپ خیلی
بندرت نماینده حق بوده است ، ولی امروزه قدرت اسلحه
حتی برای تحمیل اراده خود کفایت نمیکند . حقیقت این است
که امروزه اعضای مختلف جامعه بشری برای حفظ موجودیت
خویش الزام دارند و بهر قیمت باشند راهی برای تفاهم
با یکدیگر بیابند ، زیرا در دوران ما دیگر راه حل قدرت نمایی
مادی محکوم شده است . امروزه پیروزیهای واقعی و نهایی
پیروزیهای صلح است ، نه پیروزیهای جنگ .

از کتاب انقلاب سفید

مسائل بين المللي

امروزه بیش از هر وقت دیگری در تاریخ جهان
این حقیقت مسلم شده است که همه افراد بشر اعضای
یک خانواده بزرگ انسانی هستند و از کلیه جهات وابسته
بیکدیگرند ، و بنابراین جز از راه حسن تفاهم و تشریک
مساعی صمیمانه امکان زیستن ندارند .

از پیام شاهنشاه بمناسبت آغاز
هفته سازمان برادری جهانی
در ایران - ۲۷ بهمن ۱۳۳۶

فقر کشورهای توسعه نیافته که امروزه در اصطلاح
اقتصادی به پائین بودن سطح زندگی تعبیر شده است ،
مشکل بزرگی نه تنها برای خود آن کشورها بلکه برای
کشورهای پیشرفته و مرفه بوجود آورده است ، بطوریکه ممالک
راقیه در برنامه های اقتصادی خود ناچارند موضوع کمک

بکشورهای توسعه نیافته را در مد نظر داشته باشند و برای
بالا بردن سطح زندگی کشورهای مزبور چاره جوئی کنند ،
زیرا مادام که فقر بر سرنوشت بشر مسلط باشد امیدی به
صلح و آرامش جهان نمیتوان داشت .

از پیام شاهنشاه بمناسبت روز
جهانی مبارزه با گرسنگی -
۸ شهریور ۱۳۳۹

تا زمانی که سؤنیت و عدم اعتماد و تلخی ناشی
از تسلطها و محرومیتها که نتایج آن چیزی جز جنگ
و ظلم و بدبختی نیست در روح ملل و نمایندگان آنها نفوذ
داشته باشد ، مسائل سیاسی بدشواری حل خواهد شد
و اجرای تصمیمات سیاسی به سختی انجام خواهد گرفت
و بآسانی مورد اعتراض واقع خواهد شد .

از سخنان شاهنشاه در پاسخ
آقای رنه ماهو مدیر کل یونسکو،
در کاخ یونسکو، پاریس - ۲۵ مهر
۱۳۴۰

ما طرفدار حقوق بشر و آزادیهای اساسی هستیم
و با استعمار مبارزه میکنیم ، ولی نوع جدید استعمار را هم
نمی پذیریم . ما معتقدیم که ملتها دارای حقوق یکسان

هستند و این حقوق باید مورد احترام باشد .

از سخنان شاهنشاه در باشگاه
روزنامه نگاران فرانسه ، در
پاریس - ۲۶ مهر ۱۳۴۰

شرق و غرب برای رسیدن به صلح راه دیگری جز
توافق در جهت همکاری و همزیستی با یکدیگر ندارند .
مردم جهان دیگر نمیتوانند بدبختی های خود را ناشی
از تقدیر و سرنوشت بدانند ، و اگر شکاف بزرگ بین جوامع
فقیر و غنی تعدیل نشود این امر در بسیاری از کشورها
منجر به خونریزی میگردد و راه را برای روی کار آمدن
حکومت های مطلقه و دیکتاتوری هموار میسازد .

از سخنان شاهنشاه در مصاحبه
مطبوعاتی ، در لوس آنجلس -
۲۱ خرداد ۱۳۴۳

توجه به لزوم تعدیل وضع موجود جهان باید
برای کشورهای ثروتمند حائز اهمیت بیشتری باشد تا
کشورهای فقیر ، زیرا اگر اتفاق تأسف آوری بیفتد کشورهای
فقیر جهان چیزی از دست نخواهند داد ، ولی کشورهای
توسعه یافته جهان ، کشورهای ثروتمند جهان ، کشورهای

صنعتی، خیلی چیزها از دست خواهند داد.

از سخنان شاهنشاه در انجمن
خبرنگاران خارجی انگلستان -
۱۸ اسفند ۱۳۴۳

هنگامیکه پیچیدگی و فوریت مشکلات ایران را در نظر میآوریم و بر مشکلات سایر کشور های درحال توسعه نیز مینگریم بدین نتیجه میرسیم که تهیه یک نسخه برای هر طرف ساختن درد های حتی یک ملت بینهایت دشوار است، و دادن نسخه ای کلی برای عموم ملل احتمالا غیر ممکن بنظر میرسد. لکن شاید بتوان یک اصل وقاعده کلی را بیان داشت که مورد اقبال عمومی است، و قانون مزبور اینست که در همه کشور ها مردم عامل اصلی پیشرفت هستند و تا زمانیکه مردم اصلاح نشده اند پیشرفت میسر نخواهد بود.

از پیام شاهنشاه بمناسبت گشایش
کنفرانس بین المللی مدیریت،
در تهران - ۴ اردیبهشت ۱۳۴۴

دنیای کنونی ما که شاید در ظرف پنجاه سال تحولات آن از پنج هزار سال گذشته بیشتر بوده است بسیاری از مسائل و مشکلات اجتماع را حل کرده ولی بنوبه خود با بسیاری از مشکلات و مسائل تازه مواجه شده که در اجتماع گذشته وجود نداشته است.

خوشبختانه امروز دیگر راه حل هیچیک از این مسائل توسل به زور نیست ، زیرا امروز برای نخستین بار در تاریخ بشر قدرت اسلحه قدرتی قاطع برای حل اختلافات بشمار نمی رود . در عین حال اکنون دیگر مسائل جهانی را بصورت محدود و درمیان چند قدرت بزرگ سیاسی نمیتوان حل کرد ، بلکه در حل هر یک از این مسائل کوچکترین کشور و ملت جهان همان حق اظهار نظری را دارد که به بزرگترین کشورهای دنیا داده شده است .

از نطق شاهنشاه در کنگره ملی
آرژانتین - ۲۱ اردیبهشت ۱۳۴۴

سیر تکامل تاریخ و تمدن جامعه بشری امروز دیگر فواصل جغرافیائی را از میان برداشته است . در چنین وضعی فواصل اجتماعی بین ملل نیز میباید دیرپازود از میان برداشته شوند . وجود توده ای از جوامع محروم با سطح زندگی بسیار پائین و با سطح فرهنگی پائین ترددکنار جمع دیگری از ملل کاملاً مرفه و برخوردار از تمام مواهب علم و فرهنگ ، نه تنها برای وجدان بشری قابل قبول نیست ، بلکه از نظر صلح جهانی و از لحاظ تأمین آینده قابل اطمینانی برای تمام جامعه انسانی نیز کاملاً خطرناک است .

از سخنان شاهنشاه در باشگاه
مطبوعات زنان کانادا - ۲۰
اردیبهشت ۱۳۴۴

صلح و پیشرفت بین المللی ایجاد میکند که یک مبارزه جهانی و همه جانبه با عواملی که سعادت و ترقی جامعه بشری را تهدید میکند ، یعنی با جهل و با فقر ، با بیماری و با بیعدالتی اجتماعی انجام گیرد . اگر روزی برسد که تنها سرام سیاسی جهانیان همکاری عمومی برای سعادت و پیشرفت جهانی باشد آنروز عالم بشریت به هدف واقعی خود نزدیک شده است .

از سخنان شاهنشاه در شهرداری
مونتreal ، کانادا - ۳ خرداد
۱۳۴۴

دنای کنونی ما دنیائی است که در آن هر پیشرفتی مانند هر خطری ، هر مسئله ای مانند هر راه حلی ، با تمام ملل جهان در هر مرحله از ترقی که باشند بستگی کامل دارد . امروز بیش از هر زمان دیگر سرنوشت جوامع بشری به یکدیگر پیوسته است . ما همه با هم زندگی میکنیم ، بنابراین با هم نیز باید کار کنیم .

از نطق شاهنشاه هنگام گشایش
کنگره جهانی پیکار با بیسوادی
در تهران - ۱۷ شهریور
۱۳۴۴

در تاریخ بشر هرگز احساس یک دگرگونی با این قاطعیت سابقه نداشته است . امروزه در پیرامون ما و در

درون خود ما همه چیز در حال تغییر و تحول است . از هر
جانب حقایقی تازه بما عرضه میشود که حاصل آنها ابطال
بسیاری از آن اصولی است که در گذشته بدیهی بنظر
میرسید .

فواصل جغرافیائی روز بروز کمتر میشود و ملل
سختاف جهان را بیکدیگر نزدیکتر میکند . دنیای ما همواره
بیشتر و بیشتر از گذشته خود دور میشود ، و طبعاً یکی از
مشخصات اساسی این تحول بزرگ این است که آن
تبعیضاتی که پیش از این طبیعی بنظر میرسید امروز دیگر
قابل تحمل نیست ، زیرا که مردمان جهان بیش از پیش بحقوق
مشروع خود پی برده اند و میبرند .

از نطق شاهنشاه هنگام گشایش
کنگره جهانی پیکار بایسواد
در تهران - ۱۷ شهریور ۱۳۴۴

امروزه رؤسای کشورهای جهان حقاً میباید به
تعبیر قراردادی اصطلاح حقوق سیاسی اکتفا نکنند ،
بلکه مفهوم واقعی مترقیانه و امروزی این اصطلاح را در نظر
بگیرند ، یعنی متوجه باشند که امروزه حقوق سیاسی برای
آنکه ارزش واقعی داشته باشد میباید دوش بدوش حقوق
اجتماعی و حقوق اقتصادی پیش رود ، و اگر غیر از این

باشد این حقوق جز در روی کاغذ ثمربخش نمیتواند بود .

ازنطق شاهنشاه بمناسبت دریافت
دکترای افتخاری دانشگاه
بخارست - ۶ خرداد ۱۳۴۵

ما اعتقاد راسخ داریم که هر ملتی حق دارد
راهی را که بهتر با مصالح خود سازگار میدانند برای
پیشرفت خویش برگزینند ، ولی در عین حال معتقدیم که
اگر راه ها فرق میکند هدفها نمیتواند متفاوت باشد ،
و از همین جاست که ضرورت همکاری کشورها ، حتی
اگر شیوه های مختلفی برای خود برگزیده باشند ، احساس
میشود . دنیای ما بیش از پیش برای اینکه محنه اختلافات
و مشاجرات اعضای یک خانواده واحد بشری قرار گیرد
کوچک میشود ، و در مقابل علم و صنعت و تکامل فکری
و روحی جامعه بشری و وابستگی روز افزون ملل هر روز
بیشتر اصل تفاهم و همکاری مشترک را در راه تأمین منافع
مشترک بصورت امری الزامی و حیاتی در میآورد .

ازنطق شاهنشاه بمناسبت دریافت
دکترای افتخاری دانشگاه
بخارست - ۶ خرداد ۱۳۴۵

دیگر وجود تبعیضها و اختلافات فاحش در سطح
زندگی مردم جهان برای آنها که در شرایط پائین تری

بسر میبرند قابل تحمل نیست . امروزه دیگر هیچکس حاضر نیست این اصل را طبیعی و منطقی تلقی کند که جمعی از افراد بشر از حد اکثر مواهب ناشی از پیشرفت علم و صنعت برخوردار باشند و جمعی دیگر از استفاده از این مواهب محروم بمانند ، زیرا همه ما این واقعیت مسلم را پذیرفته ایم که تمام افراد بشر از هر نژاد و هر مذهب و هر ملت با حقوقی مساوی بدنیا آمده اند و بنابراین باید متناسب لیاقت و کار خود از مواهب طبیعی و مواهب ناشی از پیشرفت دانش و صنعت بهره مند گردند .

بخطرات سعادت و امنیت جامعه بشری نمیتوان قبول کرد که بر اثر استفاده از امکانات صنعتی کنونی کشورهای ثروتمند هر روز ثروتمندتر و کشورهای فقیر هر روز فقیر تر شوند ، زیرا آنچه در این میان اهمیت واقعی دارد مصالح آن عده معدودی که از این مواهب بهره مند میشوند نیست ، بلکه مصالح اکثریت عظیم جامعه بشری است . تازه از این راه مناقع آن اقلیت معدود نیز واقعاً تأمین نمیشود ، زیرا وجود وضع قابل انفجاری که این اختلاف بوجود میآورد خطری است که هر لحظه ممکن است اساس و موجودیت این عدم توازن را بر هم زند .

ازنطق شاهنشاه بنامیت دریافت
دکترای افتخاری دانشگاه صوفیه

- ۱۱ شهریور ۱۳۴۰

ما بعنوان يك واقعيت پذيرفته ايم كه راه تأمين مصالح واقعي كشورمان حسن تفاهم و همكاري صميمانه با همه كشورها و ملل جهان بر اساس حفظ حاكميت ملي ما است . ما پذيرفته ايم كه صلح و تفاهم بين المللي شرط حياتي و لازم براي پيشرفت اجتماع ما و هر اجتماع ديگر جهان است . در عين حال اعتقاد داريم كه استقرار اين تفاهم و صلح جز بر پايه رفع تبعيضها و بي عداليهاي كنوني جهان ، كوشش در تعديل اختلاف فاحش سطح زندگي كشورهاي پيشرفته با ممالك باصطلاح در حال توسعه ، حل عادلانه اختلافات نژادي و مذهبي ، رعايت شرافتمندانه اصل همزيستي ايدئولوژي ها و سيستمهاي حكومتي مختلف ، و خودداري كشورها از دخالت در امور داخلي يكديگر عملي نخواهد بود .

از نطق شاهنشاه بمناسبت دريافت
دكترای افتخاري دانشگاه صوفيه
۱۱ شهریور ۱۳۰۴

بزرگي ملتها در اين نيست كه بتوانند در يك لحظه شهرها را ويران كنند و ميليونها كودك و جوان و پير را بهلاكت برسانند ، بلكه بزرگي آنان در اين است كه بتوانند ميليونها افراد بشر را از جنگال بيماري و بيسوادي و ترس و يأس و تهيلستي برهانند ، تا انسانها

بتوانند در جهانی آزاد و آرام در جوار یکدیگر در صلح
وصفا و محبت و صمیمیت زیست کنند .

از پیام شاهنشاه بمناسبت بیست
ویکمین سال تأسیس سازمان
ملل متحد - ۲ آبان ۱۳۴۵

در دنیای امروز مهمترین وظیفه کشورهاییکه
مانند ما میکوشند تافاصله خویش را با پیشرفته ترین ممالک
جهان در عرض مدت کوتاهی از میان بردارند اینستکه
بر پایه حسن تفاهم و همزیستی و همکاری با سایر ملل
و بر اساس دفاع از حق کامل حاکمیت ملی خود واحترام
همین حق در نزد دیگران تمام نیروی طبیعی و انسانی
خویش را در راه پیشرفت اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی
یعنی در راه صنعتی کردن مملکت خود و بالا بردن سطح
زندگی افراد و مبارزه با فقر و جهل و بیماری و گرسنگی ،
و استقرار عدالت اجتماعی بکار اندازند . ما بخوبی احساس
میکنیم که امروز دیگر دوران ماجراجوئی سپری شده است
وبه پیروی از این اصل کلی طبعاً سیاست بین المللی مانیز
برپایه ای سالم و منطقی یعنی بر اساس صلح جوئی و تفاهم
و اشتراك مساعی در راه ساختن دنیای بهتر برای جامعه
بشری سعادت مند قرار دارد .

از نطق شاهنشاه خطاب به
حضرت رئیس جمهوری ترکیه -
۲۶ خرداد ۱۳۴۶

در نیمه دوم قرن بیستم ، در زمانیکه فضا تسخیر شده است ، تعداد زیادی از برادرهای انسانی ما در اکثاف دنیا هستند که از گرسنگی میمیرند ، و چون جمعیت دنیا سرعت رو به ازدیاد میرود این خطر گرسنگی و تلف شدن از بیغذائی اگر چاره‌ای برای آن نیندیشیم روز بروز زیادتر خواهد شد . پس این تمدن چه فایده‌ای دارد که از طرفی بآن مرحله از پیشرفت میرسد ، ولی از طرف دیگر افراد بشر در این دنیا یا از بیغذائی میمیرند یا از بیسوادى مثل افراد ناپینائی باین طرف و آن طرف میروند بدون اینکه از زندگی حقیقی چیزی فهمیده باشند ؟

از سخنان شاهنشاه در جشن روز
دهقان - اول مهر ۱۳۴۵

در دنیای کنونی دیگر زور و قدرت مادی پاسخگوی نهائی مشکلات نیست . در گذشته نیروی اسلحه خیلی بندرت نماینده حق بوده است ، ولی امروزه این نیرو دیگر حتی برای تحمیل اراده خود نیز کفایت نمیکند . در عصر کنونی که سرنوشت ملل جهان بیش از پیش بیکدیگر پیوسته است تعیین سرنوشت بشر را باید فقط در احترام بقانون و منطق و تفاهم و خردمندی جستجو کرد .

از نطق شاهنشاه هنگام گشایش
پنجاه و پنجمین کنفرانس
بین‌المجالس ، در تهران - مهر
۱۳۴۵

در زمان حاضر مردمی هستند که با گرسنگی دست
 بگیرانند و جان میسپارند . ما از آزادیهای بسیاری در جهان
 خود سخن میرانیم ، با آزادی بشر احترام میگذاریم ، برای
 آزادی فردی احترام قائلیم ، و باز هم خواستار آزادیهای
 بیشتری اعم از نظری یا عملی هستیم ، ولی باید بدانیم
 که برای انسان آزادی دیگری نیز ضرورت دارد ، و آن
 آزادی از گرسنگی است .

از سخنان شاهنشاه در پاسخ
 صدراعظم آلمان فدرال - ۸ خرداد

۱۳۴۶

سازمان ملل بتنهایی یک نیروی مادی مافوق
 نیروها نیست تا بتواند حاکمیت خویش را در مشکلات
 و اختلافات بین المللی از راه قدرت اعمال کند ، بلکه نیروی
 آن یک نیروی معنوی است که صرفاً وابسته به تأیید و حسن
 نیت کلیه اعضای سازمان است ، و چنین حسن نیتی فقط
 وقتی میتواند واقعاً تجلی کند که در مسائل مختلف جهانی
 منطق و واقع بینی بالاتر از خود خواهیهای ملی و تعصبات
 و اغراض خصوصی قرار گیرد . مایه تأسف است که در جریان
 عمل غالباً بعکس این اقدام شده ، و در نتیجه نه تنها این
 سازمان بزرگ جهانی تضعیف گردیده ، بلکه آنچه روح
 این سازمان و عامل اصلی موجودیت آن است یعنی صلح
 و تفاهم بین المللی و حل منطقی و واقع بینانه اختلافات

سطح زندگی اقتصادی افراد و چه در سطح آموزش فکری و روحی آنان قابل قبول نیست . عصر ما دیگر عصر تبعیضها و جدائیها نیست ، و این حقیقتی است که آنهائیکه نمیخواهند از روی منطق متوجه آن شوند از راه واقعیات تلخ بدان پی خواهند برد .

ازنطق شاهنشاه در جلسه مشترک
مجلسین بالزیا - ۱۳۴۶ دی

امروزه در معادله زندگی جامعه بشری تمام معلومات و مجهولات قبلی عوض شده و معادله اصولاً بصورتی تازه درآمده است . اکنون بشر بر اثر پیشرفتهای صنعتی و علمی خود و بر اثر ارتباط روز افزون جغرافیائی و سیاسی و فکری ، در آستانه عصر تازه ای قرار گرفته است که باید آنرا عصر وحدت جامعه بشری نام نهاد . اگر جبر تاریخ مفهومی داشته باشد ، این مفهوم به بارزترین صورت خود در همین حقیقت تجلی میکند .

در این صورت خواه ناخواه باید بموازات توسعه و سائل ارتباطی و مبادلات خبری و نزدیکی جغرافیائی ، زمینه روحی و فکری افراد و جوامع بشری نیز برای چنین تحولی آماده گردد . این کار مسلماً بمراتب مشکلتراز پیشرفتهای وسائل و مبادلات ارتباطی است ، زیرا در این مورد پای اعتقادات و رسوم کهن ، پای تعصیها و خودخواهیهای دیرینه در کار است که در طول قرون یا برحسب الزامات

زمانی و مکانی و یا بطور عمدی بدست افراد یا طبقاتی که از چنین وضعی بهره میبرده‌اند در روح و فکر جوامع مختلف ریشه دوانده و استوار شده است. اصلاح این وضع در دنیای امروز، که دیگر اقتضای ادامه آن را ندارد، بیش از هر چیز مستلزم تحولی عمیق در طرز فکر و در اصول آموزش و پرورش افراد بشر است.

در تمدن دنیای فردا میباید حقایق مادی و معنوی، پیشرفتهای صنعتی و عوامل اخلاقی، چون عناصر مختلف شیمیائی که در یک لابراتوار ترکیب میشوند با یکدیگر در آمیزند و ترکیب مناسبی برای همه جامعه بشری در تمام نقاط جهان بوجود آورند، زیرا امروز دیگر هیچ قسمتی از اجتماع واحد جهانی نمیتواند برای خود امتیازات خاصی را تجویز کند که مستلزم محرومیت قسمت دیگری از این اجتماع از نظیر همان امتیازات باشد.

از نطق شاهنشاه بمناسبت دریافت
دکترای افتخاری دانشگاه
بانگه کوك - ۳ بهمن ۱۳۴۶

ما در آرزوی دنیائی هستیم که در آن همه اندیشه‌ها و نیروهای مثبت و خلاقه، دور از جدائیهای جغرافیائی و نژادی و مذهبی و زبانی، دست در دست یکدیگر داده و در لوای حقیقتی بالاتر از همه این جدائیها

واحدی پدید آورده باشند که قبل از هرچیز مربوط به جامعه بشری باشد .

ازنطق شاهنشاه بمناسبت دریافت
دکترای افتخاری دانشگاه
هاروارد - ۲۳ خرداد ۱۳۴۷

محرومیتها ، تبعیضها ، ستمگریها ، تعصبات ،
کینه توزیها و دشمنیها ، فقر ، جهل ، گرسنگی ، بیسوادی ،
همه اینها بیماریهایی است که از گذشته برای ما بارث
رسیده است . منتها تفاوت اساسی وضع امروز ما با گذشته
این است که اکنون ما دریافته ایم وجود این آفات امری
طبیعی و اجتناب ناپذیر نیست ، درست بهمان ترتیب که
دریافته ایم بیماریهایی از قبیل وبا و طاعون بلایائی آسمانی
و غیر قابل اجتناب نیستند ، و لاجرم باید بعنوان یک بیماری
راه درمان آنها را جستجو کرد . نگرانی و اضطراب بشر
امروز ، در واقع محرك آن تلاش مقدسی است که باید
جامعه انسانی را در زمینه اجتماعی نیز مانند زمینه جسمانی ،
بصورت جامعه ای تندرست در آورد .

نباید این واقعیت را فراموش کنیم که اگر ما از
توجه به بیماری اجتماع خویش ناراحت هستیم ، اگر دنیا
را تا حد زیادی تاریک می بینیم و مشاهده بیعدالتیها
و آلامی که نوع بشر با آنها دست بگیریان است ما را رنج
میدهد ، باید خواه ناخواه این فکر در ما بوجود آید که

در برابر این رنج عمومی ناراحتیها و رنجهای خصوصی خود
ما ، چه در سطح خانوادگی و چه حتی در سطح شهری
و مملکتی درجه دوم اهمیت را دارد ، و وقتی جزء میتواند
اصلاح شود که قبلاً « کل » اصلاح شده باشد .

از نطق شاهنشاه بمناسبت دریافت
دکترای افتخاری دانشگاه
هاروارد - ۲۳ خرداد ۱۳۴۷

دشمنان واقعی بشریت یعنی بیماری ، جهل ، فقر
و تبعیضهای اجتماعی نیروهای مشترکی هستند که آنها
را از هم تفکیک نمیتوان کرد ؛ بهمین جهت مبارزه با هر یک
از این عوامل فقط وقتی واقعاً ثمر بخش میتواند بود که
با همه آنها در آن واحد مبارزه شود .

از پیام شاهنشاه بمناسبت تشکیل
کنگره بین المللی پزشکی در تهران
- ۱۶ شهریور ۱۴۳۷

در دنیای امروز ما ، با وجود پیشرفتهای عظیمی
که از نظر علمی در کشف راههای مؤثر برای پیشگیری
انواع بیماریها و درمان آنها بدست آمده هنوز بسیاری از افراد
جامعه بشری از بیماری و نا توانی جسمی رنج میبرند .
در این مورد دیگر گناه از دانش و از دانشمندان نیست ،
بلکه از نواقص مختلف اجتماعی و سیاسی و اقتصادی است

که مانع استفاده کامل از مواهب دانش و از زحمات دانشمندان میشود.

از پیام شاهنشاه بمناسبت تشکیل
کنگره بین المللی پزشکی در تهران
۱۶ شهریور ۱۳۴۷

در سابق ممکن بود که فقر و غنا چندین قرن
در جوار یکدیگر بدون ایجاد تشنج بسر برند و مردم بینوا
و دارنده با هم زندگی کنند، ولی با پیشرفت وسائل
مواصلات نوین و اطلاع مردم بوجود فراوانی در یکسوی
جهان و قحطی و تنگی معیشت در سوی دیگر، ازین پس
وجود چنین وضعی امکان پذیر نیست.

از کتاب مأموریت برای وطنم

امروزه جامعه بشری بطرزی بسیار فاحش بدودسته
پیشرفته و عقب مانده و غنی و فقیر تقسیم شده است، ولی
مسلمانان نه منطقی و نه عادلانه و نه بخصوص منطبق با
مصالح و منافع نهائی خود ملل پیشرفته و غنی است که
بخواهند این وضع همچنان پایدار بماند و بصورت الزامی
بدان دسته از ملل و ممالکی که در شرایط نا مساعد بسر
میبهرند تحمیل گردد.

از کتاب انقلاب سفید

جامعه امروزی جهان دستخوش دگرگونی و تحول عظیمی است که تاکنون از حیث عمق و وسعت در هیچیک از ادوار تاریخ بشر سابقه نداشته است. این تحول ایجاب میکند که بسیاری از اصول و موازینی که جوامع گذشته بر آنها تکیه داشته‌اند، ولی امروزه دیگر با احتیاجات و انتظارات جامعه جدید بشری هم‌آهنگ نیستند، جای خود را به موازین و باصول تازه‌ای بپردازند که بتوانند جوابگوی این انتظارات و احتیاجات باشند.

از کتاب انقلاب سفید

امروزه همه جوامع جهان چون حلقه‌های زنجیری یکدیگر پیوسته‌اند. بنا براین در دنیای کنونی دیگر نمیتوان به تحقق اصلاحات اساسی و اجتماعی در یک نقطه از جهان توجه داشت بی‌آنکه ارتباط طبیعی و جبری این تحول با آنچه در سایر نقاط جهان میگذرد در نظر گرفته شود.

از کتاب انقلاب سفید

برای رفع تضادها و بحرانهای امروز جهان توسل به زور و قدرت مادی تقریباً هیچ مشکلی را حل نمیکند. بنا براین میباید در این موارد راه‌های منطقی‌تری بر اساس درک ماهیت و علل واقعی این تضادها و حل واقع

بینانه و در عین حال عمقی و اساسی آنها اتخاذ کرد .

از کتاب انقلاب سفید

امروزه پیروزی واقعی ملت‌ها در قدرت نمائی نظامی و مادی آنها نیست ، بلکه در درجه موفقیت آنها در غلبه بر فقر و جهل و بیسوادى ، غلبه بر بیعدالتیهای قضائی و اجتماعى ، در تعمیم دانش و تأمین سطح زندگى اقتصادى بهتر و رفاه و عدالت اجتماعى زیاده‌ترى برای افراد نهفته است .

در سیر تکاملی جامعه بشرى دیگر دوران ماجر اجوینها و استیلا طلبیهای گذشته به پایان رسیده است ، و تنها میدان مبارزه‌ای که امروزه نیروهای انسانی میباید در آن بکارافتد مبارزه علیه جهل و فقر و گرسنگى و تبعیضات مختلف اجتماعى و اقتصادى و نژادى و نظائر آنها است . جنگ واقعی امروز عالم بشریت ، جهاد انسانها برای از میان بردن تبعیضها و بیعدالتیهای اجتماعى ملی و بین‌المللى است .

از کتاب انقلاب سفید

مسئولان حکومت در کشور های مختلف جهان ، امروزه نه تنها مسئول امور خاص مملکت خود هستند ، بلکه موظفند در عین حال با دیدى جهانى بدین وظایف و مسئولیتها نگاه کنند . واقعیت این است که هر کشور ،

امروزه در عین آنکه یک واحد مستقل سیاسی است جزئی از یک واحد خیلی بزرگتری است که دنیای بشری نام دارد ، و در این واحد بزرگ هر جزء همانقدر که برای خود مستقل است مانند افراد یک خانواده در مقابل همه خانواده وظائف و وابستگیها و تعهداتی دارد .

از کتاب انقلاب سفید

لازمه همزیستی و تفاهم جهانی این است که همه دستگاههای حکومتی خود را با شرائط و مقتضیات اجتناب ناپذیر عصر جدید تطبیق دهند . مشکل اساسی عصر حاضر در واقع فهم مسائل تازه نیست ، بلکه گریز از افکار و سنتهای ناصحیح گذشته است .

از کتاب انقلاب سفید

تقریباً هیچیک از حوادث و ناراحتیهای بین‌المللی خود بخود موردی منفرد و مستقل نیست ، بلکه همه آنها مانند حلقه های زنجیری بیکدیگر مربوط است . ماوقع فاجعه های بزرگ را بچشم بینینیم و شاید اصطکاکهای دیگری را که ناشدتی کمتر در نقاط مختلف جهان صورت میگیرد بهمین وضوح ستوجه نباشیم ، ولی همه این برخوردها ، چه مرئی و چه نامرئی ، زاده علتها و معلولهای هستند که غالب آنها نه تنها جنبه محلی بلکه جنبه جهانی دارند ، و علت آنکه آرام کردن یک وضع متشنج در یک نقطه

از جهان تأثیر قاطعی در رفع کلی تشنجات جهانی نمیبخشد، همین است که از این راه در رفع ماهیت واقعی بیماری اقدامی نمیشود، بلکه فقط بتسکین عوارض ظاهری آن اقدام میشود.

از کتاب انقلاب سفید

ما بعنوان اصلی قطعی پذیرفته‌ایم که راه تأمین مصالح واقعی کشورمان همزیستی و همکاری صمیمانه با همه کشورها و ملل جهان بر اساس حفظ حاکمیت ملی ما و آنها است. ما پذیرفته‌ایم که صلح و تفاهم بین‌المللی شرط حیاتی و لازم برای پیشرفت اجتماع ما و هر اجتماع دیگر جهان است.

هر قدر این همکاری زودتر و بهتر و بر اساس حسن تفاهم کاملتری عملی شود، جامعه بشری و در درجه اول خود کشورهای متمدنی و مرفه از آن بیشتر استفاده خواهند برد، زیرا تحول انسانی بسوی تعدیل تبعیضات و اختلافات و یکدست شدن این جامعه امری است که خواه ناخواه بموجب اقتضا و الزام تاریخ عملی خواهد شد، و تجربه بارها بما نشان داده است که اگر خود با استقبال یک امر محتوم رویم، نتایجی بسیار بهتر و با قبول خطری بسیاری کمتر بدست خواهیم آورد تا اینکه بگذاریم حوادث بر ما پیشی گیرند.

از کتاب انقلاب سفید

آتش

اقبر باید دارای خصائل سه گانه باشد : فرمانده ،

پدر ، مربی .

فرمانده ، یعنی کسیکه واحد مربوط خود را در دست داشته و قلوب زیر دستانرا جلب کند و طوری آنها را عادت بدهد که یک نگاه نند آنها را متأثر و بیخطای خود متوجه کند . پدر ، یعنی کسیکه با نصایح خوب زیردستان را براه راست راهنمایی کند و درستی و شرافتمندی و خدمت بمردم را به آنها تلقین نماید .

مربی ، یعنی کسیکه تعلیمات نظامی و اخلاقی را تا سر حد کمال بآنها بیاموزد . مخصوصاً موقعیکه جوانان این کشور بنام سرباز زیر دست شما میآیند باید از کلیه این خصائص برخوردار بشوند تا پایه ارتش آینده ما روی این اساس استوار باشد .

از سخنان شاهنشاه خطاب با افسران

ارتش شاهنشاهی - ۵ آبان ۱۳۲۰

سربازی یعنی فداکاری ، و معنی دیگری ندارد .
 فداکاری در راه میهن و وظیفه و بزرگترین افتخار سرباز است .
 افراد این مملکت و از بین آنها افرادی که حرفه سربازی را
 انتخاب میکنند از اول تصمیم بفداکاری گرفته اند .
 گوا اینکه در سالک دنیا از فداکاری در راه وطن همه افراد
 یکسان سهم میبرند و خطرات بطور مشابه متوجه همه است ،
 ولی امتیاز افسران و سربازان اینست که خونها را در جبهه
 میریزند ، در صورتیکه افراد کشوری سرکار و در کارخانه ها
 و پشت گاواهن و در مزارع فداکاری را ابراز میدارند .
 از سخنان شاهنشاه در جشن
 دانشکده افسری - ۳ مهر ۱۳۲۳

معلوماتی که در دانشگاه جنگ کسب میشود باید
 قطعاً با آخرین آزمایشها و اطلاعاتی که در دنیا بدست
 آمده تطبیق کند . اما چیز دیگری که علاوه بر اطلاعات
 و معلومات لازم است اصل ایمان و روح فداکاری است که
 باید بسرحد کمال برسد . چه بسا شکستهای نظامی که
 در نتیجه استقامت و پایداری و قدرت روحی و قبول نکردن
 شکست جبران شده است !

از سخنان شاهنشاه در دانشگاه
 جنگ - ۶ مهر ۱۳۲۸

ارتش ما باید بکوشد که از نظر معلومات علمی

و عملی همراه با پیشرفته ترین ارتشهای دنیا به پیش برود .
 البته اسلحه و مهمات را خیلی سریع میتوان بدست آورد ،
 اما هیچ سلاحی بدرد نمیخورد مگر وقتی که بتوان حداکثر
 از آن استفاده کرد . چون عاملی که برای سرافرازی ارتش
 بیش از همه مؤثر است قدرت میهن پرستی افسران است ،
 توصیه میکنم که از این عامل حداکثر استفاده بشود .

از سخنان شاهنشاه در جشن
 فارغ التحصیلی دانشگاه جنگ
 -۹ مرداد ۱۳۳۵

امروز هر فرد ارتشی باید در شغل خویش و در
 وظیفه‌ای که انجام میدهد تبحر و قابلیت خاص داشته
 باشد . ارتشهای امروز دنیا روز بروز فنی تر و کارشان از
 لحاظ وظیفه غامض تر و مشکلتر میشود . بدین جهت
 کادرهایی که ما به آنها احتیاج داریم باید حتماً کادرهای
 نخبه و فنی و برجسته باشند . البته این راهم نباید فراموش
 کنیم که وجود یک ارتش سالم و قوی فقط موقعی امکان
 دارد که برپایه اقتصاد سالم و قوی در مملکت استوار باشد .

از سخنان شاهنشاه خطاب به
 افسران فارغ التحصیل دوره
 فرماندهی و ستاد کوتاه - ۱۰ اسفند
 ۱۳۳۹

ارتش ایران در هر حدود و در هر مقدار و بقیاسی

که باشد باید از لحاظ روحیه ، از لحاظ صحت عمل ،
از لحاظ شرافت ، از لحاظ وطن پرستی ، از لحاظ علم و تخصص
در فن خود چنان باشد که از آن عالی تر و بهتر در هیچ
جائی پیدا نشود .

از سخنان شاهنشاه در مراسم اعطای
گواهینامه فارغ التحصیلان
دانشکده ستاد مشترک و فرماندهی
عالی - ۴ شهریور ۱۳۴۱

خوشوقتم که سی وینم هر روز بر تعداد افراد
تحصیل کرده ارتش ما افزوده میشود ، و اصولاً طرز فکر
و طرز برخورد آنها با مشکلات بکلی با گذشته فرق کرده
و شخصیت نظامی و فردی پیدا کرده اند که خود یکی از
بالاترین هدفها است . ما این شخصیت فردی و علمی
و نظامی را باید روز بروز تقویت کنیم ، و این وضع موقعی
بعداً کثر تجلی خود خواهد رسید که اساس دستگاه ارتش
برپا کدามنی و وظیفه شناسی و لیاقت و از نظر اداری پرمبنای
بینظری و بیطرفی نسبت به همه باشد .

از سخنان شاهنشاه در باشگاه
افسران تبریز - ۱۳ بهر ۱۳۴۱

آرزوی ما ، دعای ما ، اینست که همیشه صالح
بر جهان حکمفرما باشد و در این راه اقداماتی بشود که اصل
خطر از بین برود و ملل بتوانند با روح برادری بسر برند ،

و اگر رقابتی با هم دارند این رقابت در راه مسالمت آمیز باشد ، در راه خلاقه باشد ، در راه آبادانی باشد . ولی تا آن روز گمان میکنم برای ممالک آزاد هیچ خطری بالاتر از آن نیست که ملتی آماده دفاع نباشد ، برای اینکه این خود یک نوع دعوتی است به تجاوز ، و این دعوت را ما بدست خودمان نخواهیم نوشت .

از سخنان شاهنشاه در باشگاه
افسران تبریز - ۱۳ مهر ۱۳۴۱

سلاحی که ما برای دفاع از مملکت تهیه میکنیم و تأکیدی که هر دفعه در امر فرا گرفتن فنون نظامی بشما میکنیم هیچوقت برای تجاوز و دستبرد بکسی نخواهد بود . خوشبختانه ما احتیاجی باین قبیل سیاستهای ماجراجویانه نداریم . اگر هم این مملکت مملکت فقیری بود باز اخلاق ایرانی و فرهنگ ایرانی با و اجازه تخطی و تجاوز نمیداد . ما هیچوقت قوای مملکت را برای انضمام سرزمینی به وطن خود وارد عمل نخواهیم کرد ، ولی در عین حال . میل داریم همه بدانند این سرزمین باستانی که سه هزار سال تاریخ مدون دارد سرزمینی نیست که بشود با آن شوخی کرد و نسبت بآن جسارت ورزید .

از سخنان شاهنشاه در جشن
فارغ التحصیلی دوره پنجم
دانشکده فرماندهی عالی و ستاد
مشترک - ۳ مهر ۱۳۴۵

سرباز ایرانی امروز از هدفی دفاع میکند که عالی

وانسانی و افتخار آمیز است. علاوه بر انجام وظیفه ملی ،
یک سرباز ایرانی افتخار آنرا دارد که این انجام وظیفه
توأم با خدمت در راه صحیح و راه پرافتخار و شرافتمندانه است .
از سخنان شاهنشاه در ستاد
نیروی دریائی - ۱۱ اسفند ۱۳۴۰

بتناسب سایر پیشرفتهای مملکتی نیروی دریائی
ایران نیز دوباره زنده میشود. نیروی دریائی که ما بنا
میکنیم برای ابراز قدرت و بمنظور گردش و دریا نوردی
بیهوده و برای تجاوز و تخطی بدیگران نیست ؛ نیروی
دریائی ایران حافظ سرحدات این مملکت است ، حافظ
منافع حقه کشور و حافظ شرافت و انسانیت و تمدن است ،
و چون منافع ایران و سرحدات ایران و اساسی که ما از آن
دفاع میکنیم قابل توجه و اهمیت میباشد نیروی دریائی
ایران نیز بهمان نسبت قادر و مجهز خواهد شد .

از سخنان شاهنشاه در ستاد نیروی
دریائی - ۱۱ اسفند ۱۳۴۰

تقویت و آبادگی نظامی ما باید حتماً توأم
با ازدیاد معلومات نظامی و حس شجاعت و شهامت و جرئت
باشد. وقتی ما این نوع آبادگی روحی را با آبادگی مادی
توأم کنیم آنوقت وظیفه خود را در مقابل تاریخ و هموطنان
خود و ایرانیت انجام داده ایم .

از سخنان شاهنشاه در جشن
دانشکده افسری - ۳ مهر ۱۳۴۶

دادگستری

نباید چنین پنداشت که عدالت تنها وظیفه صاحبان حکم است ، بلکه باید متوجه بود که هر فردی از افراد در زندگانی اجتماعی مکلف به رعایت عدالت است ، زیرا اگر کسی انحراف از عدالت را روا دارد و ظلم نسبت به دیگری را جایز شمارد ، دلیلی نیست بر اینکه دیگری هم نسبت با و از این روش خودداری کند .

از پیام نوروزی شاهنشاه - اول
فروردین ۱۳۲۱

انتظار ما از دستگاه دادگستری اینست که بدون نظر و غرض وظیفه خود را انجام دهد و به تشبثات اشخاصیکه گرفتار دستگاه عدالت شده‌اند وقعی نگذارد . اگر دادگستری ما بوظایف خود عمل کند همه کارهای مملکت بخوبی اصلاح خواهد شد ، و حتی میتواند

طرز تفکر و طرز رفتار مردم را عوض نماید . ما بهمان اندازه که نسبت به مجازات گناهکاران تأکید میکنیم این عقیده را هم داریم که تا گناه کسی ثابت نشده باشد او را مقصر شماریم . متأسفانه در کشور ما قضیه بر عکس است . شاید علت این است که خیلی از گناهکاران از مجازات فرار کرده‌اند . باید دستگاه قضائی سعی کند که کارها را کاملتر و منزه‌تر انجام دهد و گناهکاران را در هر مقامی که باشند بکیفر برساند . البته دستگاه قضائی هیچ مملکتی بی نقص نیست ، ولی ما باید این طرز فکر را رواج دهیم و این اصل را قبول نمائیم که هیچکس گناهکار نیست مگر وقتی که گناه او در مراجع صلاحیت دار ثابت شده باشد ، و عکس قضیه را از قاموس قضائی حذف نمائیم .

از سخنان شاهنشاه در جلسه

هیئت دولت - ۱۵ شهریور ۱۳۳۸

هم نیت باطنی من و هم پیشرفت امور در مملکت مستلزم وجود دستگاه قضائی مقتدری است که در برابر آن هر فردی در هر مقام و موقعیت اجتماعی از نظر قانون مساوی باشد . پیشرفت کارهای ما و تحقق آرزوها و نقشه‌هایی که من برای این مملکت دارم منوط به طرز کار این دستگاه است .

از سخنان شاهنشاه در سلام

نوروزی - اول فروردین ۱۳۴۰

در ایران مترقی و آبادی که همه آرزوی آن را داریم وظیفه و کار دستگاه قضائی ما یکی از ارکان مهم خواهد بود . دستگاه دادگستری ما باید دستگاهی باشد که غنی و فقیر و زورمند و ضعیف بطور یکسان باخاطری آکنده از اطمینان بآن رجوع کنند، و سازمان عدالت ما بدون نظر و واهمه و باک فقط با در نظر گرفتن وجدان و قضاوت صحیح و بر اساس قوانین صحیح بوظایف خود عمل کند .

از سخنان شاهنشاه در سلام چهارم

آبان - ۴ آبان ۱۳۴۰

من همواره بدین حقیقت ایمان داشته‌ام که هیچ جامعه‌ای دوام و قوام نخواهد داشت مگر آنکه بر دو اصل عدالت اجتماعی و عدالت قضائی تکیه داشته باشد . ممکن است در کشوری برای مدت کوتاهی سران و زمامداران بزرگ ملی بانجام کارهای بزرگ و با عظمتی از لحاظ ساختمانی و صنعتی و اجتماعی موفق گردند ، ولی این کارها موقعی میتواند دوام داشته باشد و با رفتن این اشخاص از میان نرود که بنیان جامعه بر اساس عدل و انصاف استوار باشد .

از بیانات شاهنشاه در سلام عید

غدیر - ۲ خرداد ۱۳۴۱

اقدامات پلیسی ممکن است عوامل مخرب

و اخلاک‌گر را موقتاً مدت یکماه یا یکسال و یا چند سال
محدود کند ، ولی فقط وجود عدالت میتواند اساس حقیقی
رفع مفاسد باشد .

هیچ مقرراتی ، هیچ تشکیلاتی ، هیچ اساسی بر مبنای
ظلم و بیعدالتی قابل دوام نیست .

از کتاب مأموریت برای وطنم

قانون و عدالت بهر صورتی که این دو کلمه در
ادوار مختلف معنی داشته اند اساس قوام هر حکومت
و هر اجتماعی در هر عصر و زمان بوده است ، زیرا بهر حال
هیچ اجتماعی نمیتواند بدون داشتن قوانینی معین و لازم‌الاجرا
زندگی کند .

از کتاب انقلاب سفید

ما با اجرای نهمین اصل انقلاب ایران کوشیدیم
تا در درجه اول طبقه روستائی و کشاورز کشور را باندازه
هر طبقه دیگری از نعمت عدالت بهره‌مند سازیم ، و برای
این کار از منطقی‌ترین راهها اقدام کردیم ، یعنی بجای
اینکه روستائی را برای احقاق حق خودش بشهرها و احیاناً
به پایتخت بکشانیم عدالت را بنزد او و در روستای او بردیم .
از کتاب انقلاب سفید

انقلاب نفید

ما در این منطقه از دنیا بخواست خداوند و با همت
مردم ایران چنان مملکتی خواهیم ساخت که از هر جهت
بایشرفته ترین ممالک جهان برابری کند. مملکتی خواهیم
ساخت که کشور آزادگان و سرزمین آزاد مردان و آزاد
زنان باشد، و در آن نبوغ ایرانی بتواند در محیطی بارور
و منزه و دور از فساد قدرت و خلافت جاودانی خویش را
که راز بقای این ملک و ملت است بهتر و بیشتر از هر وقت
دیگر جلوه گر سازد.

از پیام شاهنشاه به ملت ایران
پس از تصویب لوایح ششگانه
ششم بهمن - ۸ بهمن ۱۳۴۱

در جامعه‌ای که اکنون در کشور ما پی ریزی شده
است نه تنها جایی برای یأس و فساد و تخریب نیست،

بلکه برای سستی وضع و طفره از انجام وظیفه نیز جائی نیست .

اجتماع ایران فرداً صرفاً براساس عدالت اجتماعی،
تقسیم و توزیع عادلانه ثروتها، کار و کوشش شرافتمندانه،
بهره برداری هر کس از زندگی به تناسب کار و سرمایه،
بر اساس موازین قانونی و با تأمین حداقل زندگانی برای
عموم متکی خواهد بود، و جامعه خوشبختی که دورنمای
آن را از هم اکنون با وضوح می بینیم بر همین پایه استقرار
خواهد یافت.

از پیام نوروزی شاهنشاه - اول
فروردین ۱۳۴۲

اصلاحات کنونی ایران که مورد حمایت کامل
مردم این کشور است، اجتماعی از یکسلسله آزاد بوجود
میاورد. ما اکنون به آینده ای چشم دوخته ایم که در آن
عالیترین ایده آنها و بهترین ارزشها حکمفرما خواهد بود.

از سخنان شاهنشاه بمناسبت
دریافت دکترای افتخاری از
دانشگاه امریکائی واشنگتن -
۱۷ خرداد ۱۳۴۲

یک جامعه را عموم طبقات آن تشکیل میدهند،
یعنی از عالیترین استادان گرفته تا نجار و سیم کش

و زارع و کارگر. نه این بدون آن میتواند زندگی بکند
و نه آن استاد عالیمقام دانشگاه میتواند بدون کمک سایر
طبقات دیگر زندگیش را ادامه بدهد، و در غیر اینصورت
یک جامعه ناقص قابل دوام نیست.

از سخنان شاهنشاه در دانشگاه
پهلوی شیراز، خطاب به
دانشجویان دانشگاه - ه دی

۱۳۴۱

امروز در مملکت ایران هیچ منفعتی غیر از منفعت
اکثریت این مملکت مورد نظر نیست. هر قانونی که وضع
شده است برای تأمین منافع اکثریت است. در قبال تأمین
منافع اکثریت اقلیتها نیز میتوانند کاملاً از قوانین عادلانه
ما برخوردار باشند.

امروز دیگر امتیاز طبقاتی در این مملکت وجود
ندارد و از لحاظ قانون همه مساوی هستند. از لحاظ حیثیت
و شرافت ذاتی نیز همه مساوی هستند.

از سخنان شاهنشاه در جشن روز
دهقان - اول مهر ۱۳۴۳

ما در این عصر شاهد پیدایش افکار سیاسی مختلفی
بوده‌ایم و عبارت دیگر «ایسم» های مختلفی نظیر فاشیسم،
نازیسم، کمونیسم و غیره دیده‌ایم.

این افکار مختلف در عمل وسیله حکومت مطلقه صاحبان آنها شده است تا بر سایرین مسلط گردند. ولی راهی که ما در ایران انتخاب کرده و در پیش گرفته ایم راهی است طبیعی و حقیقی بر اساس تأمین منافع افراد و بر اساس حقی که خداوند بما داده است.

ما در ایران دست باصلاحاتی زده ایم که اولین و بزرگترین هدف آنها تأمین و برقراری عدالت اجتماعی است. برای ما حقیقت تسلط بر دیگران نیست، زیرا عقیده ما این است که خداوند هیچ ملتی را بر تراز ملتهای دیگر نیافریده است.

از سخنان شاهنشاه در پاسخ
خیرمقدم استاندار گوانابار،
در ریودوژانیرو- ۱۶ اردیبهشت
۱۳۴۴

سیاست ما در ایران از «ایسم» های مختلف جدا است. ما فقط به هوش و قدرت فکری خود متکی هستیم و تصمیم داریم بیاری استعداد و هوش و امکانات خود آنچه را که منتهای دیگر در طول سالهای دراز بدست آورده اند در مدتی کوتاه بدست آوریم.

بهمین علت است که ما از همه گونه افکار چه سوسیالیسم باشد و چه کمونیسم استفاده نمیکنیم. ما تمام این افکار را بشرط احترام به آزادیهای فردی قبول نمیکنیم

و معتقدیم که اگر دولتها از « ایسم » ها دست میکشیدند
و هم خود را فقط صرف تأمین سعادت ملت خویش میکردند،
قطعاً به آنچه « سعادت بشر » نامیده میشود زودتر دست
می یافتند .

از سخنان شاهنشاه در مصاحبه
مطبوعاتی در بوئنوس آیرس -
۲۲ اردیبهشت ۱۳۴۴

انقلاب اجتماعی کشور ما با مراعات کامل اصول
دموکراسی و حفظ حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی
انجام میگردد ، و این امری است که مایه مباهات و اطمینان
خاطر ما است . ما چه بر آنر سن دیرینه فرهنگ و تمدن خود
و چه با نظر واقع بینانه نسبت به مقتضیات دنیای کنونی ،
اعتقاد راسخ داریم که پیشرفت واقعی یک اجتماع ولو
آنکه بظاهر بطنی تر صورت گیرد جز با حفظ این حقوق
و آزادیها انجام پذیر نیست ، و هر نوع ترقی دیگری ناپایدار
و غیر اصیل است .

از سخنان شاهنشاه در باشگاه
مطبوعات زنان کانادا - ۳۰
اردیبهشت ۱۳۴۴

فلسفه انقلاب کنونی ایران این است که این
انقلاب مال ملت ایران و برای ملت ایران است و باید
آزادی اجتماعی را براساس دموکراسی اقتصادی و دموکراسی

اجتماعی برای همه افراد این ملت تأمین کند. هیچ دموکراسی که اجتماع آن بر پایه عدالت اجتماعی قرار نداشته باشد دموکراسی واقعی نیست، همچنانکه بالعکس هیچ دموکراسی اقتصادی نیز بدون آزادیهای انسانی قابل دوام نمیشد.

از پیام شاهنشاه بعلمت ایران
بمناسبت سالروز بیست و هشتم
مرداد - ۲۸ مرداد ۱۳۴۴

انقلاب ما خود را در چهار دیواری هیچ سرام
اجنبی محبوس و مقید نکرده است. ما از هر تجربه‌ای در
هر نقطه دنیا که نتایج بهتری داده باشد و با روح ملی
و سنن ایرانی و مقتضیات اقلیمی و طبیعی ما سازگارتر باشد
استفاده میکنیم، و در عین حال بعقل و تدبیر خود نیز
آنقدر انکاء داریم که منافع واقعی مملکت و ملت خویش
و طرق نیل به هدفهای خود را در این راه از هر فرد خارجی با ازر
مرام خارجی بهتر تشخیص بدهیم و ابتداعات مؤثرتری بکنیم.
اجتماع جدید ایران اجتماعی بر اساس عدالت
اجتماعی، بر اساس دموکراسی اقتصادی و سیاسی، بر
اساس وجود افراد آزاد و با سواد و تندرست خواهد بود.
ملت ایران پس از گذشت سه هزار سال تاریخ،
تازه نفس تر و مصمم تر و امیدوار تر از همیشه بجانب مفاخر
ملی اجتماعی خود پیش میرود.

از پیام شاهنشاه بعلمت ایران
بمناسبت سالروز ششم بهمن -
۶ بهمن ۱۳۴۴

ما اسیر هیچ نوع « ایسم » نیستیم ، و هر چه را که در نظر خودمان در دنیا عملی ترومترقیانه ترومنطقی تر باشد منبع الهام خویش قرار میدهیم .

ما معتقدیم که نبوغ ایرانی بما این اجازه وامکان را میدهد که تمام نیازمندیهای خود را بدون الهام گرفتن از دیگران تأمین کنیم ، و بهمین دلیل است که در برخی موارد از کمونیست ها عقب نمانده ایم و درباره ای موارد دیگر بر اساس اصول آزادیخواهانه عمل کرده ایم ، و بهر حال آنچه همواره مورد احترام ما قرار داشته است و قرار خواهد داشت « انسان » و حقوق بشر و آزادیهای فردی است .

از سخنان شاهنشاه در مصاحبه
با تلویزیون سویس - ۷ اسفند

۱۳۴۴

انقلاب سفید ایران که با پشتیبانی مستقیم و قاطع اکثریت عظیم ملت یعنی با عالترین طرز تجلی روح دموکراسی انجام گرفت مشروطیت ایران را بمجرای صحیح و اصیل آن سوق داد ، یعنی بجای آنکه استفاده از مواهب آزادی در انحصار اقلیت محدودی باشد این مواهب را نصیب اکثریت کامل مردم ایران کرد . امروز از برکت دموکراسی اقتصادی و عدالت اجتماعی توده های عظیم مردم که تا دیروز با وجود مشروطیت اسمی از بسیاری از حقوق و مزایای حقه انسانی محروم بودند واقعاً سرنوشت

خود را بدست گرفته و بصورت مردمی آزاد و سربلند درآمدند
که مستقیماً از حاصل کار و کوشش خود بهره‌مند میشوند
و خوب احساس میکنند که اجتماع آنها بدست آنها و برای
خود آنها اداره میشود.

در دنیائی که در بسیاری از نقاط آن بدیهی ترین
اصول دموکراسی پایمال شده است ، برای ملت کهنسال
ما که همواره مشعلدار اصول عالی معنویت بوده است باید
سر بلندی واقعی است که نه تنها توانسته است اساس
دموکراسی سیاسی خود را استوار نگاه دارد ، بلکه آنرا
با کاملترین اصول دموکراسی اقتصادی و دموکراسی
اجتماعی در آمیخته و از این راه بصورت سرمشتی برای
بسیاری از اجتماعات و ملل دیگر درآمده است .

از پیام شاهنشاه بمناسبت جشن
مشروطیت ایران - ۱۴ مرداد

۱۳۴۵

برای کشور ما که اکنون دوران تازه‌ای را در
تاریخ کهن خویش بر اساس اصول انقلاب اجتماعی ایران
آغاز کرده است تأیید اصول حقوق بشری اتری طبیعی
است ، زیرا انقلاب ایران اصولاً بر پایه روح و مفهوم واقعی
همین حقوق بی ریزی شده است .

اساس این انقلاب این است که حقوق بشری باید
نه تنها از جنبه سیاسی بلکه از جنبه اجتماعی آن نیز در جامعه

ایرانی استقرار کامل یابد، زیرا چنانکه بارها تذکر داده‌ایم حقوق سیاسی بدون عدالت اجتماعی و دموکراسی سیاسی بدون دموکراسی اقتصادی کافی برای تأمین حقوق واقعی افراد یک اجتماع نیست، و فقط تحقق مشترک این اصول است که میتواند حقوق بشر را بمفهوم اصیل و واقعی آن در جامعه ای مستقر سازد. در عین حال از نظر ما و به مقتضای روح انقلاب ما تحقق این اصول تنها در یک کشور یا در کشورهای معینی از جهان کافی نیست، زیرا امروز جوامع مختلف انسانی بقدری شریک سر نوشت یکدیگر شده‌اند که با مال شدن تمام یا قسمتی از این حقوق در هر اجتماعی در وضع جوامع دیگر جهان نیز اثر میبخشد، و فقط وقتی میتوان این حقوق را واقعاً تحقق یافته دانست که در همه جامعه انسانی مورد احترام و رعایت قرار گرفته باشد.

از پیام شاهنشاه بمناسبت
سالروز صدور اعلامیه جهانی
حقوق بشر - ۱۸ آذر ۱۳۴۵

ما برای تأیید و پشتیبانی از صاحب و شخصیت فردی و سعادت و آسایش بشری در کشور خویش انقلاب عمیقی بوجود آوردیم، و این انقلاب انقلابی بدون خونریزی بود. ما در دفاع از تساوی ابناء بشر کوشا هستیم و روحیه ما هیچوقت در جستجوی بی‌شرفی عدالت اجتماعی و بهبود

وضع زندگی مردم کشوربان جنبه محافظه کاری نخواهد داشت. ما در این زمینه همیشه طرفدار روشهای بنیانی خواهیم بود.

ازسخنان شاهنشاه در پاسخ بیانات
معاون ریاست جمهوری ایالات
متحده آمریکا - ۳ شهریور ۱۳۴۶

کمال مطلوب ما اینست که زندگانی جدیدی برای عموم خانواده های ایرانی تأمین شود که از هر حیث باشنود اجتماعی ملت ایران، با آن روح و مفهوم عالی که ما برای حیثیت و شایستگی ایرانی قائل هستیم، و با امکانات ثروت خدا داد این مملکت و نیروی کامل کار افراد آن تناسب داشته باشد. برای نیل بدین هدف میباید تمام نیروها و امکانات مادی و معنوی اجتماع ما با همان روح تحرك و جهش انقلابی که لازمه اصلی تحقق چنین هدفی است بکار افتد و هیچ قسمت از استعدادها درین مورد بیحاصل نماند. میباید تحول و جهشی اساسی در امر آموزش به جوانان ایرانی امکان آن بدهد که استعداد های مختلف آنان در هر رشته ای با بهترین صورت به تجلی در آیند و روح سازندگی و حس ابتکار و نو سازی و همکاری اجتماعی پرورش بسیار کاملتری یابد.

هدف اساسی از تحول آموزشی میباید این باشد که شخصیت جوانان ما و حس اعتماد بنفس ایشان از هر

جهت تقویت شود تا افرادی که در آینده سر نوشت کشور را بدست خواهند گرفت برای قبول مسئولیتهای خود واقعاً آماده و مجهز باشند . اصولاً جامعه ما برای اینکه سیر پیشرفت خود را بصورتی اصیل و همه جانبه دنبال کند می باید بطور دائم خودش را با مقتضیات این پیشرفت و تکامل تطبیق دهد ، بطوریکه همیشه از این لحاظ با متری ترین جوامع جهان همگام باشد ، وجه بهتر که حتی بتواند در این راه از دیگران نیز جلوتر رود .

از نطق شاهنشاه، هنگام گشایش
بیست و دومین دوره قانونگزاری
مجلس شورای ملی و پنجمین
دوره قانونگزاری مجلس سنا -
۱۴ مهر ۱۳۴۶

نهضت ما یک نهضت کاملاً ایرانی است که از هیچ چیز بجز نبوغ ایرانی و فکر ایرانی الهام نگرفته است . ما نهضتی را بمنظور ترقی مادی و معنوی کشور و ملت خویش آغاز کردیم که صد در صد منطبق با روح ایرانی و با مقتضیات و شرایط اجتماعی و اقلیمی مملکت خودمان بود . در این تحول از تجارب سایر جوامع جهان استفاده کردیم و میکنیم ، ولی در هیچ مورد خویش را در چهارچوب اصول و مقررات انعطاف ناپذیری که باطرز فکر و احتیاجات روحی و مادی ما تطبیق نمیکرد مقید نساخته ایم . اگر امروز انقلاب ما

مورد احترام و ستایش جهانیان است بهمین جهت است که اصالت آن کاسلا هویدا است.

از پیام شاهنشاه یکتای ایران
بمناسبت سالروز ششم بهمن -
۶ بهمن ۱۳۴۶

اصلی که ما در کشور خویش آنرا بصورت یک واقعیت پذیرفته ایم ، این است که با پیشرفت عظیم علم و صنعت و با اکتشافات و اختراعات بیشمار ، و با دورنمای قدرت روز افزون تکنولوژی و تأثیر آن در جامعه بشری ، دیگر بسیاری از افکار و اصول سیاسی و « ایسم » های گوناگونی که در گذشته بعنوان جاودانی و تغییر ناپذیر بما عرضه شده اند کهنه شده و جایگزینی نیازمندیهای اسروزی جامعه بشری نیستند .

از نطق شاهنشاه بمناسبت دریافت
دکترای افتخاری دانشگاه
هاروارد - ۲۳ خرداد ۱۳۴۷

انقلاب ما یک انقلاب تحمیلی یا دستوری نیست . انقلابی است که اساس آن همکاری آزادانه همه افراد براساس درک مفهوم واقعی آن است . لازمه تحقق کاسل اصول این انقلاب این است که همه افراد کشور هرچه بیشتر و کاملتر و عمیقتر با آن آشنائی یابند و آزادانه و صرفاً از روی اعتقاد و ایمان در تعمیم و اجرای این اصولی که شدن آن فقط

تأمین منافع واقعی خود آنها است شرکت جویند .
انقلاب ما در درجه اول یک انقلاب بشری و انسانی
است که بخصوص بر اساس تأمین حقوق توده های محروم
تکیه دارد . چنین انقلابی طبعاً میباید از هر گونه خودخواهی
و تنگ نظری بدور باشد و پیشرفت خردیش را نه تنها
در چهار چوب منافع ملی خود بلکه در پیشرفت همه جامعه
انسانی خواستار شود .

از کتاب انقلاب سفید

ما انقلاب اجتماعی ایران را بصورت یک کالای
وارداتی تحویل ملت نداده ایم ، زیرا اصولاً شأن ملت ما
که خود در طول هزاران سال خلاق فکر و فلسفه و منطق
بوده است این نیست که در این مورد « جامه عاریت »
دیگران را بر تن کند . ما راههایی بر اساس نبوغ ایرانی
و با در نظر گرفتن تمام اصول ذکر شده اتخاذ کرده ایم
که طبعاً در آنها از تجارب سفید دیگران استفاده شده است ،
ولی بخصوص هر قسمت از آن که لازم بوده ابداع خود ما است .
ما معتقدیم که دیگر دوران اصول مراسمی خشک
و انعطاف ناپذیر گذشته سپری شده و بسیاری از مراسمها
بدان صورتی که در اصل عرضه شده اند نمیتوانند جوابگوی
احتیاجات جامعه ای باشند که پیوسته در حال تحول است ،
و طبعاً به همین جهت است که عملاً شاهد تغییر و تحول
تدریجی این مراسمها هستیم .

آنچه امروزه جامعه بشری بدان نیازمند است پیروی از اصولی است که نه متکی بر کینه توزی و حقد و آزدشمنی باشد و نه استثمار و حفظ منافع یک عده را بریان عده دیگر موجب شود. بشریت امروز بیش از هر وقت دیگر احتیاج به تفاهم، بدوستی و محبت، به عشق به همنوع دارد. رهبران واقعی سیاسی یا معنوی هیچ اجتماعی حق ندارند جوامع انسانی را بدریدن یکدیگر و به از میان بردن و نابود کردن همنوعان خود تشویق کنند، بلکه سیاید بدانان راه همزیستی و همکاری را بیاموزند. باید تحولاتی را بوجود آورند و تسهیل کنند که نتیجه آنها استقرار دوستی بیشتر و صحیحتر میان همه افراد و جوامع باشد، تا در برتو آن تمام اجزاء خانواده بزرگ بشری با کمک یکدیگر کاروان تمدن انسانی را بسوی ترقی و تعالی همه جانبه پیش ببرند.

از کتاب انقلاب سفید

انقلاب ما از قشرها و صفوف جامعه ایرانی، واحدی یکپارچه بوجود آورد. انقلاب ایران باعث شد که نه تنها دولت و دستگاه حکومتی بمردم تحمیل نشود، بلکه بالعکس مستقیماً از خود مردم منبعث گردد و خویش را بطور کامل در اختیار حقوق و منافع حقه آنان قرار دهد. از کتاب انقلاب سفید

آن نظم اجتماعی که در طول قرون متمادی برقرار شده بود ، و در آن وجود امتیازات و تبعیضهای طبقاتی امری کما بیش طبیعی شمرده میشد ، با پیشرفت آموزش و رشد فکری اجتماعی و صنعتی افراد امروزه دیگر بهیچوجه قابل قبول نیست.

از کتاب انقلاب سفید

افزایش ثروت ملی نباید مفهوم افزایش ثروت اشخاص و طبقات معینی را دارد داشته باشد، بلکه باید مفهوم افزایش درآمد سرانه کلیه افراد ملت را متناسب با ارزش کار و با سرمایه هریک از آنها در حدود قوانین اجتماعی مملکت داشته باشد.

از کتاب انقلاب سفید

با استفاده از امکانات خدا داد این مملکت و با بهره برداری از تروتهای طبیعی و فراوان آن البته میشود با اصطلاح پول هنکمتی بدست آورد و با این پول احیاناً راههای درجه یک ساخت و سدهای عظیم بنا کرد و ساختمانهای رفیع و بسیار زیبا ایجاد نمود. ولی از این ساختمانها و سدها و راهها و امثال آن ، چه کسانی میبایست استفاده بکنند ، و چند نفر میبایست استفاده بکنند ؟ آیا میبایست از این راه فقط مالکینی که ثروتمند بودند ثروتمند تر بشوند ؟ آیا میبایست عده معدودی که بنام هیئت حاکمه مملکت

همه منابع و ثروتها را در دست خود تمرکز داده بودند
متنمتر و قویتر شوند ؟

بدیهی است اگر میبایست تمام فعالیتها و همه
بهره برداریها از منابع طبیعی و انسانی مملکت فقط باین
نتیجه برسد ، این کار هیچ نفعی برای ملت واقعی ایران
در برداشت و در واقع کوشش بیهوده و حتی ظالمانه‌ای
بود .

از کتاب انقلاب سفید

در پی ریزی اجتماع جدید ایرانی عوامل اقتصادی
با عوامل اجتماعی دوش بدوش یکدیگر پیش میروند
تا نتایج حاصله از پیشرفت صنعتی کشور نه افراد و طبقات
معین بلکه همه افراد و همه طبقات ملت را شامل گردد .
از کتاب انقلاب سفید

مالکیت خصوصی بر جنگلها نه فقط امری غیر
منطقی و خلاف تعلیمات عالیه اسلامی است ، بلکه باسوابق
عملی تاریخ اسلامی نیز مباینت دارد .

انقلاب اجتماعی ما بر این اصل متکی است که
هر کس فقط در مقابل کاری که میکنند از تلاش و کوشش
خویش بهره ببرد ، ولی در ایجاد جنگل هیچکس زحمتی
نکشیده است تا حق چنین بهره برداری را داشته باشد .

جنگل ثروتی است خدا داده که کسی در رشد و نمو آن
زحمتی نکشیده و آنرا فقط طبیعت بوجود آورده است. بنابر
این کاملاً منطقی است که آن چیزیکه طبیعت برای یک
کشور بوجود آورده متعلق بهعموم افراد آن کشور باشد.

از کتاب انقلاب سفید

هر فرد ایرانی حق دارد تا حد نیازمندیهای واقعی
و معقول خود برای مصارف خانگی یا کشاورزی یا صنعتی
از آبهای مملکت استفاده کند، ولی این حق قابل تملک
نیست و هیچکس حق ندارد قسمتی از این ثروت ملی را عمداً
یا سهواً تلف کند، یا آنرا بصورت غیرقابل استفاده درآورد، یا از
راه احتکار وسیله معاملات بازرگانی و تحصیل سود قرار دهد.

از کتاب انقلاب سفید

کار نوسازی کشور فقط وقتی واقعاً نتیجه بخش
میتواند باشد که از کوچکترین واحدهای اجتماعی آغاز شود.

از کتاب انقلاب سفید

سپاهیان انقلاب ما با خود عشق و امید و شادی
بروستاهای ایران همراه برده‌اند، و شاید چهره واقعی
انقلاب ایران را بهتر از آنچه ایشان نشان داده اند تمیشت
نشان داد.

از کتاب انقلاب سفید

دیگر سیاست کشور ما و سرنوشت کشور ما در
اطاقهای در بسته با بند و بست چند متنفذ و کارگردان
تعیین نمیشود و طبعاً بهمین دلیل نیز دیگر به خارجی در صورت
داشتن اغراض و مطامع خصوصی اجازه و امکان آن داده
نمیشود که برای اعمال این اغراض عمال آشکارا یا پنهانی
خویش را در کشور ما تجهیز کند.

از کتاب انقلاب سفید

آموزش و پرورش

آنچه از مراکز علمی و آموزشی زینده و برازنده است
 تنها علم و فن و صنعت و هنر و ادب نیست ، بلکه در عین حال
 اتصاف بفضائل معنوی و مکارم اخلاقی است . اگر از
 دانشگاه هر سال عده‌ای دانشمند عالیقدر و هنرمند چیره
 دست بیرون آیند ولی دارای صفات صداقت و امانت و دیانت
 و وطن دوستی نباشند ، بی شک اینان افرادی عاطل و باطل
 خواهند بود که بر وجودشان در بهبود کشور سودی مترتب
 نیست . برای مملکتداری و کشورمداری علم و معرفت
 لازم است ولی کافی نیست ، زیرا شرط اعظم توفیق در این
 راه ایمان و اخلاق و حق پرستی و میهن دوستی است .

از سخنان شاهنشاه در جشن آغاز
 سال تحصیلی دانشگاه تهران ،
 بمناسبت دریافت دکترای افتخاری
 دانشگاه - اول مهر ۱۳۳۵

باید کاری کنیم که جنبش فرهنگی ما با کوششهایی که از این حیث در دیگر ممالک جهان میشود متناسب باشد و عقب افتادگی‌هایی را که از حیث جنبه‌های عملی تعلیم و تربیت در قرن اخیر وجود داشته است بنحو مطلوب جبران کند، و فرهنگ ما را بصورتی درآورد که شایسته گذشته پر عظمت آن و هماهنگ با زندگی کنونی باشد.

از پیام شاهنشاه بمناسبت تشکیل
دومین کنگره فرهنگیان کشور-

۱۲ مرداد ۱۳۳۷

اساس هر تربیت و تعلیم صحیح آنست که جوانان را برای خدمتگزاری بکشور مجهز سازد و آنان درس میهن پرستی و وظیفه شناسی بیاموزد، ملکات فاضله را در آنها بیوراند و نسل جوان را طوری تربیت کند که در راه سربلندی و مجد و عظمت ایران عزیز از هیچگونه فداکاری کوتاهی نکنند و هر خدمتی را که تعهد مینمایند با ایمان پاک و عشق باب و خاك میهن عزیز با کمال صمیمیت انجام دهند.

از پیام شاهنشاه بمناسبت پایان
اولین دوره دانشکده ادبیات

شیراز - ۲۶ مهر ۱۳۳۷

جوانان مملکت ما باید از معلوماتی که فرا گرفته‌اند هم استفاده کنند و هم به سایرین استفاده برسانند . ما مثل هر کشور دیگر تعدادی کارمند اداری و باصلاح پشت میز نشین لازم داریم ، ولی حدود این عده معین است و معلوم نیست که هر ساله احتیاجات دستگاههای ما از این حیث خیلی زیادتر بشود .

بنابراین همه تحصیل کرده‌های ما نمیتوانند پشت میز نشین باشند ، و باید بکار آزاد بپردازند . برای خودشان کار کنند و آقای خودشان باشند . هدف ما اینست که همه افرادی که تحصیلاتشان را تمام میکنند شخصاً بتوانند در این کشور مرکز فعالیت و کار تولیدی باشند .

از مصاحبه مطبوعاتی شاهنشاه
با روزنامه نگاران ایران - ۶ آذر

۱۳۳۸

اگر در نزد برخی از ملل که هرگز سابقه فرهنگ و مدنیت درخشانی نداشته‌اند بیسوادی و جهل عمومی فقط نقص و عیبی باشد ، برای ملت و کشور ما که روزگاری دراز دانشگاه جهان بوده و از کرانه‌های اقیانوس کبیر تا سواحل اقیانوس اطلس همه ملل و اقوام از سرچشمه علم و معرفت آن سیراب میشده‌اند بقای این وضع گناهی نابخشودنی است ، و هیچ وظیفه‌ای برای دولت و برای

کلیه مردم با سواد این سرزمین حیاتی تر و مقدس تر از این
جهاد با جهل و بیسوادی نیست .

از پیام شاهنشاه بمناسبت آغاز
هفته ملی مبارزه با بیسوادی -
۲۵ شهریور ۱۳۴۰

به همان اندازه‌ای که ما باید علم را تشویق
بکنیم و بخصوص فکر بکنیم که برای ترقی حقیقی باید
صدها و هزارها نفر در این مملکت صرفاً وقتشان را در اطرافها
و در کتابخانه‌ها و در لابراتوارها صرف تحقیق بکنند ،
باید توجه کنیم که وضع فرهنگ ما نباید یک کارخانه
دیپلم‌سازی بیسوادها باشد . صرفاً یک ورقه کاغذ به عنوان
دیپلم داشتن نه هنری است ، نه افتخاری است ، اگر مایه
تحصیلی سست و کم باشد .

از سخنان شاهنشاه در شرفیابی
دانشجویان رتبه اول رشته‌های
مختلف دانشکده‌ها - ۲۸ آذر
۱۳۴۱

این فکری که شاید تا بحال در مغز خیلی از افراد
این مملکت وجود داشت که لازمه تأمین زندگی این است
که یک ورق کاغذ به عنوان دیپلم بدست بیاورد و بعد
خیالش راحت باشد ، فکر مضری است ، زیرا این یک
ورق کاغذ به تنهایی برای تأمین زندگی یک فرد کافی

نیست. دستگاه فرهنگ ما نباید کارخانه دیپلم سازی
بیسوادها باشد، زیرا اگر مایه تحصیلی سست و کم باشد
صرفاً داشتن یک ورقه کاغذ به عنوان دیپلم نه هنری است
و نه افتخاری است.

از سخنان شاهنشاه در شرفیایی
دانشجویان رتبه اول دانشکده‌ها.
۲۸ آذر ۱۳۴۱

تمام اقدامات و اصلاحات ما موقعی حقیقتاً ریشه دار
خواهد بود و دوام خواهد کرد که بر مبنای علمی و بر مبنای
تحقیق استوار باشد، و الا اقداماتی زودگذر و مربوط به فرد
خواهد بود که با خود فرد احیاناً از بین خواهد رفت،
در صورتیکه بالعکس وقتی که در جامعه‌ای اقدامات
مترقیانه توأم با فرهنگ و علم و ادب و هنر ریشه دار
باشد، ترکیب این دو قوام و دوامی بدان جامعه میبخشد
که قرن‌ها طول میکشد تا احیاناً دچار گزند و آسیب شود.

از سخنان شاهنشاه در دانشگاه
پهلوی شیراز - ۵ دی ۱۳۴۱

کسانی باید دنبال تحصیلات عالیه بروند که
قطعاً استعداد ذاتی داشته باشند، ولی ننگ نیست اگر
فردی حتماً در رشته‌ای فارغ التحصیل نشود و دوره
دانشگاه را نبیند. یک جامعه را عموم طبقات آن تشکیل

میدهند ، یعنی از استاد دانشگاه گرفته تا نجار و سیمکش و زارع و کارگر ، زیرا هیچکدام نمیتوانند بدون دیگری زندگی کنند ، و در غیر این صورت چنین جامعه‌ای جامعه ناقصی خواهد بود که قابل دوام نیست . همانطور که خداوند تمام افراد بشر را در موقع خلقت مساوی خلق کرده است ، در هر جامعه‌ای باید برای تمام افراد مملکت همه نوع اسکان پیشرفت موجود باشد .

از سخنان شاهنشاه در دانشگاه
پهلوی شیراز - ۵ دی ۱۳۴۱

دانشجویان ما برای ما عزیزند ، ولی از این پس مملکت ما به هیچکس رشوه بیسوادى نخواهد داد ، و صرفاً این عنوان که من دانشجو هستم و بهر وضعی که ممکن بوده دیپلم گرفته‌ام معنائی نخواهد داشت . برای پیشرفت ، شما باید واقعاً کسب علم کرده باشید .

از سخنان شاهنشاه در شرقیایی
نمایندگان دانشجویان ایرانی
مقیم امریکا ، در کاخ سعدآباد
- ۳۱ شهریور ۱۳۴۳

این نه تنها نقص و عیب است بلکه گناهی است اگر سیستم ما سیستم دیپلم دادن باشد و هر آدم با استعداد و بی استعداد بطور خود کار بعد از دوازده سال ورقه دیپلم بگیرد و بدانشگاه راه یابد و بعد از گرفتن یک ورقه لیسانس

برود و پشت میز بنشیند . چه بسا ممکن است این لیسانسیه فرد غیر مفیدی باشد ، در صورتیکه اگر همین شخص از ابتدا به مؤسسات فنی و حرفه‌ای راه یافته بود ممکن بود فرد مؤثری در اجتماع بشود .

برای ما تمام ایرانیان از لحاظ حقوق یکسانند و هیچکس بر دیگری مزیتی ندارد ، زیرا خداوند همه را یکسان خلق فرموده است . اختلاف افراد فقط در کاری است که انجام می‌دهند و استعدادی که از خود نشان می‌دهند . کسیکه استاد فیزیک است باید مفتخر باشد و مملکت هم بوجود او افتخار میکند ، ولی حقوق چنین کسی در جامعه بعنوان یک فرد ایرانی از یک آبیار شبکه سد مفید رود بیشتر نیست .

از سخنان شاهنشاه در کنفرانس
بررسی مسائل آموزشی در
راسر - ۱۵ مرداد ۱۳۴۷

آنچه امروزه برای ملت ما ضرورت حیاتی دارد این است که افراد کشور هر کدام در فن خود آزروده باشند و در کاری که میکنند خواه کوچک و خواه بزرگ تخصص داشته باشند . عصر ما عصر تخصص حرفه‌ای است ، و جامعه نوین ایران نیز که بر اساس پیشروترین موازین فکری و اجتماعی پی‌ریزی شده جامعه‌ای است که

میباید قبل از هر چیز بر پایه تخصص قرار داشته باشد .

از پیام شاهنشاه بمناسبت سالروز

بیست و هشتم مرداد- ۲۸ مرداد

۱۳۴۷

میخواهم محیط دانشگاههای ما محیط استاد و دانشجو ، محیط بحث و گفتگوی معقول و محیط سالم ایرانی باشد ، زیرا ما هیچ چیز را غیر از محیط ایرانی و لو برای یک ثانیه نمیتوانیم تحمل کنیم . باید با تغییرات دائمی در روش آموزشی ، خود را با آخرین پیشرفتهای علمی تطبیق دهیم باید متوجه این نکته اساسی باشیم که تعلیم و تربیت امروزه یک صنعت شده است ، و ما باید از این صنعت بهره برداری کامل کنیم .

از سخنان شاهنشاه در شرفیابی

رؤسای دانشگاههای کشور -

۱۱ شهریور ۱۳۴۷

علاقه من نسبت به پیشرفتهای علمی و فرهنگی کشور ایران آنقدر شدید است که هر چه در بسط و توسعه و تکمیل آن ذکر کنم مختصری از منویات قلبی من بیش نخواهد بود . در محیط فرهنگی ما جریان تغییر و تحول و پیشرفت سرعت بسیار یافته است و همین سرعت در من

نشاط و عشقی نیرومندتر ایجاد میکند ، زیرا برای من یقین حاصل است که آینده ایران و جوانان ایرانی و تمام مردم این بخش از جهان با پیشرفت و تکامل علمی و فرهنگی پیوسته است .

از کتاب مأموریت برای وطنم

گاهی زبان دانشی که بطور ناقص فرا گرفته شود از فوائد آن بیشتر است ، چنانکه هیتلر علم و دانش را برای تشکیل اردوی زندانیان و دهلیزهای اعدام بمنظور از میان بردن میلیونها نفوس بیگناه از زن و مرد و کودک بکار برد . تربیت و دانشی که اجتماع آنرا بپذیرد نه تنها باید اشخاص را با اطلاعاتی آشنا کند ، بلکه باید اصول حق و حقیقت و رفتار صواب را بجامعه بشری تلقین نماید .

از کتاب مأموریت برای وطنم

در سیستم آموزشی امروز مملکت ما ، میباید جنبه‌های مختلف تعلیم و تربیت خیلی بیشتر جوا بگویی مقتضیات جدید اجتماعی و اقتصادی جامعه ایرانی باشند . میباید به استعداد های مختلف در هر رشته‌ای بابهترین صورت توجه شود و در پرورش آنها اقدام گردد و بدانها امکان بروز و تجلی داده شود . تعلیمات حرفه‌ای توسعه خیلی زیادتری پیدا کند و جنبه تخصصی آموزش بیشتر شود .

روح سازندگی و حس ابتکار و نو سازی و روح همکاری
اجتماعی پرورش بسیار کاملتری یابد. شخصیت جوانان
و حس اعتماد بنفس آنان از هر جهت پرورش پیدا کند و
آنان افرادی بار بیابند که بمسئولیت سنگین خویش در
پیش بردن مادی و معنوی اجتماع از هر جهت واقف باشند
و این مسئولیت را با علاقه و میل استقبال کنند.

از کتاب انقلاب سفید

پیکار با عیسوادی

پیکار مقدسی را که از روز اول دی ماه ۱۳۴۱ در سراسر کشور ما به منظور سرکوبی عفریت جهل و تعمیم سواد در کلیه شهرها و روستاهای ایران با دست جوانان پاکدل این سرزمین آغاز شده است یک جهاد ملی اعلام میدارم ، و از کلیه فرزندان پرشور وطن که پیروزی در این جهاد به عهده همت مردانه ایشان گذاشته شده است انتظار دارم که با توجه به مسئولیت سنگین و پرافتخار خویش فراموش نکنند که از این پس همه آنها سربازانی هستند که در خط اول جبهه می‌جنگند .

از پیام شاهنشاه بمناسبت آغاز
اجرای قانون سپاه دانش - ۳ دی

۱۳۴۱

شاید در تمام تاریخ بشر فرصتی پیش نیامده

باشد که جامعه بشری دست به تلاشی عالیه تر و شرافتمندانه تر و انسانی تر از پیکار جهانی با بیسوادی زده باشد ، و شاید تاکنون اتفاق نیفتاده باشد که سرنوشت جمعی چنین کشیر از افراد انسانی به نتیجه چنین تلاش و مبارزه ای وابسته باشد .

جهادی که اکنون با هدایت یونسکو وبا همکاری غالب ملل و دول جهان در جریان است جهاد مقدسی است برای آنکه صدها میلیون نفر از افراد بشر را که خود هیچ گناه و تقصیری در تحمل سرنوشتی ظالمانه ندارند از حیثیت و شخصیت انسانی بر خوردار سازد . تا وقتی که چنین توده عظیمی از محرومین در روی زمین وجود دارد ، مسلماً و جدان هیچیک از آنهائیکه در پرتو نعمت دانش امکان برخورداری از همه مواهب تمدن و فرهنگ بشری را یافته اند آرام نمیتواند بود ، زیرا ادامه چنین وضعی در مورد یک قسمت از جامعه انسانی خود بخود سند محکومیت اخلاقی بقیه افراد این جامعه است .

از پیام شامنشاه به سیزدهمین
مجمع عمومی یونسکودر پاریس -
۲۸ مهر ۱۳۴۳

ایمان راسخ دارم که ملت ایران از آغاز تاریخ خویش مأموریت معنوی خاصی در اشاعه فرهنگ و دانش و در ترویج اصول عالیه اخلاقی و مدنی داشته که هرگز

از آن سرباز نزده است ، و طبعاً امروز نیز در جهاد مقدسی که بمنظور نجات بیش از یک هزار میلیون نفر از افراد محروم جامعه بشری از بلای بیسوادى و برخوردار کردن آنها از حیثیت و شخصیت انسانی صورت میگیرد ، مبیاید این کشور در صنف مقدم ملل جهان جای داشته باشد .

از پیام شاهنشاه به ملت ایران
بمناسبت تشکیل کنگره جهانی
پیکار با بیسوادی - ۲ آذر ۱۳۴۳

موضوع توسعه مسئله‌ای نیست که صرفاً جنبه اقتصادی داشته باشد ، بلکه عوامل متعدد دیگری بغیر از این عامل در آن دخالت دارند . سرمایه اصلی این کار پول نیست ، چیزی بسیار گرانبهاتر از آن ، یعنی انسان است ، و این سرمایه‌ایست که بمفهوم واقعی خود جز براساس آموزش و پرورش بکار نمی‌افتد .

ازنطق شاهنشاه هنگام گشایش
کنگره جهانی با بیسوادی در
تهران - ۱۷ شهریور ۱۳۴۴

چگونه می‌توان تحمل کرد که در همان هنگام که پیشرفت‌عالم و اطلاعات‌راه آسمانها را بروی بشر گشوده است بیش از یک میلیارد نفر از مردم جهان از ابتدائی‌ترین امتیازات علم و صنعت محروم باشند ؟ چطور می‌توان قبول

کرد که در آستانه سفر انسان بکرات آسمانی بیش از یک
ثلث مردم کره خود ما حتی امکان خواندن نداشته باشند؟

از نطق شاهنشاه هنگام گشایش
کنگره جهانی پیکار بایسواد
در تهران - ۱۷ شهریور ۱۳۴۴

روزی را که سپاه دانش ایران بوجود آمد مسلماً
باید برای کشور ما روزی تاریخی محسوب داشت، زیرا
در این روز بود که تلاشی اساسی برای نجات میلیون‌ها تن
از مردم ایران و صدها میلیون تن از مردم جهان از بلای
بیسوادی آغاز گردید. در عین حال این فرصتی بود
که گوشه‌ای از عالیترین خصائص روحی ایرانی بصورت
تلاش مردانه هزاران تن از جوانان این کشور در انجام
وظیفه‌ای مقدس و پرافتخار یعنی همراه بردن فروغ دانش
باعماق دور افتاده ترین روستاهای کشور تجلی کند.

از کتاب انقلاب سفید

وجود یک میلیارد نفر بیسواد در عصر حاضر
نه تنها یک سند محکومیت اخلاقی برای سایر مردم جهان
است، بلکه از جنبه مادی و اقتصادی نیز چنین وضعی
بزیان جامعه بشری تمام میشود، زیرا وجود این عده
بیسواد مرادف با اتلاف نیروی عظیم یک ثلث از افراد
بشری است که استعدادهای خلاقه آنان بر اثر بیسوادی

و بی اطلاعی بیحاصل میماند و از این راه جامعه انسانی را از یک سرمایه گزاری وسیع اقتصادی محروم میسازد. از طرف دیگر وجود این فاصله عظیم بین توده بیسوادان جهان و طبقات پیشرفته خطری است که همواره در کمین صلح و تفاهم بین المللی است، و بنابراین هر کوششی که برای از میان بردن چنین تبعیضی بعمل آید در واقع خدمتی است که به صلح جهانی شده است. از کتاب انقلاب سفید

انقلاب ما در درجه اول یک انقلاب بشری و انسانی است که بخصوص براساس تأمین حقوق توده های محروم تکیه دارد. لازمه چنین انقلابی طبعاً این است که از هرگونه خود خواهی و تنگ نظری بدور باشد و پیشرفت خویش را نه تنها در چهار چوب منافع ملی خود بلکه در پیشرفت همه جامعه انسانی خواستار شود. اگر ما میخواستیم براساس مفهوم و روح انقلاب خود بلای بیسوادی را از جامعه ایرانی ریشه کن کنیم، ولی راضی میشدیم که در مورد مناطق پهناوری از جهان شاهدی بیطرف و بی اثر بر بقای چنین وضع ناگواری باقی بمانیم، در آن صورت نمیتوانستیم ادعا کنیم که انقلاب ما بمفهوم اصیل خود تحقق یافته است، زیرا ما بعنوان وارث سنن عالیه معنویت و فرهنگ کهنسال ایران نمیتوانستیم قبول کنیم که بین بیسوادان کشور ما و سایر توده های

بیسواد مناطق پهناوری از جهان از حیث حقوق انسانی فرقی
وجود داشته باشد.

از کتاب انقلاب سفید

انقلاب ما با تحقق اصل سپاه دانش و پیکار با بیسوادی
اجرای اصیلترین رسالت تاریخی تمدن ایرانی یعنی رواج دانش
و فرهنگ را بعهده گرفت. جهش و قدرت محرکه این اصل
از انقلاب ایران بقدری بود که از مرزهای کشور ما فراتر
رفت و یک نهضت جهانی پیکار با بیسوادی را دربر گرفت،
بطوریکه امروز با دیدار نتایجی که این انقلاب در راه
دفاع از حقوق و منافع یک میلیارد نفر از مردم بیسواد
و محروم جهان داشته است در خود احساس رضایت و غروری
مشروع میکنیم.

از کتاب انقلاب سفید

کشا و زری

باران نشانه رحمت آسمانی است ، و ما همیشه
در اینمورد چشممان بآسمان است . ولی بعقیده من لازم است
کاری کنیم که در آینده نگاه ما بآسمان فقط نشان توجه
قلبی ما به پروردگار باشد. نه سراغ گرفتن ابر و باران ،
زیرا از این لحاظ ما باید وسائل آبیاری و زراعت را طوری
کامل و مدرن کنیم که بفکر آمدن یا نیامدن باران نباشیم .
از سخنان شاهنشاه در سلام نوروز-
اول فروردین ۱۳۳۸

اگر ما در عمران دهات و بالا بردن سطح فرهنگ
روستائیان کوشش نکنیم بدون تردید همان فاصله‌ای را که
شهرهای ما با جهان غرب دارند آنها یعنی دهاتیان با
شهریهای ما پیدا خواهند کرد ، در صورتیکه سعی ما
اینست که تمام فاصله ها را از بین برداریم و همه افراد

مملکت را از شهری و دهاتی با قافله تمدن دنیا همسفر سازیم .
از سخنان شاهنشاه در جلسه
هیئت دولت ۱۲ - مهر ۱۳۳۸

یک کشاورز مستقل باید راه اداره امور خود را
بخوبی بداند ، و چون کشاورزی در ایران روز بروز با وسائل
و فنون نوین مجهز تر خواهد شد باید طرز بکار انداختن
و نگهداری ماشینهای کشاورزی را فرا گیرد . بطور خلاصه
کشاورزان ما باید با اقتضای زمان باسور اداری و کارهای
فنی فلاحت کاملاً آشنا باشند .

از کتاب مأسوریت برای وطنم

کسانی که با دهقانان ما محشور بوده اند در این
گفته همدستانند که روستائیان ایران بالفطره مردسی باهوش
و سریع‌الانتقالند و برای فرا گرفتن دقایق فنی و معلومات
نوین شوق فراوان دارند .

از کتاب مأسوریت برای وطنم

نیل من اینست که هر چه عده روستائیان باسواد
افزایش میگیرد در تمام دهکده های کشور و یا اقلاً
در آبادیهائی که جمعیت آنها نسبتاً زیاد است قرائتخانه هائی
ایجاد شود تا روستائیان بتوانند از کتب مفید و مجلات

و سایر نشریات ادبی و علمی استفاده کنند . همچنین کتابخانه های سیار به تمام اقطار کشور بروند و کتب و مجلات گوناگون را در دسترس عموم قرار دهند . در روستا های بزرگ باید مردم را بتأسیس سینما های دائمی تشویق نمود . سینما های سیار که اینک به بسیاری از نقاط کشور میروند باید بهر گوشه و کنار و قریه دور افتاده ای فرستاده شوند . هر دهکده و قصبه بزرگ باید دسته پسران و دختران پیش آهنگ مخصوص خویش داشته باشد و برای جوانان باشگاه های متنوع بوجود آید . انتظار من این است که در انجام این خدمات شورا های قصبات و مأمورین عمران پیشقدم گردند و سهم مهمی از این خدمات عمومی را انجام دهند .

از کتاب مأسوریت برای وطنم

ریشلو صدر اعظم فرانسه رعیت را قاطر باربر مملکت لقب داده بود . در نظر من درست بالعکس آنهایی که تا هنگام انقلاب قبلاً رعیت نامیده میشدند از شریفترین و اصیلترین افراد کشور بودند که با دسترنج خود و با حاصل تلاش شبانروزی خویش مملکت را نان میدادند ، و متأسفانه نه تنها خود از حاصل این دسترنج جز سهم ناچیزی نمیردند ، بلکه غالباً از حقوق حقه انسانی و بشری خویش نیز سهمی بهمین اندازه نا چیز داشتند .

من قلباً احساس نیک کردم که بعنوان رئیس مملکت مسئول
سرنوشت این توده عظیم محرومین کشور هستم و میباید
آنها را از وضع ناگوار قرون وسطائیشان بیرون بیاورم .
از کتاب انقلاب سفید

مسائل و مشکلات یک روستائی را در درجه اول
یک روستائی میتواند بفهمد و حل کند . در این مورد آنچه
را که یک حقوقدان برجسته نمیتواند باسانی دریابد یک
ریش سفید محل میتواند بخوبی بفهمد و با کدخدا منشی
بترتیبی که مورد تراضی و توافق هر دو طرف قرار گیرد
حل کند ، زیرا با سابقه کار و با ماهیت اختلاف آشناست
و برای حل این اختلاف نیز بزبانی با طرفین صحبت میکند
که برای هر دو طرف قابل درک است . این کاری است
که با تشکیل خانه های انصاف انجام گرفته است .
از کتاب انقلاب سفید

کارگران

کارگر ایرانی باید احساس کند که وجود او و قدرت بازوی او مورد استفاده استثماری نیست ، و وی در جایی که کار میکند فقط جنبه یک مزدور ساده را ندارد . این احساس تنها موقعی میتواند برای او حاصل شود که بداند او در کاری که انجام میدهد سهمی دارد . چنین شرکتی نه فقط از لحاظ مادی برای او مهم است ، بلکه بخصوص از این نظر اهمیت دارد که واقعاً احساس کند به شخصیت او و به کار و زحمت او احترام گذاشته شده است و میشود .

از کتاب انقلاب سفید

امروزه هر کارفرما باید بداند که کار در یک محیط جبر و اکراه و وجود یک حالت سوء ظن و بی اعتمادی متقابل ، نه برای او فایده‌ای دارد و نه برای کارگران ،

و اگر بایستی کار مثبتی صورت گیرد چنین کاری فقط در یک محیط صمیمیت و همکاری و اعتماد متقابل امکان پذیر است .

از کتاب انقلاب سفید

کشور ما برای ترقی و پیشرفت کامل خویش باید بصورت یک کشور صنعتی درآید . بنا براین هر قدر کارگر ایرانی بکار خود علاقه بیشتری داشته باشد و با کوشش و دلسوزی زیاد تری کار کند و دارای تخصص فنی کاملتری باشد طبعاً بازده صنعتی کار او بالاتر خواهد رفت . علیهذا مسئله شریک کردن کارگران در منافع کارگاهها چه از نظر اقتصاد کشور ، چه از لحاظ تأمین منافع بیشتری برای این طبقه زحمتکش و شرافتمند و چه بمنظور دادن حیثیت و شخصیت معنوی و اجتماعی زیادتري بدانها ، امری نه تنها مفید بلکه لازم بود .

از کتاب انقلاب سفید

در شرایط نوین اجتماعی ایران، اکنون سندیکاهای کارگری بجای آنکه مانند گذشته با سازمانهای دولتی در معارضه و تصادم باشند تبدیل به مکتبی برای بالا بردن رشد فکری و اجتماعی و اقتصادی کارگران از یکطرف و اشتراک مساعی روزافزون آنان در اجرای برنامه های مختلف کشور از طرف دیگر شده اند ، و اگر در برخی

از کشورها سندیکا‌های کارگری برای تأمین خواسته‌های مشروع خود درصِف مقابل دستگاه‌های دولتی یا کارفرمایان قرار میگیرند ، امروزه در کشور ما بر اثر حل تناقضات و تضادهای اجتماعی و اقتصادی ، این سازمانها نه در جهت مخالف برنامه‌های دولت بلکه دوشا دوش آنها پیش میروند .

در اجتماع امروزی ایران یعنی اجتماعی که بر اساس انقلاب سفید ما پی ریزی شده است کارگرو دولت از هم جدا نیستند ، بلکه دولت بمقتضای سیاست کلی انقلابی که هدف آن حفظ منافع اکثریت است خود پشت سر سندیکاها ایستاده و مدافع منافع حق کارگران شده است ، و اگر تضادی در کار نیست برای این است که دولت درین راه حتی از خود کارگران تندتر می‌رود . دولت در ایران امروز قبل از هر چیز بکشاورزان و بکارگران که عناصر اصلی اکثریت ملت ایران هستند تعلق دارد ، بنا بر این نمیتواند تصمیمی بگیرد یا کاری را بمورد اجرا گذارد مگر آنکه آن تصمیم و آن کار در جهت تأمین منافع حق و مشروع آنان باشد .

از کتاب انقلاب سفید

آنچه تاکنون در مورد امور کارگری در ایران شده فقط مراحل اولیه کار است ، و انتظار من این است که درین مورد بسیار وسیعتر و اساسی تر از آنچه تاکنون

در دست اجرا است اقدام شود ، یعنی کوشش شود که همیشه قوانین کار ما با متری ترین قوانین دنیا تطابق داشته باشد ، تا در آن موقعی که کارگران ما از نظر تبحر و استادی در فن خود بپایه همکاران خویش در کشورهای کاملاً پیشرفته برسند سطح زندگی ایشان نیز بهمان نسبت بپایه آنان رسیده باشد ، و در پناه قانون ترتیبی داده شود که ارتقاء زندگی ایشان به حد متری ترین کارگران دنیا فقط مربوط بدرجة استعداد و لیاقت و تخصص خودشان در کار باشد .

از کتاب انقلاب سفید

زنان

من باینده زنان ایران ایمان دارم. بنظر من زن ایرانی میتواند با نگاهداشتن جنبه نسوانیت، خویش را بآن مقام برساند که در سر بلندی و پیشرفت جامعه مرفعی ایران کنونی مصدر خدمات و مسئولیتهائی باشد که همه جا مایه سرافرازی و افتخار او است.

از کتاب مأموریت برای وطنم

باید با حسن احترامی عمیق به شخصیت و اصالت ذاتی زنان ایرانی، این حقیقت را ناگفته نگذاشت که حتی در تاریکترین ادوار اجتماعی زنان ایران موجودیت خویش را در شئون مختلف باثبات رسانیده و آن فروغ معنوی را که از مشخصات نژاد ایرانی است بصورتیهای مختلف بتجلی در آورده اند.

از کتاب انقلاب سفید

انقلاب ما وظیفه‌ای را که در مورد زنان ایرانی بر عهده داشت، با آزاد کردن آنان از قید زنجیرهای کهن و دادن امکان هر گونه فعالیت و پیشرفت بدیشان در همه شئون مادی و معنوی اجتماع ایران انجام داد. از این پس خود آنها هستند که میباید خویش را شایسته این آزادی و شایسته سنن دیرینه تمدن اصیل و انسانی ایران نشان دهند و تاریخ آینده را بدانسان که در خور گذشته ما است پی ریزی کنند، و من ایمان دارم که زنان ایران این رسالت خویش را بخوبی انجام خواهند داد.

هر قدر سهم زنان امروز ما در آشنائی با اصول انقلاب ایران و اداره اجتماع نوینی که بر اساس پی‌ریزی شده است بیشتر باشد، فرزندانی که در مکتب ایشان پرورش مییابند با آشنائی بیشتر و عمیقتری باین اصول پا بصحنه اجتماع خواهند گذاشت.

از کتاب انقلاب سفید

زنان کشور ما روز بروز در فعالیت عظیم اجتماعی و اقتصادی مملکت و در تجدید بنای اجتماع ایران سهم حساستر و مؤثرتری را چه از لحاظ کمیت و چه از حیث کیفیت بر عهده میگیرند، و این امری است که لازمه اجتناب نا پذیر هر اجتماع پیشرفته و مترقی امروز است.

از کتاب انقلاب سفید

جوانان

جوانان کشور ما که آنها را بزرگترین سرمایه
حقیقی خود میدانیم باید در سایه نیرومندی واقعی بتوانند
وظائف خطیری را که بخصوص از لحاظ اخلاقی و وجدانی
بر عهده دارند به نحو احسن انجام دهند . باید سعی کنند
همانطور که در نیرومندی جسم خود میکوشند وجود خویش
را بزیور علم و ادب و مردانگی و اخلاق و میهن پرستی
بیارایند .

از پیام شاهنشاه بورزشکاران
کشور - ۴ آبان ۱۳۴۲

شما جوانان ، نگهبانان نیرومند سنن ناسیونالیستی
ایران هستید . شما معماران بنای سعادت فردائید . برای
تجدید مجد و عظمت ایران بکوشید و بدانید که هر جوان

وطنخواه ایرانی میتواند بحمايت شخص من متكى باشد .
از پیام شاهنشاه بمناسبت گشایش
اولین برقانه رادیونی جوانان-
۵ مهر ۱۳۳۷

جوانان ما باید آگاهانه وهشیارانه در بثمر رسانیدن
هدفهای انقلاب ایران که عامل اساسی برای تأمین زندگی
و نیرومندی وتندرستی وسعادت مردم ما است تلاش ورزند
و بدانند که در دنیای امروز تنها در سایه قدرت و وحدت
ملی و نیرومندی جسمی و روحی و اخلاقی و اعتماد بنفس
میتوانند توفیق یابند . باید بکوشند تا در راه حفظ سنتهای انقلاب
وعظمت وسرافرازی وطن راه راستی و خدمتگذاری پیش گیرند .
از پیام شاهنشاه بمناسبت جشن
ورزشی چهارم آبان - ۴ آبان ۱۳۴۳

میخواهم نسبت بطبقه جوان که مایه افتخار و امید
ما هستند توجه خاصی مبذول گردد و از میهن پرستی
و نیرومندی خدا داد و حس رقابتی که در آنها موجود است
و علاقه ای که بهمکاری و معااضدت یکدیگر برای نیل
بآمال وآرزوهای مشترك دارند استمداد شود تا بدان وسیله
برای میهن خویش فرزندان لایقی بشوند و کشور خود را
سرزمینی سرفه و پربرکت بسازند و پیشرفت اقتصادی وتحول
دموکراسی بموازات یکدیگر در کشور ما پیش ببرند و دموکراسی
اقتصادی بصورت کمال خود مرز و بوم ما را فرا گیرد .
از کتاب مأموریت برای وطنم

ورزش

باید اصول ورزشی در همه حال با اصول شرافت و درستی و عظمت اخلاقی و سجایای جوانمردی که هر فردی در زندگی باید داشته باشد توأم گردد.

هر کس داخل میدان مبارزه ورزشی میشود باید روح و فکرش در این جهت تغییر کند. امیدوارم عموم ورزشکاران ما دارای صفات شرافت اخلاقی و روح قهرمانی بشوند.

من باندازه‌ای باین موضوع اهمیت میدهم که میخواهم کلیه ورزشکاران و جوانان، شرافت اخلاقی را در درجه اول برنامه زندگی و سرلوحه فعالیت خود قرار دهند. کوچکترین انحراف در این مورد نباید بخشیده شود و لو آنکه مرتکب آن بزرگترین قهرمان باشد.

از سخنان شاهنشاه در انجمن تربیت بدنی - ۲۵ تیر ۱۳۲۹

امروز یک قهرمان ورزش باید قهرمان اخلاق باشد. قهرمان ورزش کسی است که اگر هم با توجه کافی نشود فقط روی عشق ورزش بسوی ورزش پیش رود.

از سخنان شاهنشاه در شرفیابی
اعضای شورای عالی تربیت
بدنی - ۲۹ فروردین ۱۳۳۶

ما جوانان ورزشکار خود را از اینکه احیاناً در مسابقات جهانی برنده نشوند ملامت نمیکنیم، ولی از ایشان میخواهیم که حتماً با قصد برنده شدن و با روحیه و ایمانی که لازمه چنین اراده‌ای است در این مسابقات شرکت جویند و تا آخرین ثانیه با غیرت و انضباط و غرور ملی نبرد کنند.

از کتاب انقلاب سفید

جهش انقلاب ایران حقاً میباید پرورش استعداد های جسمانی جوانان ایرانی را بعد اعلی در بر گیرد و فرزندان شهرها و روستاها در این مورد از امکاناتی کاملاً مساوی برخوردار گردند و احتیاجات ورزشی کشور از حیث وسائل کار و میدانهای ورزش و باشگاهها کاملاً تأمین گردد. جوانان ورزشکار ما حتی در شرایطی غالباً نامساعد شایستگی و توانائی خود را در صحنه های مسابقات بین المللی نشان داده اند، و جامعه انقلابی امروز ما میباید تربیتی دهد که این شرایط از هر حیث بصورت شرائطی مساعد و پرورنده درآیند.

از کتاب انقلاب سفید

پیشکش

امیدوارم وضع پیشاهنگی ایران طوری شود
که جوانان پیشاهنگ ما یکساله ره صد ساله را بپیمایند.
مخصوصاً باید پیشاهنگی روستائی در تمام کشور توسعه
بپیدا کند تا روستائیان مملکت بتوانند با هدایت پیشاهنگان
به کشور خود بیشتر خدمت کنند. جوانان وطن ما
سرمایه آینده مملکتند، و تربیت صحیح آنها اولین قدم
در راه بنای ایران نوین و مترقی است.

از بیانات شاهنشاه در اجتماع
جوانان پیشاهنگ در منظریه -
۱۸ مرداد ۱۳۳۵

بوسیله سازمان پیشاهنگی میباید فرزندان مملکت
را از طفولیت طوری تربیت کرد که مرد عمل و زندگی
باشند و بتوانند خودشان دشواریها را با قدرت تصمیم

و اراده برطرف کنند ، بیچاره و بی دفاع و ترسو نباشند ،
ابتکار داشته باشند ، اعتماد بنفس داشته باشند . از راه
تقویت اصول پیشاهنگی بین جوانان و ترویج شعارهای
آن تدریجاً روحیات یک نسل را میتوان عوض کرد .

از بیانات شاهنشاه در شرفیابی

شورای عالی هدایت جوانان -

۲۶ آبان ۱۳۳۵

در دنیای امروز تعلیمات پیشاهنگی مکمل
برنامه های فرهنگی و تربیتی شناخته شده و بهمین جهت
مورد توجه و استقبال اقوام و ملل مترقی جهان قرار گرفته
و خوشبختانه در میان جوانان و دانش آموزان کشور ما
نیز با شوق و رغبت پذیرفته شده است . مکتب پیشاهنگی
همیشه مورد علاقه مخصوص و حمایت من بوده است .

از پیام شاهنشاه بمناسبت هفته

کار نیک پیشاهنگی - ۴ آذر

۱۳۳۷

فرزندان امروز ما سرنوشت فردای این کشور را
بدست خواهند گرفت . بنابراین باید از پدران و مادران
ایرانی بخواهیم با شرکت دادن فرزندان خود در برنامه های
تربیتی پیش آهنگی آنانرا برای زندگی بهتری آماده سازند

تا برای انجام وظیفه خطیری که طبیعت بر عهده آنها
قرار خواهد داد مهیا باشند.

از پیام شاهنشاه بمناسبت روز
پیش آهنگی - ۳ اردیبهشت

۱۳۳۸

در دنیای کنونی که وجود اختلافات سیاسی
ناشی از مشکلات اقتصادی و طرز تفکرهای گوناگون
مسئله لزوم توجه بیشتر به همکاری ملت‌ها را در پیش می‌آورد،
یکی از بهترین وسائلی که در توسعه صلح و تفاهم
بین‌المللی و یگانگی فکر و هدف مؤثر است پیش آهنگی
است که میلیون‌ها زن و مرد در سراسر گیتی اعضای
با ایمان و فعال این سازمان مفید و ارزنده را تشکیل می‌دهند.

از پیام شاهنشاه بمناسبت نهمین
سال نهضت جدید پیشاهنگی
ایران - ۴ آذر ۱۳۴۰

دنیای امروز احتیاج به ملت‌هایی دارد که درست
فکر کنند و با واقع بینی حقیقت حوادثی را که هر آن ممکن
است حیات و استقلال آنها را تهدید کند دریابند.
کودکانی که با تربیت پیش‌آهنگی رشد میکنند در اثر
تعلیماتی که فکر آنها را بازتر و قضاوتشان را صحیح‌تر
میکند میتوانند به رفع این مخاطرات نائل آیند و نقش

خود را درس‌رزمینی که به آنها تعلق دارد بهتر ایفا کنند.

از پیام شاهنشاه بمناسبت نهجین

سال نهضت جدید پیشاهنگی

ایران - ۴ آذر ۱۳۴۰

اکنون پیشاهنگی ما یکی از مرفی ترین سازمانهای

نوع خود در تمام جهان است. ما میکوشیم تا از این راه

سردمی آزاد و سربلند و مجهز بفضائل اخلاقی و آشنا

به وظائف ملی و مذهبی و اجتماعی تربیت کنیم.

از پیام شاهنشاه بمناسبت نهمین

سال نهضت جدید پیش‌آهنگی -

ایران - ۴ آذر ۱۳۴۰

باید آرمان‌های عالی پیش‌آهنگی افراد را

از یکطرف برای مبارزه بامشکلات زندگی و از طرف دیگر

برای انجام کار نیک مهیا کند. سازمان پیش‌آهنگی

ایران باید در سراسر کشور و در دورافتاده‌ترین دهات

و کوهستانها و نقاط آن رخنه کند و جوانهای مملکت

را هرچه پیشتر با این آرمانها آشنا سازد.

از سخنان شاهنشاه در شرفیابی

شورای عالی پیشاهنگی - ۴ آذر

۱۳۴۱

اصول تعاونی

در عصر ما بیش از هر وقت دیگری حل معضلات منوط به همکاری افراد با یکدیگر است. امروز باید همه افراد متوجه این حقیقت باشند که هر قدر در راه بالا بردن سطح زندگی و بهبود شرایط محیط خود با یکدیگر همبستگی بیشتری داشته باشند زودتر و بهتر به هدف خواهند رسید. بهمین جهت است که شرکتهای تعاونی امروزه وسیله حل بسیاری از مشکلات زندگی مردم کشورها هستند، و انتظار ما طبعاً این است که در کشور ایران نیز روز بروز این نوع سازمانها توسعه یابند.

از پیام شاهنشاه بمناسبت روزین الملی
شرکتهای تعاونی - ۱۲ تیر ۱۳۳۸

در عصر ما بیش از هر زمان دیگر حل مشکلات اقتصادی و اجتماعی منوط به خودیاری و همکاری مردم و نیز همزیستی و تعاون در مقیاسهای ملی و بین الملی است.

همه افراد باید باین حقیقت توجه نمایند که هر قدر ملتها با الهام از اصول تعاون بایکدیگر معاشرت و همبستگی بیشتری ابراز دارند وصول به هدف مشترك جهانی آسانتر خواهد بود ، و در سایه صلح و آرامش و تعاون بهمزیستی و رفاه اقتصادی و اجتماعی مردم زودتر بدست خواهد آمد .

تعاونیها اساس تحقق اقتصاد دموکراتیک و پایه گذار صلح و عدالت اجتماعی در سراسر جهان هستند ، و پیوستگی هرچه بیشتر مردم باین نهضت عظیم جهانی بنیان آنرا مستحکمتر ساخته و صلح پایداری را نوید میدهد . بطور یقین نهضت تعاونی مؤثرترین وسیله نیل به هدفهای اقتصادی شناخته شده و جوابگوی احتیاجات مادی و معنوی آینده جوامع بشری است .

از پیام شاهنشاه بمناسبت هفته
بین المللی تعاون - ۱۷ تیر ۱۳۴۶

سیر تکاملی جامعه بشری بهر حال میباید برپایه همکاری هرچه بیشتر جوامع بشری و بر اساس تفاهم متقابل و اشتراك مساعی عمومی در رفع مشکلات جهانی و ملی متکی باشد ، و بهمین جهت است که ما اعتقاد داریم بهترین راه این تشریک مساعی در هر اجتماع ، با هر رژیم و هر سیستمی ، اصول تعاونی است که ما اکنون میکوشیم

تا آنرا اساس کاراجتماع نوین خود قرار دهیم .

از نطق شاهنشاه بمناسبت
دریافت دکترای افتخاری
دانشگاه عاروارد - ۲۳
خرداد ۱۳۴۷

ما سعی داریم هرچه بیشتر در توسعه تعاونیها و بیمه‌های اجتماعی بکوشیم ، زیرا جوابگوی احتیاجات آینده جوامع بشری در تحت هر رژیمی که باشد در درجه اول همین مؤسسات تعاونی و بیمه‌های اجتماعی است . اعتقاد ما این است که سر نوشت هر کسی ، از هنگامیکه چشم دنیا باز میکند تا وقتی که دیده از جهان فرومیند ، باید از راه انواع بیمه‌ها از قبیل بیمه‌های تحصیل ، بیمه‌های بیماری ، بیمه‌های حوادث و اتفاقات ، بیمه‌های بازنشستگی و کهنولت و غیره تأمین شود . حتی استعدادهای ذاتی افراد نیز میباید بیمه شوند .

مؤسسات تعاونی اساس تحقق اقتصاد دموکراتیک هستند . این تعاونیها چه در زندگی کشاورزی ، چه در امور کارگری و چه در سایر رشته‌های اقتصادی اساس زندگی روزمره همه مجامع و افراد خواهند بود ، و هر قدر کمیت و کیفیت آنها در جامعه نوین ایران توسعه یابد نتایج انقلاب بهتر و بیشتر تحقق خواهد یافت .

در جامعه نوین ایران میباید چه از راه پرورش

استعداد ها و دادن اسکان تجلی بدانها ، و چه از راه
فعالتهای سازمانهای تعاونی و بیمه ها و مؤسسات خیریه
و اجتماعی ، حد اکثر تأمین برای هر فردی از افراد کشور
فراهم گردد تا در پرتو آن وی بتواند شرافتمندانه و بی آنکه
حاصل کار و زحمت او مورد استثمار دیگران قرار گیرد
در تأمین زندگی سعادتمندانه ای برای خود و خانواده
خویش و بالا بردن سطح تولید و ثروت ملی بکوشد .

از کتاب انقلاب سفید

ایران امروز

ما باید برای مردم خدمت کنیم و خوشی خود را
برای مردم بدانیم ، چون هرچه داریم از آنهاست . مردم
دیگر نمیتوانند بوعده و وعید زندگی کنند ، بلکه واقعاً
خدمتگزاران شایسته لازم دارند .

از سخنان شاهنشاه در سلام عید
غدیر ۷ مرداد ۱۳۳۳

باید متوجه باشیم که در دنیای متمدن کنونی
و در قرن بیستم نمیتوان مثل قرون وسطی زندگی کرد ،
و با طرز فکر کهنه بجائی نخواهیم رسید . مخصوصاً باید
این نکته را متوجه باشیم که در دنیای نو اکثر کارها
بدست خود مردم انجام میگردد .

از سخنان شاهنشاه در شرفیابی
نمایندگان مجلس سنا - ۲۴ اسفند
۱۳۳۳

امروز چیزیکه بیشتر دراین مملکت لازم داریم
این است که همه همدیگر را بفهمیم. کسی کسی را فریب
ندهد و کسی بکسی دروغ نگوید، و باطن و ظاهر همه
یکی باشد.

از سخنان شاهنشاه در بازدید
اردوی دانشجویان در بابل -

۲۳ تیر ۱۳۳۴

ما ناچار هستیم برای اینکه همگام سایر ملل متمدنی
و مهم دنیا پیش برویم با انواع فسادیکه ممکن است
موجود باشد مبارزه کنیم، و اگر لازم باشد من شخصاً تصمیم
دارم که یک تنه دراین راه پیش بروم. میدانم اگر دراین
راه کسانی که باصطلاح دراین مملکت اثری دارند مرا تنها
بگذارند ملت ایران هیچوقت مرا تنها نخواهد گذاشت.
دراین تصمیم نه فقط یک قدم عقب برداشته نخواهد شد
و متوقف نخواهیم گشت، بلکه بالعکس با عزم راسخی
پیش خواهیم رفت.

از سخنان شاهنشاه در اردوی
دانشجویان در بابل - ۲۲ تیر

۱۳۳۴

یک جامعه متمدنی نمیتواند اختیار خود را بدست
طبیعت بدهد، زیرا قوانین طبیعت بدون تغییر است،

در حالیکه شایسته زندگی بشر حساب پیش بینی های دقیق است.

از سخنان شاهنشاه در سلام عید
غدیر - ۴ مرداد ۱۳۳۵

هیچ مملکتی و هیچ ملتی بدون عیب و نقص وجود ندارد، و طبعاً کشور ما هم خالی از عیب و نقص نیست. اما باید در کمال متانت و البته در جائی که لازم است با شجاعت و شهامت بتمام این جزئیات رسیدگی کنیم، کوچکترین عیب و نقص را در هر جا و هر دستگاهی وجود دارد رفع نمائیم و در جهت محاسن اخلاقی قدم برداریم، روح ایمان و اخلاق را تقویت کنیم، خدمتگزاران را تشویق و تقصیر کاران را تنبیه نمائیم.

از سخنان شاهنشاه در شرفیایی
نمایندگان مجلسین سنا و شورای
ملی - اول مرداد ۱۳۳۷

اگر پایه هر کاری را که میخواهید انجام دهید روی مصالح اجتماع بگذارید سالها بلکه قرنهای آن اساس باقی میماند، زیرا خود مردم در حفظ و نگاهداری آن اصول مساعی بکار میبرند و در حراست آن میکوشند. بالعکس اگر مصالح مردم و اجتماع در کارها رعایت نشود یا خدای نخواستہ نقشه ها و برنامه ها با منظور خاصی توأم باشد

پایه‌های آن در معرض خطر و تزلزل و سقوط و از بین رفتن
است

از سخنان شاهنشاه در جلسه
هیئت دولت - ۱۳ مرداد ۱۳۳۷

باید متوجه بود که پای فکر و مرام در میان است
نه پای اشخاص. اصل اینست که مرام معینی توسط
کسانی که بدان معتقدند پذیرفته شود. چه فرق میکند که
مدافع این مرام کیست؟ عمله و کارگر عادی است یا
وزیر سابق و وزیر فعلی؟ اصل اعتقاد بمرام است. شخص
ممکن است هر لحظه از میان برود، ولی فکر و مرام از
میان نمیرود.

از مصاحبه مطبوعاتی شاهنشاه
با روزنامه نگاران ایران - ۲۳ آبان
۱۳۳۷

باید متوجه باشیم که ملل دیگری که فعلا از ما
جلوتر هستند با سرعتی فوق العاده کار میکنند، و ما که
متأسفانه بعللی تا بحال عقب مانده بودیم اگر از آنها
سریعتر کار نکنیم هیچوقت بدیشان نخواهیم رسید.
موضوع سرعت در کار باید یکی از وظایف اصلی نسل
جوان ما در مدت سی سال آینده باشد.

از سخنان شاهنشاه در سلام نوروز -
اول فروردین ۱۳۳۸

برای زندگی امروز ما که اساس آن سرعت است
 تعلل قابل درك و فهم نیست. هر کسی در جامعه و مملکت
 وظیفه‌ای دارد. یکی بیل می‌زند و یکی بام‌اشین کار می‌کند.
 یکی هم قانون‌گزار است. اما این وجه مشترك در همه
 هست که برای مملکت کار می‌کنند، و فقط عنوان‌ها و طرز
 کارها باهم فرق دارد. در راه تأمین عظمت مملکت یکایک
 افراد آن مؤثرند، هر قدر هم کاری که انجام می‌دهند
 کوچک باشد.

از سخنان شاهنشاه در شرفیابی
 نمایندگان مجلسین سنا و شورای
 ملی - ۹ آذر ۱۳۳۸

من از اصطلاح « تیپ جوان » خوشم نمی‌آید،
 زیرا آنچه مهم است فکر و روحیه قوی و فعال است و تنها
 سن درین میان اثری ندارد. بسا اشخاص هستند که شاید
 بیست و پنج شش سال بیشتر ندارند ولی صاحب جرئت
 و شهامت و قدرت و ابتکار نیستند، و چه بسا اشخاص
 مسن تری که از هر حیث پاکدل و وطنخواه و شجاع
 هستند. قضاوت باید روی روحیه و شخصیت افراد بشود
 نه روی سن آنها.

از مصاحبه مطبوعاتی شاهنشاه
 باروزنامه نگاران ایران - ۲ بهمن
 ۱۳۳۸

برای پیشرفت کارها خدمت، درستکاری، صمیمیت،
علاقه و وجدان لازم است. رضایت ملت من رضایت من
است و فکر میکنم خدمت صحیح و درستکاری بهترین
سر مشق شما و هر مأمور دولت است.

از سخنان شاهنشاه در شرقیایی
وزیر کشور و شهرداران، در
آبادان - ۱۰ اسفند ۱۳۳۷

کسی که وظیفه اش را انجام میدهد در واقع یک
کار عادی کرده است، ولی کسی که ما فوق وظیفه اش
کاری انجام داده باید تشویق گردد. در عوض کسی هم
که تصور در انجام وظیفه مینماید باید تنبیه و مجازات شود.
چرا باید دلمان خوش باشد که فلان آدم خیانت
نمیکند؟ مگر همه مردم دنیا به مملکتشان خیانت میکنند؟

از سخنان سخنان شاهنشاه در
جلسه هیئت دولت - ۲۳ اسفند
۱۳۳۸

یک مملکت را فقط بزور سرنیزه و پلیس مخفی
نمیتوان نگاه داشت. چرا، برای چند روز بلی، ولی نه
برای همیشه. یک جامعه را فقط اکثریت آن جامعه نگاه میدارد.

از سخنان شاهنشاه در شرقیایی
دانشجویان ایرانی اتریش در
وین - اول خرداد ۱۳۳۹

ما بشیوه کهن و باستانی هر سال در ایام نزدیک
 به نوروز خانه تکانی میکنیم تا منزل خویش را آماده قدم
 سال نو کنیم ، ولی امروز روزی است که ما باید از نظر
 فکری و روحی نیز خانه تکانی کنیم ، یعنی همه آنچه را
 که منفی و تاریک و مخرب است و یادگار دوران نامیمونی
 است که بحمدالله اکنون برای همیشه سپری شده است
 بدورافکنیم و خانه دل خویش را بروی زندگانی نو و دورانی
 مثبت و روشن و خلاقه بگشائیم ، زیرا اینها آن عواملی
 است که ایران فردا بر اساس آنها پایه گذاری شده است .
 از پیام نوروزی شاهنشاه - اول
 فروردین ۱۳۴۰

امروز در هر جامعه ای هر فردی میتواند بسهم
 خود خدمت کند . اگر مسئولیتی داشته باشد در حدود آن
 مسئولیت ، و اگر مسئولیتی نداشته باشد بعنوان یک فرد
 منشاء اثر باشد . هر فردی اگر رویه خود را منطبق با
 مصالح مملکت و تعالیم دین سازد این خود خدمت
 بزرگی است ، و این خدمت اضافه میشود اگر هر فرد بتواند
 فرد دیگر یا عده دیگری را براه راست هدایت کند .

از سخنان شاهنشاه در سلام عید

معدیر - ۱۲ خرداد ۱۳۴۰

ما تحمل هر انتقادی را داریم و اصولا خود ما

بیش از هر کس دیگر از خود انتقاد میکنیم. ما میدانیم که بسیار چیزها در مملکت ما هست که باید اصلاح شود و بسیاری چیزهای دیگر هست که باید بکلی از بین برود، و این را هم میدانیم که ما با تمام مقدراتی که از لحاظ زمان و از نظر امکانات و اجتماعی و سیاسی داریم بدین اصلاحات همت گماشته‌ایم. بنا براین اگر از ما انتقاد منصفانه و خیر خواهانه‌ای بشود نه فقط ناراضی نخواهیم شد، بلکه از این راهنمایی کمال امتنان را خواهیم داشت.

از سخنان شاهنشاه دریاگاه ملی
مطبوعات آمریکا - ۲۵ فروردین
۱۳۴۱

در ایران امروز ما محتاج نیستیم برای کارهای بزرگ دست به عوام فریبی بزنیم، چون هرکاری که به مصلحت هست از روی حساب و تحقیق و مطالعه انجام میگیرد و برای باصطلاح جلب نظر و خریدن افکار و آراء و یا گول زدن افکار و آراء نیست.

از سخنان شاهنشاه خطاب به
کشاورزان لشت‌نشاء - ۷ خرداد
۱۳۴۱

عظمت گذشته ما باید امروز با علمی جدید، با هنری جدید، با تحقیقات جدید، با اصول عالی تمدن امروزی توأم شود، و اساس خانواده‌های ایرانی باید بر رفاهیت از لحاظ مادی، امنیت از لحاظ قضائی، عدالت اجتماعی و شکفتگی علم و دانش و هنر استوار باشد.

از سخنان شاهنشاه در دانشگاه
پهلوی شیراز - ۵ دی ۱۳۴۱

بعضی اوقات جریان حوادث و تصادفات طوری است که اگر فرصت مساعدی برای کسی پیش بیاید که امکان خدمت داشته باشد و در این امر غفلت ورزد ، میتوان نام این غفلت را خیانت گذاشت .

از سخنان شاهنشاه در سلام چهارم
آبان - ۴ آبان ۱۳۴۳

در کشور ما امروز دیگر فرقی بین وزیر و یک فرد عادی از لحاظ انجام وظیفه وجود ندارد ، بلکه مسئولیت وزیر خیلی بیشتر است . امروز فقط کسانی باید داوطلب تصدی کارهای مهم باشند که چیزی جز خدمت بمملکت در نظر نداشته و خودشان را بکلی وقف این کار کرده باشند ، زیرا بغیر از خدمت کردن و عرق ریختن و زحمت کشیدن چیزی در این راه در انتظار آنها نیست .

از سخنان شاهنشاه در سلام چهارم
آبان - ۴ آبان ۱۳۴۳

شرط واقعی پیشرفت کشور این است که هر کسی کاری را که بعهده دارد بمنتهای درجه جدی تلقی کند و آنرا از اول تا آخر با دقت و وظیفه شناسی بانجام برساند ، و در این مورد هیچگونه سهل انگاری و سستی نشان ندهد . همان روحیه ای را که یک دانشجو در روز امتحان دارد باید هر فردی در مورد کار روزانه خویش داشته باشد ، یعنی فکر کند که امروز روز امتحان او است و باید

کار او طوری باشد که کاملاً آماده هرگونه آزمایشی
باشد .

از سخنان شاهنشاه در سلام خاص
عید فطر - ۱۵ بهمن ۱۳۴۳

ما اکنون با مشکلات بسیاری رو برو هستیم
و مسلماً در آینده که خواهیم کوشید تا توسعه ملی
و برنامه‌های اصلاحی را بطور کامل و موفقیت آمیز انجام
دهیم مشکلات بیشتری نیز قدامت خواهد کرد. ما این
مشکلات را ندیده نمیگیریم و از اهمیت آنها نمیگاهیم .
میدانیم که در آینده وظیفه ما دشوار تر خواهد بود و بیشتر
به مبارزه خوانده خواهیم شد. با آنکه مردم ایران بخوبی
براه خویش میروند ، هنوز باید از نظر اداره شایسته یک
اجتماع فعال و پرجوش و خروش قرن بیستم بسی چیزها
یاموزند .

از پیام شاهنشاه بمناسبت گشایش
کنفرانس بین‌المللی مدیریت ،
در تهران - ۴ اردیبهشت ۱۳۴۴

زندگی زود میگذرد و عمر هر کس پس از چند سال
سپری میشود ، ولی چه لذتی از این بالا تر که انسان
فکر کند در آن مدتی که زنده بوده و در روی زمین بسر

برده است یکک عتصر مفید و یکک خدمتگزار بیجامعه و تمدن
بوده است .

از سخنان شاهنشاه خطات به
دانشجویان و فارغ التحصیلان
ایرانی و ایرانیان مقیم آلمان -
۸ خرداد ۱۳۴۶

باید روح اتلاف وقت و باصطلاح قرطاس بازی
و بوروکراسی در ادارات ما از بین برود و هر کارمند اداری
بداند که وظیفه او در درجه اول سرعت در انجام مراجعات
مردم و اجرای صحیح و بیغرضانه وظایف اداری و تسهیل
گردش کارهای کشور است، زیرا همین مردمند که از راه
دادن مالیات حقوق این کارمندان را تأمین میکنند. ادارات
ما میباید از روح محاطله و دفع الوقت و بی تصمیمی و نیز
از تشبث و توسل پاك و منزّه شوند و روح خدمتگزاری
و شوق و علاقه ای که لازمه تحول اجتماعی امروز ایران
است جایگزین آن گردد.

از نطق شاهنشاه، هنگام گشایش
بیست و دومین دوره قانونگزاری
مجلس شورای ملی و پنجمین
دوره قانونگزاری مجلس سنا -
۱۴ مهر ۱۳۴۶

در خدمات عام‌المنفعه با اعتقاد من باید آزمایش و تجربه و اجرای اصل رقابت معقول بین سازمانها مورد توجه باشد. من با این استدلال که میگویند رقابت تنها باید در امور بازرگانی معمول باشد و در امور دوایر دولتی و وابسته بدولت مرعی نگردد بهیچوجه موافق نیستم. چه بهتر که چندین مؤسسه خیریه وابسته به مقام سلطنت در کمک به ینوایان و مستمندان بشرط آنکه مانع پیشرفت کار یکدیگر نباشند با یکدیگر رقابت کنند، زیرا هدف اساسی ما کمک به هموطنان و کودکان محروم و ناتوان است و هرچه این قبیل کمکها بیشتر شود هدف و نظر خیر ما بهتر تأمین خواهد گردید.

از کتاب مأموریت برای وطنم

آرزو مند دیدن آن روزی هستم که احزاب سیاسی و مؤسسات دولتی و تمام دستگاههای فرهنگی و افراد ملت توجه کامل خویش را صرفاً به پیشرفت کشور معطوف دارند. احزاب سیاسی در نطق هائیکه در مجامع حزبی ایراد میکنند این خدمت بزرگ عمومی را همواره با افراد خود گوشزد کنند، کارمندان و خدمتگزاران دولت برای اینکه کاری را که بآنها محول است در کوتاه ترین مدت انجام دهند با یکدیگر مسابقه دهند، دانش آموزان و دانشجویان و حتی کودکان نوآموز از طرحهائیکه در دست اقدام داریم آگاه شوند و راه خدمتگزاری بکشور و پیشرفت

آن را که در حقیقت بسود آنهاست بیاموزند ، و مردم کشور ما بدانند که هر یک در این تجدید بنای اقتصادی کشور وظیفه مهمی دارند و در هر رشته و حرفه‌ای که هستند از ادای سهم خود در این راه دریغ نورزند .

از کتاب مأموریت برای وطنم

سیاست مستقل ملی ما بما امکان آن داده است که بر اساس حاکمیت خود از تمام شرائط و عوامل موجود برفع پیشرفت مادی و معنوی اجتماعی ایران استفاده کنیم و بموازات تحول اجتماعی کشور خویش ، در راه توسعه اقتصادی و صنعتی این مملکت نیز قدمهای بسیار بزرگی برداریم که تا چندی پیش امکان پذیر بنظر نمیرسید . برای پیشرفت مملکت و بالا بردن سطح زندگی مردم آن یعنی تأمین آینده استوار و کاملاً اطمینان بخشی برای ملت ایران ، برنامه اساسی ما صنعتی کردن مملکت است ، زیرا هیچ مملکت مترقی را در دنیای امروز نمیتوان یافت که درآمد سرانه مردم آن به یک حد عالی رسیده باشد مگر آنکه آن مملکت هر چه بیشتر صنعتی شده باشد . . . ما در تعیین حدود و جهات پیشرفت صنعتی ، از یکطرف امکانات طبیعی و اجتماعی و مالی و فنی خود را در مدنظر داریم و از طرف دیگر متوجه اتخاذ جدیدترین روشهای علمی و صنعتی با توجه

بمقتضیات بازارهای جهان هستیم ، در این راه خود را
در زنجیر هیچ مکتب اقتصادی که با روحیات و سنن ملی
ما یا با توسعه اقتصادی ما سازگار باشد پای بند نمیکنیم .
از کتاب انقلاب سفید

